ایران

• یکشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۵
• ۲۷ محرم ۱۴۴۸
• ۱۲ جولای ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۷۱
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

عراقچی با همتای عمانی خود دیدار و گفت‌وگو کرد

آینده هرمز روی میز مذاکرات تهران - مسقط

۴

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی از حضور مردم در مراسم تشییع و تدفین «آقای شهید ایران» قدردانی کردند

انتقام از جنایتکاران حتمی است

«ایران» مشارکت کم‌سابقه مردم در آیین‌های وداع و تشییع رهبر شهید را بررسی می‌کند

لحظه اسطوره‌ای یک ملت

حمید دباشی استاد دانشگاه کلمبیا: چرا غرب به میلیون‌ها سوگوار آیت‌الله خامنه‌ای احترام نمی‌گذارد؟

همراه با یادداشت‌هایی از محمدصادق جوادی حصار، سید محمد حسینی، محمدرضا میرتاج‌الدینی و محمدکاظم انبارلویی

عکس: khamenei.ir

۲ ۳ ۵

مدیرعامل ایرنا در ویژه‌برنامه «آقای شهید ایران»:

استقلال و قدرت ملی میراث ممتاز جمهوری اسلامی است

۶

گفت‌وگو با استاندار گلستان

خط ریلی آق‌قلا چگونه بازگشایی شد؟

پاسخ عملی و فنی مجموعه مدیریتی استان به این اختلال، تکیه بر توان داخلی و کار شبانه‌روزی بود. تیم‌های فنی و مهندسی بلافاصله پس از صدور دستور، در یک عملیات فشرده موفق شدند در کمتر از ۲۴ ساعت، کار ترمیم اولیه خط و ایمن‌سازی سازه پل آق‌قلا را به سرانجام برسانند.

۱۴

حمل و نقل کشور چگونه یکی از گسترده‌ترین مأموریت‌های جابه‌جایی مسافر را مدیریت کرد؟

روایت یک عملیات ملی برای مراسم تشییع

۷

کارشناسان هواشناسی مطرح کردند

ال‌نینو؛ گرمای حتمی بارش احتمالی

۱۳

«گروه ورزشی» دلایل تعلل ملی‌پوشان برای خداحافظی و تأخیر در جوانگرایی تیم ملی فوتبال را بررسی می‌کند

مستطیل سبز در قبضه پیرمردها

- حمید درخشان: با ستاره‌های بازنشسته منتظر یک ناکامی جدید باشید
- مهدی پاشازاده: در فلسفه سرمربی تیم ملی جوانگرایی پررنگ نیست
- همراه با یادداشت‌هایی از فرزاد آشوبی و علی‌اصغر مدیرروستا

۱۲

با حضور پزشکیان صورت گرفت

تدوین نقشه راه بازسازی و مدیریت منابع در نشست ستاد بازسازی

نشست ستاد بازسازی خسارات ناشی از جنگ تحمیلی سوم، روز شنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۵، به ریاست مسعود پزشکیان و با حضور رئیس و معاونان سازمان برنامه و بودجه، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر نیرو و جمعی از مسئولان ذی‌ربط برگزار شد.

در این نشست، بسته جامع ستاد بازسازی با محوریت دو بخش «منابع تأمین مالی بازسازی» و «مصارف بازسازی» شامل جبران خسارات وارده به واحدهای مسکونی، خودروها، صنایع و واحدهای تولیدی آسیب‌دیده در جریان جنگ اخیر، مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفت.

همچنین گزارش‌هایی درباره وضعیت تولید و مصرف گاز، میزان خسارات واردشده به زیرساخت‌های تولید برق کشور و نیز سازوکار اصلاح قیمت‌گذاری و الگوی جدید سهمیه‌بندی بنزین ارائه و بررسی شد.

رئیس‌جمهوری پس از استماع گزارش‌های ارائه‌شده، با تأکید بر ضرورت شفافیت و انسجام در فرآیند تأمین منابع مالی بازسازی، اظهار کرد: در صورت مشارکت فعال شرکت‌های خودروساز و شبکه نمایندگی‌های مجاز در بازسازی خودروهای آسیب‌دیده و مدیریت یکپارچه این فرآیند، امکان کنترل مؤثرتر هزینه‌ها فراهم خواهد شد؛ هرچند سازوکارهای اجرایی این بخش همچنان نیازمند تکمیل و بهینه‌سازی است.

پزشکیان با تأکید بر ضرورت استقرار نظام ارزیابی مبتنی بر داده و تفکیک استانی خسارات ناشی از جنگ، تصریح کرد: نخستین گام در برنامه‌ریزی بازسازی، احصای دقیق و طبقه‌بندی استانی خسارات و رصد مستمر وضعیت هر استان است. لازم است پیشنهادهای استانداران برای بازسازی هدفمند، موضوع‌محور و مبتنی بر اولویت‌های محلی جمع‌بندی شود تا بر اساس شناخت دقیق مسائل هر استان، امکان برنامه‌ریزی واقع‌بینانه، برآورد هزینه‌ها، تعیین میزان خسارات و طراحی سازوکارهای تأمین مالی فراهم شود. همچنین تدوین برنامه‌های عملیاتی زمان‌بندی‌شده برای استان‌های دارای بیشترین میزان آسیب، همراه با تبیین شفاف ورودی‌ها، خروجی‌ها، اختیارات و الزامات اجرایی، از الزامات سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه است.

رئیس‌جمهوری در ادامه با تأکید بر ضرورت اتکای تصمیم‌گیری‌ها به داده‌های دقیق و معتبر در حوزه بازسازی صنایع و واحدهای تولیدی، خاطرنشان کرد: هدف دولت، بازگرداندن ظرفیت تولید و توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی برای استمرار فعالیت است؛ از این‌رو تمامی برآوردها و اطلاعات باید مبتنی بر واقعیت‌های میدانی باشد. کیفیت داده‌ها مبنای تعیین اختیارات، حمایت‌ها و تخصیص منابع خواهد بود و هرگونه ارائه اطلاعات نادرست، با اخلال در فرآیند سیاست‌گذاری، موجب برخورد قانونی با مدیران متخلف خواهد شد.

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود، مدیریت تقاضای انرژی و ارتقای بهره‌وری را از اولویت‌های راهبردی کشور دانست و اظهار کرد: اصلاح الگوی مصرف، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر بویژه سامانه‌های خورشیدی، ارتقای استانداردهای معماری و بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان‌ها، از مهم‌ترین راهکارهای کاهش شدت مصرف انرژی است. استانداران و دستگاه‌های اجرایی باید در حوزه فرهنگ‌سازی و اصلاح رفتار مصرفی پیشگام باشند. همچنین با هماهنگی دستگاه‌های مسئول، بویژه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، اقدامات لازم برای کنترل مصرف برق مراکز استخراج غیرمجاز رمزارز انجام شود و با واحدهای صنعتی متخلف که به‌صورت غیرقانونی از تجهیزات استخراج رمزارز استفاده می‌کنند، برخورد قاطع و بازدارنده صورت گیرد.

رئیس‌جمهوری همچنین با تأکید بر صیانت از استمرار فعالیت بخش تولید، تصریح کرد: تأمین برق صنایع و واحدهای تولیدی باید به‌عنوان یک اولویت قطعی مورد توجه قرار گیرد و از قطع برق این واحدها اجتناب شود. تمرکز سیاست‌های اجرایی باید بر توسعه ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر، ارتقای بهره‌وری انرژی در ساختمان‌ها و اصلاح الگوی مصرف استوار باشد.

پزشکیان با اشاره به اهمیت مدیریت افکار عمومی و اطلاع‌رسانی مسئولانه در حوزه انرژی، اظهار کرد: اطلاع‌رسانی درباره خسارات واردشده به زیرساخت‌های صنعت گاز باید دقیق، مستند و شفاف انجام شود؛ در صورت ضرورت، این اطلاع‌رسانی حداقل برای نخبگان، مسئولان و تصمیم‌گیران سیاسی صورت گیرد. همچنین در اجرای برنامه‌های محله‌محور، مسجدمحور و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مردمی، لازم است هم‌افزایی میان تمامی دستگاه‌ها تقویت شود تا کشور با آمادگی بیشتری از دوره اوج مصرف زمستان عبور کند. مدیریت مصرف در دستگاه‌های اجرایی نیز باید به‌عنوان یک اصل مورد اهتمام قرار گیرد و برای هر حوزه، بسته‌های آموزشی، مهندسی، تشویقی، تنبیهی و نظام ارزیابی عملکرد تدوین و اجرا شود؛ چراکه اصلاح باید از درون ساختارهای اجرایی آغاز شود.

رئیس‌جمهوری با تأکید بر ضرورت مسأله‌شناسی دقیق در فرآیند حکمرانی، تصریح کرد: حل هر مسأله مستلزم شناخت دقیق ابعاد آن است. در حوزه مصرف انرژی نیز لازم است تمامی مؤلفه‌ها و چالش‌ها به‌صورت کارشناسی احصا شود. بر همین اساس، شاخص‌های ارزیابی عملکرد مدیران در نشست استانداران ابلاغ خواهد شد و مدیرانی که در چارچوب این شاخص‌ها موفق به مدیریت بهینه منابع نشوند، جایگزین خواهند شد. در مقابل، مدیران موفق مورد حمایت و تشویق قرار می‌گیرند. بهبود شرایط کشور نیازمند اراده، مسئولیت‌پذیری و مدیریت کارآمد است.

پزشکیان همچنین بر ضرورت بازنگری در قوانین و مقررات با هدف رفع موانع تولید و فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی تأکید کرد و گفت: دولت با رویکرد تعامل، هم‌افزایی و مانع‌زدایی، به دنبال بسیج تمامی ظرفیت‌های ملی برای پشتیبانی از مردم و واحدهای تولیدی و ارتقای بهره‌وری است. قوانین غیرقابل اجرا باید مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد و جلسات هماهنگی میان وزارتخانه‌های نفت، صنعت، معدن و تجارت و نیرو با محوریت آموزش، مدیریت مصرف و ارتقای بهره‌وری به‌صورت مستمر برگزار شود.

رئیس جمهوری همچنین بهره‌گیری از ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه انرژی را ضروری دانست و اظهار کرد: استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه از جمله جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و ترکیه در تأمین انرژی باید در چارچوب سیاست‌های همکاری منطقه‌ای و تأمین امنیت انرژی کشور با جدیت دنبال شود.

پزشکیان در بخش دیگری از این نشست، بر تسریع در اجرای اصلاحات مربوط به سهمیه‌بندی بنزین تأکید کرد و گفت: اقدامات فرهنگی و سیاست‌های تشویقی با هدف کاهش مصرف سوخت، از جمله اجرای برنامه «یک روز بدون خودرو» برای کارکنان دستگاه‌های اجرایی، توسعه حمل‌ونقل عمومی و افزایش تولید خودروهای هیبریدی و دوگانه‌سوز، باید در دستور کار دستگاه‌های مسئول قرار گیرد.

در ادامه این نشست، سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، با اشاره به وضعیت تأمین گاز صنایع اظهار کرد: با توجه به اقدامات و تلاش‌های صورت‌گرفته، برآورد می‌شود میزان کسری گاز کمتر از ارقامی باشد که در برخی گزارش‌ها مطرح می‌شود.

وی همچنین بر ضرورت برگزاری نشست‌های مشترک میان وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت نیرو به‌منظور افزایش هماهنگی‌های اجرایی تأکید کرد.

عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو نیز با تأکید بر شرایط ویژه کشور، اظهار کرد: دولت در شرایطی فراتر از وضعیت عادی فعالیت می‌کند و ضرورت دارد همه دستگاه‌ها با همدلی، انسجام و مسئولیت‌پذیری، برای عبور موفق از شرایط موجود، همکاری و هم‌افزایی حداکثری داشته باشند.

در گفت‌وگو با ایرنا مطرح شد

روایت نوبخت از نسخه رهبر شهید برای توسعه کشور

معاون رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم با مرور تجربه اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، گفت: «رهبر شهید علاوه بر تأکید بر تولید و توسعه، همواره بر انضباط مالی، اولویت‌بندی پروژه‌ها و نظارت مستمر بر اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی تأکید داشتند.»

محمدباقر نوبخت در گفت‌وگو با «ایرنا» با تشریح منظومه فکری اقتصادی رهبر شهید، یکی از یادگارهای ایشان را نامگذاری سال‌های مختلف با عناوین اقتصادی بویژه در شرایط دشوار دهه ۹۰ دانست و با یادآوری اینکه شعار سال و ابلاغ سیاست‌های کلی در حوزه‌های مختلف از سوی رهبر شهید همواره با سنجیدگی و به اقتضای ضرورت‌ها صورت می‌گرفت، گفت: «شرایط اقتصادی پیش آمده در ابتدای دهه ۹۰، مشکلات اقتصادی را در صدر مباحث و رفع آنها را در اولویت قرار داد. بر این اساس شعار سال‌های دهه ۱۳۹۰ و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بهمن ماه سال ۱۳۹۲ ابلاغ شد تا با رویکرد جدید و واقع‌بینانه‌ای اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله نظام همچنان پیگیری شود. سیاست‌هایی که به تصریح دبیرکل حزب اعتدال و توسعه، دولت وقت برای اجرایشان اولویت اعتبارات مربوط به پروژه‌های اقتصاد مقاومتی را در بودجه سالانه تنظیم می‌کرد.»

نوبخت در ادامه شرایط کنونی اقتصاد کشور ناشی از استمرار تحریم‌ها و تحمیل دو جنگ بزرگ طی یک‌سال گذشته را مستلزم اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی دولت چهاردهم دانست و گفت: «با توجه به سیاست‌هایی که به‌درستی از سوی رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله آقا سید مجتبی خامنه‌ای برای سال جاری انتخاب و ابلاغ شده است، انتظار می‌رود دولت چهاردهم از تجارب موفق گذشته استفاده کرده و با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مسیر توسعه و پیشرفت کشور را همچنان پیگیر باشد.»

انضباط مالی، نقطه تأکید رهبر شهید در جلسه با دولتمردان

رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت تدبیر و امید با اشاره به دیدارهایی که رهبر شهید هر ساله با دولتمردان داشتند، گفت: «رهبر شهید در هیچ یک از جلسات با دولت از تبیین سیاست‌ها و اولویت‌ها به اعضای کابینه دریغ نداشتند و با توجه به محدودیت منابع مالی همواره رعایت صرفه‌جویی را یادآور می‌شدند.» وی یادآورشد: «به خاطر دارم در پایان یکی از جلسات که اعضای دولت خدمت ایشان رسیده بودیم، برای استجازه خروج و خداحافظی خدمت ایشان رسیدم به من فرمودند: «عده‌ای می‌آیند و از شما به دلیل اینکه بودجه کافی به آنها نمی‌دهید شکایت می‌کنند و گله‌مند هستند؛ البته با این شکایات مطمئن می‌شوم که شما سختگیری‌های لازم در تخصیص اعتبارات را انجام می‌دهید، کارتان درست است، همین روش را ادامه دهید.»

سیاست‌های کلی نظام و جایگاه سند چشم‌انداز توسعه

نوبخت درباره تدوین برنامه‌های پنجساله توسعه که با آغاز دوران رهبری امام خامنه‌ای(ره) از سال ۱۳۶۷ آغاز شده بود و در امتداد آن ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در راستای اجرای بند یکم اصل یکصد و دهم قانون اساسی از سوی رهبر شهید، گفت: «به عنوان کسی که از برنامه اول تا چهارم در مجلس به عنوان عضو و سخنگوی کمیسیون‌های برنامه و بودجه و همچنین تلفیق در فرآیند تدوین آنها در مجلس شورای اسلامی، نقش داشتم و در جریان چگونگی شکل‌گیری دیگر برنامه‌های توسعه کشور بوده‌ام، گواهی می‌دهم که سیاست‌های ابلاغی امام مجاهد شهید جهت تعیین اهداف اقتصادی بسیار دقیق و سنجیده شکل می‌گرفت.» وی در ادامه یادآور شد: «صرف‌نظر از موانع فراوانی که در مسیر اجرا و میزان تحقق اهداف مندرج در سیاست‌های کلی ابلاغی وجود داشت این سیاست‌ها برای کشور، بسیار نافع و متناسب با اقتضائات تاریخ و جغرافیای ایران شکل می‌گرفت و از آنها می‌توان به مثابه اصلاحات نهادی از منظر اقتصاددانان نهادگرا یاد کرد.

تغییر گفتمان از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردم‌گرا

معاون رئیس‌جمهور در دولت روحانی با بیان این دیدگاه که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغ شده از سوی رهبر شهید زمینه‌ساز تغییر گفتمان اقتصاد دولتی به اقتصاد غیردولتی و مردم‌گرا بود، افزود: «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز با وجود آرمان‌خواهی ملی و اسلامی در راستای دستیابی به اهداف توسعه ابلاغ شده بود، همچنین طراحی چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، سندی روزآمد، با مبانی علمی برای پیشرفت و توسعه ایران در رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود.» وی در بیان چرایی اهمیت سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران با تأکید بر اینکه اهداف این سند با تأمین نیازهای مادی و معنوی فرد و جامعه ایرانی در سایه کرامت انسانی و تعالی اجتماعی تحقق می‌یابد، تصریح کرد: «به استناد سند چشم‌انداز که با امضای رهبر شهیدمان یکی از مطالبات تحقق‌نیافته مردم بویژه نسل جوان ایرانی محسوب می‌شود، مسئولان نظام وظیفه‌مندند فراهم آوردن زمینه شکل‌گیری اهداف سیاست‌های ابلاغی توسعه کشور را به مثابه وصیتی مؤکد و بر زمین مانده بدانند و بی‌وقفه برای تحقق آن تلاش کنند. بدون شک با چنین مواریث اجتماعی در کنار استقلال ملی، تاریخ ایران همواره از رهبر شهیدمان به نیکویی و سربلندی یاد خواهد کرد.»

خبر

رئیس قوه قضائیه:

جنایتکاران جنگی باید هم مجازات شوند و هم خسارت بدهند

در راستای پیگیری پرونده جنایات جنگی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران، بالاخص در دو جنگ تحمیلی اخیر، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا با جمعی از وکلا و حقوقدانان بین‌المللی و خارجی که در کارنامه خود پیگیری جنایات جنگی رژیم صهیونیستی را ثبت کرده‌اند، دیدار کرد.

رئیس قوه قضائیه طی سخنانی در این نشست تخصصی، با بیان اینکه صدای حقیقت خاموش‌شدنی نیست، اظهار کرد: «این اعتقاد راسخ را داریم که همه حق‌طلبان و عدالت‌جویان عالم به‌ویژه وکلا و حقوقدانان بین‌المللی که ظلم‌ستیز و حامی مظلومان هستند، باید تشریک مساعی کنند و با هم‌افزایی، قدرت خود را به رخ ظالمان و مستکبران بکشانند. آنها باید بدانند که صدای حق و حق‌طلبی خاموش نمی‌شود و قدرت مادی‌شان نمی‌تواند بر حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی فائق آید.»

محسنی اژه‌ای با اشاره به جنایات جنگی ارتکابی علیه ملت ایران، عنوان کرد: «علیه کشور و مردم ما توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی جنایت جنگی رخ داده است. ما مصمم هستیم که جنایتکاران جنگی را تعقیب کنیم و کیفر دهیم.»

وی افزود: «جنایتکاران باید به تناسب جنایتی که مرتکب شده‌اند هم مجازات شوند و هم خسارت پرداخت کنند؛ نهادهای ذی‌ربط در داخل کشور ما و مشخصاً دادستانی کل، معاونت بین‌الملل و مرکز وکلای قوه قضائیه در پیشبرد این امر خطیر عزمی جزم دارند؛ ما به سوی شما وکلا و حقوقدانان حق‌طلب و ظلم‌ستیز جهانی نیز دست یاری دراز می‌کنیم و معتقدیم که با تشریک مساعی و هم‌افزایی می‌توانیم در عرصه تعقیب و مجازات جنایتکاران جنگی، فصلی نو آغاز کنیم.»

رئیس قوه قضائیه بر پیگیری مجدانه پرونده جنایت جنگی علیه ملت ایران تأکید و خاطرنشان کرد: «اگرچه قدرت‌های جهانی و مستکبر در مجامع و محاکم بین‌المللی نفوذ دارند و اجازه نمی‌دهند پرونده مظلومین عالم به‌سادگی تعیین‌تکلیف شود؛ لکن ما آنقدر در این عرصه جهاد می‌کنیم و جنایات جنگی این جنایتکاران را پیگیری می‌کنیم که همگان تسلیم حق و حق‌طلبی شوند.»

محسنی اژه‌ای با تأکید بر اهمیت رسواسازی جانیان بین‌المللی در محکمه مردمی اظهار کرد: «علاوه بر پیگیری جنایات جنایتکاران در محاکم بین‌المللی، موضوع مهم دیگر، آن است که این جانیان و آدمکش‌ها را در محکمه مردمی محاکمه کنیم؛ باید ذات خبیث و فاجر این جرثومه‌های تباهی را به مردم دنیا بشناسانیم. در اینجا نیز وظیفه و مسئولیت شما وکلا و حقوقدانان حق‌طلب و عدالت‌جوی بین‌المللی خطیر و پراهمیت است.»

رئیس دستگاه قضا همچنین با تأکید بر مقوله خونخواهی امام شهید، گفت: «همه جهانیان بدانند که مردم مبعوث‌شده ایران اسلامی که بیش از ۴ ماه است عزادار امام شهید و سایر شهدای‌شان هستند، با عزم و اراده‌ای استوار، خونخواه و طالب تقاص و انتقام هستند. ما خونخواهی امام شهیدمان را فراموش نخواهیم کرد و جنایتکاران بین‌المللی را با قدرت و قوت تعقیب و مجازات می‌کنیم؛ همچنین جانیان مطمئن باشند که خسارات تحمیل کرده به ملت ایران را از آنها خواهیم ستاند.»

پیام رهبر انقلاب به مناسبت تشییع و تدفین «آقای شهید ایران»:

انتقام از جنایتکاران حتمی است

رهبری

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در پیامی با قدردانی صمیمانه از حضور ده‌ها میلیونی مردم ایران و عراق در مراسم تشییع «آقای شهید ایران»، خطاب به امام شهید امت تأکید کردند: عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ماست و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

السَّلامُ علیک یا ثـارَاللهِ وَ ابـنَ ثـاره وَ الوِترَ المَوتور. السَّلامُ علیک وَ علی جَدِّک وَ اَبیک وَ اُمِّک وَ اَخیک وَ المَعصومینَ مِن وُلدِک.

سلام بر امامی که ندای حیات‌بخش قیامش، پژواکی عظیم و پرطنین از بعثت نبوی را تا اعماق دوردست تاریخ امتداد بخشید و از اثر آن انقلاب اسلامی ایران پدید آمد؛ انقلابی که از اساس حسینی بود و با شعار و مرام حسین ساخته شد و بالید. آقای شهید ایران هم با همین مرام رشد کرد. او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست و حسینی خون خود را در راه مکتب حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید.

خونی که مظلومانه بر زمین ریخت ملت ایران را بعثت بخشیده است

در زمره حسینیان، کسانی هستند که وقتی در راه حسین و برای مکتب و مرام حسین علیه‌السلام، خونشان مظلومانه بر زمین می‌ریزد، امت اسلام به حرکت درمی‌آید و آن زمان، به عاشورا و آن مکان، به کربلا متصل می‌شود. حال هم همان شور حسینی، ملت ما را بعثت بخشیده و مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید را جلوه‌ای تازه داده است. این است آن غوغای حیات‌بخشی که انعکاس ندای مظلومیت حسین علیه‌السلام و ندای «هَل مِن ناصرٍ ینصُرُنی» او در ایران و پس از آن در عراق و سایر کشورها بپا می‌کند و زلزله در باطل می‌اندازد و جا دارد به همین مناسبت از حضور ده‌ها میلیونی، اعجاب‌برانگیز، دشمن‌شکن و تاریخی مردم در شهرها و روستاهای ایران و عراق خصوصاً تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد صمیمانه قدردانی کنم. ملت ما خونخواه حسین(ع) است. این ملت بزرگ سال‌ها فرزندان خود را در راه حسین و در جنگ با دشمنان حسین و مرام حسینی فدا کرد و اینک هم خونخواه او و حسینیان زمان است.

انتقام خواست ملت است

اکنون به پیشوای شهیدمان عرض می‌کنم: ای قتیل مظلوم! ای مظلوم سرافراز! ای بنده صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دل‌های شکسته با پیکر شما وداع می‌کنیم، با شما عهد می‌بندیم که مکتب شما را پاس بداریم و آن طریق مستقیمی را که شما ترسیم کردید با استقامت بپیماییم و در این راه از سختی‌ها نهراسیم، و همچون شما به بشارات و وعده‌های الهی دل ببندیم. عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ماست و به‌طور حتم باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد. آنها باید بدانند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و به‌زودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.

ای پدر شهید امت، نوشیدن شهد شهادت که عمری در آرزوی آن بودید، گوارایتان باد. پوشیدن خلعت شهادت با بدنی که نشان‌ها از مادرتان زهرای اطهر و جدتان اباعبدالله الحسین و اباالفضل العباس علیهم الصلاة و السّلام دارد، مبارکتان باشد؛ و شما ای همراهان مظلوم او که غافلگیرانه مورد هجوم دشمن قرار گرفتید و به شهادت رسیدید، خوشا به‌حالتان که اینک میهمان آن مولایی هستید که شاید بارها رأفت و لطفشان را درک کرده بودید. آن آقایی که باب رحمت الهی برای همه و بخصوص مردمان این سرزمین هستند، اینک میزبان شمایند و جوار امنشان خانه شما شده است.

> این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد

تصویر جدید از رهبر انقلاب که توسط سایت رسمی ایشان به نشانی Rahbar.ir منتشر شده است

و شما ای سرور عالی‌مقام! ای بزرگوار! ای امام رئوف! یا اباالحسن الرّضا المرتضی که برترین صلوات خدا بر شما باد، اکنون جسم پاره پاره خادمی از خادمین حضرتتان و عترت طاهره، پس از سالها جِدّ و جَهد و مجاهدتِ بی‌وقفه به همراه ابدان شهدایی از خانواده‌اش که هر یک یادآور شهیدی از شهیدان دشت کربلاست، در این خاک پاک می‌آرمند تا آن روزی که به امر الهی، خورشید عالم‌تاب، حضرت بقیةالله عجل‌الله تعالی فرجه الشّریف، از پس ابرهای غیبت بیرون آید و بر مردمان کره خاکی، نور رحمت الهی را بتاباند که در آن روز که امید داریم خیلی زود برسد، ستارگانی از میان صدیقین و شهدا و اولیا، آن حضرت را همراهی خواهند کرد و امید داریم که آقای شهیدمان یکی از آنان باشد و بار دیگر صحنه‌هایی درخشان و ناب از مجاهدت و وفای به عهد اَلَست را به نمایش بگذارد و شاید این همراهان در آن روز هم او را همراهی کنند.

ای مولای رئوف! آقایمان که همه چیزش را در راه شما صرف کرد و همراهان شهیدش را به شما و لطف و عنایت جنابتان می‌سپاریم تا همچنان که در حیات دنیوی خود از لطف شما بهره‌مند بودند، از این پس هم همان‌طور و بلکه بسیار بالاتر و بیشتر از آن برخوردار باشند.

در آخر، بار دیگر به سرورمان حضرت بقیةالله عجل‌الله تعالی فرجه الشریف تسلیت عرض می‌کنیم و از آن بزرگوار مهربان درخواست می‌کنیم که ادعیه زاکیه خود را متوجه آقای شهید ایران و همراهان شهیدش و همه شهدا بفرمایند و از حضرت حق جلَّ و علا برای همه شهیدان علوّ درجات و برای بازماندگان ایشان صبر و اجر و برای ملت مظلوم ایران فتح و نصرت قطعی و قریب‌الوقوع طلب نمایند، ان شاءالله.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۱۸ تیر ۱۴۰۵

سرپرست وزارت دفاع:

توان دفاعی کشور پس از جنگ ارتقا یافته است

دفاعی

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گفت: به دلیل تمهیدات پیش‌بینی شده و طراحی مناسب صنایع دفاعی، در هیچ روزی تولید موشک و پهپاد متوقف نشد و حتی ظرفیت تولید افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت تولید پهپاد در حین جنگ سه برابر قبل شد. ما نقاط ضعف دشمن را به‌خوبی می‌شناسیم و به توانمندی‌های خود واقف هستیم.

به گزارش ایرنا نشست مشترک پنج‌ساعته وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، با حضور سرپرست وزارت دفاع، رؤسای سازمان‌های عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات وزارت دفاع و جمعی از معاونان این وزارتخانه برگزار شد.

در این نشست، سرتیپ پاسدار سید مجید ابن‌الرضا، سرپرست وزارت دفاع با مرور سابقه دشمنی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، به جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان اشاره کرد و گفت: جمهوری اسلامی ایران در این دو نبرد با پیشرفته‌ترین فناوری‌های اطلاعاتی، نظامی و جنگ روانی مواجه بود و بررسی‌های وزارت دفاع نشان می‌دهد بیش از ۱۵۰ شرکت برتر فناوری جهان در حمایت از آمریکا و رژیم صهیونیستی نقش‌آفرینی کرده و آخرین دستاوردهای فناورانه خود را در اختیار دشمن قرار داده بودند.

وی افزود: دشمن با تصور پایان دادن به نظام جمهوری اسلامی وارد میدان شد، اما به برکت خون شهدا، هدایت‌های فرمانده معظم کل قوا، رشادت نیروهای مسلح و حمایت بی‌دریغ مردم، این توطئه ناکام ماند و جمهوری اسلامی با اقتدار از این آزمون عبور کرد.

سرپرست وزارت دفاع با بیان اینکه عملکرد نیروهای مسلح در جنگ رمضان نسبت به جنگ ۱۲ روزه مبتکرانه‌تر و مقتدرانه‌تر در حوزه تاکتیک و تکنیک بود، اظهار کرد: با وجود گستردگی و پیچیدگی میدان نبرد، نیروهای مسلح در کوتاه‌ترین زمان ممکن پاسخ قاطع به دشمن دادند و با وجود شهادت فرماندهان عالی، نه تنها انسجام خود را از دست ندادند، بلکه با سرعت، ابتکار عمل و تاکتیک‌پذیری بالا، دشمن را با شگفتانه‌های متعدد مواجه کردند.

> به دلیل تمهیدات پیش‌بینی شده و طراحی مناسب صنایع دفاعی، در هیچ روزی تولید موشک و پهپاد متوقف نشد

سرتیپ ابن‌الرضا، جنگ اخیر را فرصتی برای شتاب‌بخشی به توسعه فناوری‌های دفاعی دانست و گفت: این نبرد بار دیگر ثابت کرد هر جا بر فناوری‌های نوین و دانش‌بنیان سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، موفق بوده‌ایم؛ از این‌رو تقویت بودجه دفاعی، توسعه فناوری‌های پیشرفته، بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان داخل و خارج از کشور و ایجاد سازوکارهای چابک برای اکتساب فناوری باید با جدیت دنبال شود.

وی با اشاره به عملکرد صنایع دفاعی در دوران جنگ تصریح کرد: به دلیل تمهیدات پیش‌بینی شده و طراحی مناسب صنایع دفاعی، در هیچ روزی تولید موشک و پهپاد متوقف نشد و حتی ظرفیت تولید افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت تولید پهپاد در حین جنگ سه برابر قبل شد.

سرپرست وزارت دفاع همچنین از به‌روز رسانی بانک اطلاعاتی دفاعی کشور پس از جنگ ۱۲ روزه خبر داد و افزود: امروز نقاط آسیب‌پذیر دشمن به‌طور دقیق شناسایی و محاسبه شده و نیروهای مسلح می‌دانند در چه زمان، چگونه و تا چه میزان بر دشمن فشار وارد کنند.

سرتیپ ابن‌الرضا با اشاره به تدبیر رئیس‌جمهوری در بهره‌گیری از ظرفیت صنایع دفاعی برای رفع نیازهای کشور گفت: بخشی از ظرفیت‌های دفاعی در کنار مأموریت‌های اصلی، در خدمت تأمین نیازهای کشور قرار گرفت و نقش مؤثری در پشتیبانی از بخش‌های مختلف ایفا کرد. وی حمایت گسترده مردم از نیروهای مسلح را یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جنگ دانست و اظهار کرد: این همراهی، انگیزه مضاعفی برای توسعه صنعت دفاعی ایجاد کرد و امروز این فرصت فراهم شده است تا با اتکا به مدیران جهادی، آینده‌نگر و خوش‌فکر، معماری جدیدی برای صنعت دفاعی کشور طراحی شود؛ صنعتی که بتواند پاسخگوی نیازهای دفاعی ایران در دهه‌های آینده باشد.

سرپرست وزارت دفاع همچنین با اشاره به حضور گسترده مردم در مراسم تشییع فرماندهان شهید، این حضور را نشانه‌ای از شکل‌گیری جبهه‌ای جدید از مقاومت دانست و گفت: تلاش آمریکا برای القای انزوای جمهوری اسلامی ایران با حضور گسترده ملت‌ها و هیأت‌های خارجی ناکام ماند و اعتبار سیاست تهدید این کشور با چالش جدی مواجه شد.

سرتیپ ابن‌الرضا در پایان با تأکید بر آمادگی کامل نیروهای مسلح تصریح کرد: نقاط ضعف دشمن را به‌خوبی می‌شناسیم و به توانمندی‌های خود واقف هستیم. نیروهای مسلح تحت تدابیر فرمانده معظم کل قوا، با هماهنگی کامل در حال ارتقای مستمر توان دفاعی هستند.

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
خدمات و فضای سبز شماره ۳۵۶-کا/ ۰۵

کارخانه تولید کاغذ اسناد بهادار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نظافت محوطه و ساختمان ها و امور خدماتی (راننده و ...) ساختمانی - آشپز خانه (طبخ و توزیع) و همچنین عملیات نگهداری و احداث فضای سبز و انجام امور مربوط به بخش تکمیلی خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان شرکت در فرآیند ارجاع کار می‌توانند جهت دریافت مشخصات و اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۹۰۳۰۰۰۰۰۱ مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند، همچنین **آخرین مهلت تکمیل و ارسال پیشنهادها از طریق سامانه یاد شده** ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷می‌باشد. (پیشنهاد خارج از سامانه ستاد قابل پذیرش نمی‌باشد.)

تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۲۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (بیست و یک میلیارد و پانصد میلیون) ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر بدون قید و شرط و مدت اعتبار سه ماه می‌باشد مدت اعتبار پیشنهاد قیمت سه ماه و زمان بازگشایی پاکت‌ها در مرحله اول (الف و ب) روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰می‌باشد. در ضمن کارخانه تولید کاغذ اسناد بهادار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار می‌باشد.

تحویل پاکت الف (تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار) در زمان یاد شده به دفتر بازرگانی کارخانه تولید کاغذ اسناد بهادار به نشانی مازندران، آمل، کیلومتر ۷ جاده چمستان الزامی می‌باشد.

شماره تماس: ۴۴۹۰۲۱۳۷ و ۰۱۱-۴۴۹۰۲۱۳۰

شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)
IRAN ALLOY STEEL COMPANY (IASCO)
شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)

تمدید مناقصه عمومی (دومرحله‌ای) شماره ۰۱۸/م/م/۱۴۰۵

پیرو آگهی مناقصه عمومی با موضوع **خرید ۳۲۰ تن گرانول آلومینیوم** به اطلاع می‌رساند مهلت شرکت در این مناقصه تا ساعت ۱۲ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ بر اساس شرایط زیر تمدید گردید.

- **موضوع مناقصه: خرید ۳۲۰ تن گرانول آلومینیوم .**
- **مدت اعتبار پیشنهاد:** ۱ ماه.
- **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (صد و پنجاه میلیارد) ریال به‌صورت چک صیادی ثبت شده در سامانه صیاد.
- **مهلت تحویل اسناد:** ساعت ۱۲ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵.
- **نحوه دریافت اسناد:** متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند به‌منظور دریافت اسناد و شرایط مناقصه به سایت شرکت فولاد آلیاژی ایران به‌نشانی www.iasco.ir - خرید و تامین کنندگان - مناقصات مراجعه نمایند.
- **محل تحویل اسناد:**

دبیرخانه محرمانه حراست شرکت فولاد آلیاژی ایران واقع در یزد، جاده کنارگذر یزد کرمان، نرسیده به پایانه باربری، کیلومتر ۲۴ جاده فولاد، شرکت فولاد آلیاژی ایران، کد پستی : ۸۹۴۵۱۵۱۶۹۴.

- **سایر جزئیات مربوطه:** در اسناد مناقصه درج شده است.
- متقاضیان می‌توانند در صورت نیاز؛ همه‌روزه به‌غیر از ایام تعطیل از ساعت ۸ لغایت ۱۶ به‌منظور دریافت اطلاعات تکمیلی با شماره ۰۳۵۳۱۲۲۲۸۶۶ تماس حاصل نمایند.
- **مناقصه‌گزار در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.**

شرکت فولاد آلیاژی ایران

شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)
IRAN ALLOY STEEL COMPANY (IASCO)
شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)

تمدید مناقصه عمومی (دومرحله‌ای) شماره ۰۱۹/م/م/۱۴۰۵

پیرو آگهی مناقصه عمومی با موضوع **خرید ۱۲۰ تن وایر آلومینیوم** به اطلاع می‌رساند مهلت شرکت در این مناقصه تا ساعت ۱۲ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ بر اساس شرایط زیر تمدید گردید.

- **موضوع مناقصه: خرید ۱۲۰ تن وایر آلومینیوم .**
- **مدت اعتبار پیشنهاد:** ۱ ماه.
- **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ ۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (پنجاه میلیارد) ریال به‌صورت چک صیادی ثبت شده در سامانه صیاد.
- **مهلت تحویل اسناد:** ساعت ۱۲ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵.
- **نحوه دریافت اسناد:** متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند به‌منظور دریافت اسناد و شرایط مناقصه به سایت شرکت فولاد آلیاژی ایران به‌نشانی www.iasco.ir - خرید و تامین کنندگان - مناقصات مراجعه نمایند.
- **محل تحویل اسناد:**

دبیرخانه محرمانه حراست شرکت فولاد آلیاژی ایران واقع در یزد، جاده کنارگذر یزد کرمان، نرسیده به پایانه باربری، کیلومتر ۲۴ جاده فولاد، شرکت فولاد آلیاژی ایران، کد پستی : ۸۹۴۵۱۵۱۶۹۴.

- **سایر جزئیات مربوطه:** در اسناد مناقصه درج شده است.
- متقاضیان می‌توانند در صورت نیاز؛ همه‌روزه به‌غیر از ایام تعطیل از ساعت ۸ لغایت ۱۶ به‌منظور دریافت اطلاعات تکمیلی با شماره ۰۳۵۳۱۲۲۲۸۶۶ تماس حاصل نمایند.
- **مناقصه‌گزار در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.**

شرکت فولاد آلیاژی ایران

در گفت‌وگو با کارشناسان و فعالان سیاسی مشارکت کم‌سابقه مردم در آیین‌های وداع و تشییع رهبر شهید بررسی شد

رمز و راز یک حضور ملی

عکس: علی محمدی/ ایران

گزارش

گروه سیاسی

حضور کم‌سابقه و میلیونی مردم ایران و عراق در آیین‌های وداع، تشییع و خاکسپاری رهبر شهید انقلاب، تنها یک رخداد آیینی یا عاطفی نبود. رویدادی بود که به یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر و چه بسا تاریخ معاصر ایران تبدیل شد و نگاه بسیاری از ناظران داخلی و خارجی را به خود معطوف کرد. از تهران تا قم و مشهد و در شهرهای نجف و کربلای عراق، خیابان‌ها و میدان‌ها شاهد موج بزرگ جمعیتی بودند که با وجود تفاوت‌های قومی، فرهنگی، مذهبی، نسلی و حتی سلیقه‌های سیاسی، در کنار یکدیگر قرار گرفتند و تصویری از همبستگی اجتماعی و اتحاد ملی را به نمایش گذاشتند. ازدحام جمعیت در آیین‌های وداع و تشییع در ایران و عراق، تنها بیانگر افزونی جمعیت و بزرگی یک مراسم نبود، بلکه نشانه‌هایی از وجود پیوندهایی برقرار میان مردم، برجستگی هویت و امنیت ملی، وطن‌دوستی، ادای دین و وفاداری و ظهور و بروز سرمایه اجتماعی بود. مؤلفه‌هایی که در بزنگاه‌های تاریخی خود را بیشتر آشکار می‌کنند و به جامعه امکان می‌دهند فراتر از اختلاف نظرهای معمول، حول ارزش‌ها و دغدغه‌های مشترک گرد هم آیند. درهمین راستا، بسیاری از تحلیلگران معتقدند این حضور میلیونی را نمی‌توان صرفاً با انگیزه‌های احساسی یا شخصی تبیین کرد، بلکه باید آن را در چارچوب مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی مورد واکاوی قرار داد. عواملی که توانستند میلیون‌ها نفر را در ایران و عراق به صحنه بیاورند و یکی از پرجمعیت‌ترین آیین‌های بدرقه تاریخ معاصر منطقه را رقم بزنند. اینک پرسش آن است که رمز و راز این حضور گسترده و کم‌نظیر چیست؟ چه مؤلفه‌هایی موجب شد میلیون‌ها نفر، با وجود تفاوت در سبک زندگی، گرایش‌های فرهنگی، تنوع قومیتی و باورهای مذهبی، در این مراسم مشارکت کنند؟ برای یافتن پاسخی دقیق‌تر به این پرسش، با جمعی از صاحب‌نظران و کارشناسان گفت‌وگو کرده‌ایم تا ابعاد مختلف این رخداد و عوامل شکل‌دهنده آن را از منظرهای گوناگون بررسی کنیم.

توازن میان هویت ایرانی و اسلامی

محمد صادق جوادی حصار
عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی

رهبر شهید شخصیت جامع الاطرافی داشتند و لذا در مراسم وداع و تشییع ایشان شاهد حضور اقشار مختلف مردم بودیم.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فکری رهبر شهید، ایجاد توازن میان هویت ایرانی و هویت اسلامی بود؛ توازنی که نه از سر مصلحت سیاسی، بلکه برخاسته از شناخت عمیق ایشان نسبت به تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران و همچنین فهم دقیق از آموزه‌های اسلامی بود.

ایشان شناختی گسترده از ادبیات فارسی، عرفان اسلامی و ایرانی، تاریخ ایران و میراث فرهنگی این سرزمین داشتند. تسلط بر آثار بزرگانی چون حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی، عطار و دیگر قله‌های ادب فارسی، تنها جنبه مطالعاتی نداشت، بلکه بخشی از نظام فکری ایشان را شکل داده بود. همین آشنایی عمیق سبب می‌شد که ایران را سرزمینی دارای پیشینه‌ای طولانی در خداپرستی و یکتاپرستی بدانند و معتقد باشند که این سرزمین، حتی پیش از ورود اسلام نیز هرگز از معنویت و دینداری جدا نبوده است. بر همین اساس، ایشان هیچ‌گاه میان ایرانیت و اسلامیت تعارضی احساس نمی‌کردند. از نگاه ایشان، ایران ظرفی تاریخی برای شکوفایی اسلام و اسلام نیز عامل تعالی فرهنگ و تمدن ایرانی بوده است. به همین دلیل، هر دو را مکمل یکدیگر می‌دانستند، نه رقیب هم.

ایشان همچنین نسبت به آثار معاصر و جریان‌های فکری جدید نیز بی‌اطلاع نبودند. مطالعه مستمر، آشنایی با تحولات فکری جهان و توجه به آثار جدید، سبب شده بود که نگاهی روزآمد و در عین حال ریشه‌دار داشته باشند. همین جامعیت علمی، امکان ایجاد تعادل میان سنت و نوگرایی و نیز میان هویت ملی و هویت دینی را برای ایشان فراهم می‌کرد. از نگاه ایشان، یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی، اعتلای ایران اسلامی بود. این اعتلا تنها در عرصه سیاست تعریف نمی‌شد، بلکه ابعاد علمی، فرهنگی، اقتصادی و تمدنی را نیز دربر می‌گرفت. ایشان بارها بر این باور تأکید می‌کردند که ایران باید به جایگاهی در تولید علم و فناوری دست یابد که ملت‌های دیگر برای بهره‌گیری از دانش ایرانی، ناگزیر به فراگیری زبان فارسی شوند. این نگاه، بیانگر اهمیت ویژه‌ای بود که برای علم، پژوهش، نوآوری و جایگاه زبان فارسی در تمدن آینده قائل بودند. اگر بخواهیم اندیشه محوری ایشان را در یک عبارت خلاصه کنیم، شاید بتوان گفت که هدف اصلی، ساختن ایرانی مقتدر، پیشرفته، مستقل و برخوردار از هویت اسلامی بود؛ ایرانی که هم در عرصه علم و فرهنگ سرآمد باشد و هم در دفاع از استقلال و عزت خود استوار بایستد.

می‌توان اینطور گفت که مراسم تشییع چنین شخصیتی، صرفاً یک آیین سوگواری نبود، بلکه به نمادی از وحدت و همبستگی ملی و منطقه‌ای تبدیل شد.

حقیقت شخصیت و اندیشه‌های ایشان به مرور زمان روشن‌تر خواهد شد. هرچه شناخت جامعه از منش، اخلاص، ایران‌دوستی، علاقه به پیشرفت کشور، توجه به فرهنگ، دانش، ادب و مدیریت سیاسی ایشان افزایش یابد، ابعاد بیشتری از شخصیت او برای نسل‌های آینده آشکار خواهد شد. از نگاه ایشان، یکی از عوامل مهم شکل‌گیری وحدت ملی، ایستادگی در برابر تهدیدهای خارجی بود. باور بر این بود که سال‌ها پیش از بروز رویارویی مستقیم ایران و آمریکا، کشور برای مواجهه با چنین شرایطی آماده شده و برنامه‌ریزی‌های لازم در حوزه دفاعی، سیاسی و راهبردی انجام گرفته بود. اکنون که بخشی از جامعه این دوراندیشی را بهتر درک می‌کند، طبیعی است که نگاه ژرف‌تری نسبت به شیوه مدیریت و آینده‌نگری ایشان پیدا کند.

این شناخت تدریجی، می‌تواند زمینه افزایش همبستگی ملی را فراهم سازد؛ هرچند این وحدت، همچون هر جامعه دیگری، در چارچوب اکثریت معنا پیدا می‌کند و به معنای حذف تنوع دیدگاه‌ها نیست. آنچه می‌تواند سرمایه مشترک جامعه باشد، نه یکسان‌اندیشی، بلکه احترام به شخصیت‌هایی است که با باور و ایستادگی، وفاداری خود را به ایران، مردم و آرمان‌های مورد اعتقادشان در عمل نشان داده‌اند.

بنابر این نمی‌توان یک دلیل مشترک برای حضور طیف‌ها و اقشار مختلف در مراسم وداع و تشییع رهبر شهید بیان کرد. هر کس ممکن است بنا بر زوایایی از اندیشه و سلوک و رفتار ایشان لازم دانسته است که در این مراسم شرکت کند.

شیدایی به دلبر محبوب و برائت از دژخیمان

سید محمد حسینی
دبیر کل کانون دانشگاهیان ایران اسلامی

از سحر دهم اسفند که خبر شهادت امام مجاهد سید علی خامنه‌ای به همراه برخی اعضای خانواده بزرگوارش، رسماً اعلام شد، سوگ و اندوه جانگدازی، دل‌های مردم ایران و امت اسلامی را به شدت متأثر و منقلب ساخت. به گونه‌ای که بلافاصله شاهد تجمعات خودجوش مردمی در سراسر کشور بودیم و از آن واقعه تلخ تاکنون به مدت ۱۳۳ شب شاهد تجمعات مردمی در تمامی شهرها و حتی بخش‌ها و بعضی روستاها هستیم و این حضور بی‌سابقه مردمِ مقاوم، نستوه، با غیرت و همتِ ایران چیزی جز مبعوث شدن نیست که سیدالشهدای انقلاب پیش‌بینی کرده بود. بدون تردید اراده لایزال الهی به این برانگیختگی اعجاب‌آور تعلق گرفته است و این پدیده نوظهور جلوه‌ای از آیه کریمه «یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم و الله متم نوره و لو کره الکافرون» است.

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشد/ آری آن جلوه که فانی نشود، نور خداست

اوج این حضور را در تجمع بالغ بر ۴۰ میلیون ایرانی، عراقی و دلدادگانی از سایر کشورها در تشییع پیکر مطهر قائد امت در تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد نظاره‌گر بودیم. حاضران در این بدرقه با شکوه و با عظمت، مظلومیت و حقانیت امام شهید را باور داشتند و عواطف و احساسات و نیز وجدان و بصیرت آنان اجازه نمی‌داد که نسبت به این رخداد بی‌نظیر بی‌تفاوت باشند. فطرت پاک و ضمیر آگاه به آنان نهیب می‌زد که در صحنه شفاف رویارویی حق و باطل، نور و ظلمت، عدل و ظلم، شرافت و رذالت در طرف درست تاریخ بایستند و ضمن اعلام ارادت و تعلق خاطر خود به رهبر معظم انقلاب، انزجار و نفرت خود را از جلادان و دژخیمانی چون ترامپ و نتانیاهو به خاطر این جنایت بزرگ و صدها جنایت دیگر مانند قتل عام کودکان معصوم میناب و جوانان برومند ناودنا، با اقدامی جمعی به رخ جهانیان بکشند. مردم ایران، جهان اسلام و آزادگان جهان، خود را مدیون و قدردان ابرمردی می‌دانند که نادره و یگانه دوران بود و از چنان جامعیتی برخوردار بود که بعد از انبیا، اولیا و ائمه در کمتر عالم و حاکمی این ویژگی را می‌توان یافت. عارف وارسته‌ای که یکپارچه نور، اخلاص، ایمان، عبادت، صداقت، مجاهدت، همت، شجاعت، فتوت، استقامت، معرفت، عدالت‌خواهی، مردم‌داری، ورع و پارسایی، ساده زیستی، دفاع از مظلوم و ظلم‌ستیزی و دیگر کمالات انسانی و مکارم اخلاقی و معنوی بود.

نکته دیگر احساس خطر مردم نسبت به سلطه جنایت پیشه‌گانی چون ترامپ اپستینی و نتانیاهوی جانی، بر ایران عزیز است که تن دادن به این ذلت و خواری به هیچ‌وجه با فرهنگ غنی، کرامت انسانی و شعور و شرف ایرانی و انسان‌های بزرگ منش و بلند طبعی که شعارشان «هیهات منّا الذلة» است، سازگاری ندارد. این خطر امری مخفی و نامحسوس نیست، ترامپ بارها از براندازی نظام ایران، محو و نابودی تمدن ایران، برگرداندن کشور به عصر حجر، تجزیه، سیطره بر نفت، تعیین رهبر ایران و از بین بردن قدرت موشکی و هسته‌ای ایران با صراحت سخن گفته است و نتانیاهوی نسل‌کش هم برایده لیبی‌سازی ایران بارها مانور داده است.

خلاصه اینکه این تشییع که فراتر از تصور همگان بود دو جلوه و جنبه آشکار داشت و مردم شریف با این دو انگیزه خدایی، خالق باشکوه‌ترین و معنوی‌ترین تشییع یک رهبر و پیشوای دینی شدند. یکی نشان دادن عشق و شیدایی خود به دلبر محبوب و جانفدای خود و دیگری ابراز برائت و بیزاری و نیز مطالبه خونخواهی و انتقام از قاتلان تبهکاری بود که روی دژخیمان تاریخ را سپید کرده‌اند و نام پلید و پلشت خود را به عنوان رکوردار جرم و جنایت جنگی ثبت کرده‌اند که امیدواریم هر چه زودتر توسط آزادگان جهان به سزای اعمال ننگین‌شان برسند و سخن رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای تحقق یابد که این جلادان، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور ببرند. آمین یا رب العالمین.

تصویری روشن از اقتدار، شکوه و همبستگی ایران

محمدرضا میرتاج‌الدینی
نماینده ادوار مجلس

مراسم تشییع آقای شهید ایران که با حضور گسترده مردم و هیأت‌های خارجی برگزار شد، به مدت نزدیک به یک هفته ادامه یافت و به یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی کشور تبدیل شد. این مراسم صرفاً یک آیین تشییع نبود، بلکه جلوه‌ای از همبستگی ملی، حماسه مردمی و پیوند عمیق میان مردم و رهبری را به نمایش گذاشت؛ رخدادی که ابعاد عاطفی، تاریخی و تمدنی آن مورد توجه افکارعمومی جهان قرار گرفت. میلیون‌ها انسان در داخل و خارج از کشور با حضور در مراسم و یا ابراز همدردی، ارادت خود را به رهبر شهید انقلاب نشان دادند. این حضور گسترده، بیانگر جایگاه و محبوبیت شخصیت شهید و همچنین عمق پیوند مردم با آرمان‌های انقلاب اسلامی بود.

از سوی دیگر، دشمنانی که همواره در پی القای فاصله میان مردم و نظام هستند، بار دیگر با واقعیتی متفاوت مواجه شدند و مشاهده کردند که ملت ایران در بزنگاه‌های حساس همچنان در صحنه حضور دارد. نکته برجسته دیگر انسجام و وحدت کم‌نظیر ملت ایران در این مراسم بود. از آیین وداع با پیکر شهدا تا اقامه نماز و مراسم تشییع در تهران، قم و مشهد، اقشار مختلف مردم با سلایق گوناگون در کنار یکدیگر حضور یافتند. این همدلی و یکپارچگی، جلوه‌ای از سرمایه اجتماعی کشور را به نمایش گذاشت و نشان داد که در مسائل اساسی، ملت ایران توانایی همگرایی و اتحاد را دارد. در واقع وحدت ملی همواره یکی از مهم‌ترین توصیه‌های رهبران انقلاب اسلامی بوده است. تأکید بر پرهیز از اختلافات و جلوگیری از تبدیل تفاوت دیدگاه‌ها به نزاع و شکاف اجتماعی، امروز بیش از هرزمان دیگری اهمیت دارد. آنچه در این مراسم به نمایش درآمد، تصویری روشن از اقتدار، شکوه و همبستگی ملت ایران بود؛ تصویری که می‌تواند پشتوانه‌ای ارزشمند برای عبور از چالش‌های آینده باشد. از این‌رو حفظ این سرمایه اجتماعی و مراقبت از فضای همدلی و انسجام ملی، ضرورتی انکارناپذیر است. نباید اجازه داد حاشیه‌سازی‌ها، اختلاف‌افکنی‌ها یا منافع جناحی، این وحدت ارزشمند را خدشه‌دار کند. تجربه تاریخی نشان داده است که هرگاه ملت ایران متحد بوده، توانسته است از سخت‌ترین آزمون‌ها با موفقیت عبور کند.

عوامل اصلی این پایداری را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: ایمان و باورهای عمیق دینی مردم، تبعیت از رهبری، صبر و استقامت در برابر فشارها و در نهایت وحدت و انسجام ملی. قرآن کریم نیز بر این حقیقت تأکید دارد که اختلاف و نزاع، زمینه‌ساز ضعف و از دست رفتن قدرت جامعه است. بر همین اساس، حفظ همبستگی ملی نه‌تنها یک ضرورت اجتماعی، بلکه یک راهبرد اساسی برای تداوم اقتدار و پیشرفت کشور به شمار می‌رود. بی‌تردید دشمنان ایران همواره تلاش خواهند کرد با ایجاد اختلاف، این سرمایه بزرگ را تضعیف کنند؛ اما تجربه این روزها نشان داد که هر زمان مردم با وحدت و همدلی در کنار یکدیگر قرار گیرند، هیچ توطئه‌ای قادر به خدشه‌دار کردن عظمت و اقتدار ملت ایران نخواهد بود.

سیر در کهکشانی از فضایل

محمدکاظم انبارلویی
عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی

هفته‌ای که گذشت، قاب دوربین‌های جهان، حضور مردمی را که در تهران، قم، کربلا، نجف و مشهد گرد هم آمده بودند، منعکس کردند. ناظران جهانی و صاحب‌نظران سیاسی جهان به این پرسش رسیدند که چرا یک مرد سیاستمدار و یک رهبر جامعه ایرانی تا این اندازه مورد تکریم و تعظیم قرار می‌گیرد؟ فیلسوفان مدرنیته در تبیین فلسفه سیاسی غرب و تعریف دموکراسی بر این اصل تأکید دارند که «چگونه حکومت کردن» مهم است، نه اینکه «چه کسی باید حکومت کند». از دل این نظریه، در قرن گذشته دو جنگ جهانی برخاست که میلیون‌ها انسان را در آتش خود سوزاند. اما در اسلام، مبتنی بر فلسفه غدیر، هم «چه کسی باید حکومت کند» اهمیت دارد و هم «چگونه حکومت کردن». شما در نمازی که در قم حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی قرائت کردند، مشاهده کردید که ایشان صفات و ویژگی‌هایی را به امام شهید ما نسبت دادند. به بهانه اقامه نماز، مخاطب ایشان خداوند متعال بود، اما در حقیقت به معرفی آن شخصیت پرداختند و فرمودند: «خداوندا، کسی بر تو وارد شده که سراپا بنده خداپرست است؛ او شهید اسلام و عترت است و در راه امت اسلام به شهادت رسیده است. خدایا، او برای پاسداری از موجودیت، عظمت، سروری و وحدت امت اسلام شهید شده است.» این نکاتی که در خطاب به خداوند بیان می‌شود، در حقیقت خطاب به امت اسلام، مسلمانان و جهان اسلام است. به تعبیری به بهانه اقامه نماز، با صدایی رسا به جهان اعلام می‌شود که شخصیتی که برای تعظیم او گرد آمده‌ایم، دارای چه صفاتی است؛ یعنی پاسخ به این پرسش که «چه کسی برما حکومت کرد.»

اکنون به حاکمان جهان نگاه کنید. شهید ما در کهکشانی از فضایل سیر می‌کند که هیچ‌یک از آنان به آن مرتبه نزدیک هم نمی‌شوند. نظام ولایت فقیه، نظامی نیست که در آن صرفاً یک پادشاه، رئیس جمهوری، امیر یا رئیس حزب در آن حکومت کند؛ بلکه در این نظام، کسی زمام امور را در دست دارد که در قله علم، عدالت، شجاعت، مدیریت و تدبیر قرار گرفته است. ما افتخار داریم در کشوری زندگی می‌کنیم که امامین انقلاب در قله اخلاق، انسانیت، عدالت و علم بوده‌اند و بر این کشور حکم رانده‌اند. امروز نیز ولی فقیهی بر جامعه ما حاکم است که در قله شجاعت، عدالت و علم قرار دارد. بنابراین، اگر بخواهیم راز این همه ابراز احترام و تکریم نسبت به این مرد بزرگ تاریخ معاصر را که در این شهرها تشییع شد بیان کنیم، باید بگوییم مردم در برابر چنین شخصیتی سر تعظیم فرود آورده‌اند. ما اگر بخواهیم امام و رهبر خود را به جهان معرفی کنیم، می‌گوییم او یک مفسر قرآن، فقیه، فیلسوف، روان‌شناس، جهان‌شناس، جامعه‌شناس، مدیری مدبر، سیاستمداری شجاع، زیرک، با کیاست، آینده‌نگر، مردم‌دار، دلسوز، مهربان و پاکدست است. جوامع دیگر کجا می‌توانند چنین فردی را بیابند و او را بر خود حاکم کنند؟ این امتیاز ملت و کشور ماست. بنابراین اگر پیکر پاک شهید ما را به هندوستان، پاکستان، مصر یا هر کشور دیگری می‌بردند، بی‌تردید همین تکریم و تعظیم صورت می‌گرفت؛ زیرا مردم در حقیقت علم، تقوا و دانایی را تکریم می‌کنند، نه صرفاً یک پیکر را. این پیکر، نماد آن صفات و فضایل است.

اگر بخواهیم تفسیری از این تعظیم و حضور میلیون‌ها انسان که حتی خبرگزاری‌های بزرگ جهان شمار آنان را دست‌کم بیش از ۲۰ میلیون نفر برآورد کرده‌اند ارائه دهیم، باید بگوییم این حضور در شرایطی رقم خورد که بخش‌هایی از جهان در اختیار افرادی فاسدالاخلاق، بدعهد، ظالم و جنایتکار جنگی قرار دارد؛ کسانی که بسیاری از صفات ناپسندی که می‌توان به یک انسان نسبت داد، در آنان جمع شده است. در مقابل، در این سوی جهان، انسان‌هایی زمام امور را در دست دارند که مظهر عصمت، پاکی، لطافت، علم و تقوا هستند. این، پیام اصلی است که می‌توان از این اجتماعات عظیم دریافت و آن را به درستی درک کرد.

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

SPSCO. پارس فولاد سبزوار

شرکت پارس فولاد سبزوار در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی تک مرحله ای با ارزیابی فنی «خرید شیرآلات کنترلی» مورد نیاز خود را واگذار نماید.

لذا از کلیه واجدین شرایط دعوت به عمل می آید جهت شرکت در مناقصه و دریافت اسناد و اطلاعات فنی مربوطه تا پایان زمان اداری روز سه شنبه ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ پس از واریز مبلغ پنج میلیون ریال به شماره شبای حساب بانک پارسیان IR۰۷۰۵۴۰۱۰۰۲۸۳۰۰۰۰۰۲۲۳۱۰۰۶ به آدرس: خراسان رضوی، شهرستان سبزوار، کیلومتر ۴۵ جاده سبزوار - اسفراین، شرکت پارس فولاد سبزوار، تلفن: ۰۵۱۴۴۰۲۴۷۱۰ و شماره تلفن همراه ۰۹۱۵۱۷۴۰۳۵۰ مراجعه فرمایند و پس از دریافت اسناد پیشنهادات فنی و مالی خود را در پاکات درب بسته مجزا (پاکات الف ب- ج) به‌صورت لاک و مهر شده تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ به آدرس: تهران، سعادت آباد، خیابان سرو غربی، نرسیده به میدان کتاب، نبش کوچه آسمان، پلاک ۱۵۱، طبقه سوم، شرکت پارس فولاد سبزوار تلفن: ۰۵۱۴۴۰۲۴۱۰۸ کمیسیون معاملات، ارسال فرمایند.

موارد ذیل مورد توجه می باشد:

- شرکت پارس فولاد سبزوار نسبت به خرید جزء و یا کل و تایید هر یک از پیشنهادات در هر مرحله از خرید مختار می باشد.
- ضمانت شرکت در مناقصه به صورت نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۸،۸۵۰،۰۰۰،۰۰۰ (هشت میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون) ریال یا چک صیادی به مبلغ ۱۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (هفده میلیارد) ریال می باشد.
- هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

SPSCO. پارس فولاد سبزوار

شرکت پارس فولاد سبزوار در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای با ارزیابی کیفی نسبت به انتخاب پیمانکار جهت «احداث ساختمان اداری مرکزی» مجتمع خود اقدام نماید.

لذا از کلیه واجدین شرایط که دارای مجوز گواهینامه صلاحیت پیمانکاری (حداقل رتبه ۵ ابنیه، رتبه ۵ تاسیسات) می باشند دعوت به عمل می آید جهت شرکت در مناقصه و دریافت اسناد و اطلاعات فنی مربوطه تا پایان زمان اداری روز سه شنبه ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ پس از واریز مبلغ پنج میلیون ریال به شماره شبای بانک پارسیان IR۰۷۰۵۴۰۱۰۰۲۸۳۰۰۰۰۰۲۲۳۱۰۰۶ به آدرس: خراسان رضوی، شهرستان سبزوار، کیلومتر ۴۵ جاده سبزوار - اسفراین، شرکت پارس فولاد سبزوار، تلفن: ۰۵۱۴۴۰۲۴۷۱۰ و شماره تلفن همراه ۰۹۱۵۱۷۴۰۳۵۰ مراجعه فرمایند و پس از دریافت اسناد پیشنهادات فنی و مالی خود را در پاکات درب بسته مجزا (پاکات الف- ب- ج) به‌صورت لاک و مهر شده تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ به آدرس: تهران، سعادت آباد، خیابان سرو غربی، نرسیده به میدان کتاب، نبش کوچه آسمان، پلاک ۱۵۱، طبقه سوم، شرکت پارس فولاد سبزوار تلفن ۰۵۱۴۴۰۲۴۱۱۸ کمیسیون معاملات ارسال فرمایند.

موارد ذیل مورد توجه می باشد:

- شرکت پارس فولاد سبزوار نسبت به خرید جزء و یا کل و تایید هر یک از پیشنهادات در هر مرحله از خرید مختار می باشد.
- مبلغ ضمانت‌نامه بانکی شرکت درمناقصه ۳۷،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (سی و هفت میلیارد و پانصد میلیون) ریال می باشد.
- هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.

عراقچی با همتای عمانی خود دیدار و گفت و گو کرد

آینده هرمز روی میز مذاکرات تهران- مسقط

گزارش

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان روز گذشته در حالی راهی مسقط شد که این سفر با هدف گفت‌وگو درباره وضعیت تحولات منطقه و در رأس آن تنگه هرمز به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای اختلاف میان تهران و واشنگتن انجام شده است. این در حالی است که تنها چند روز از دور تازه رویارویی‌های محدود نظامی ایران و آمریکا در محدوده تنگه هرمز می‌گذرد. از نگاه تهران این تحولات افزون بر تضعیف فضای ایجادشده پس از تفاهم‌نامه مشترک با اقدام‌های بعدی واشنگتن به نقض بخشی از تعهدات پذیرفته شده از سوی آمریکا نیز منجر شده است.

از همین رو اختلاف کنونی را باید در چارچوب تفسیر به مطلوب آمریکا درباره مفاد همان توافق و نحوه اجرای آن مورد ارزیابی قرار داد. در متن تفاهم‌نامه، مسئولیت طراحی سازوکار آینده اداره تنگه هرمز و ارائه خدمات دریایی به‌صراحت برعهده ایران و عمان گذاشته شده و مقرر شده است این روند با رعایت اصول حقوق بین‌الملل، حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تنگه و همچنین از طریق مشورت با دیگر دولت‌های ساحلی خلیج فارس دنبال شود. بنابراین حمایت آمریکا از ایجاد مسیر جدید کشتیرانی در جنوب تنگه هرمز پیش از آنکه مذاکرات مربوط به سازوکار مشترک به نتیجه برسد، عملاً با روح و مفاد تفاهم‌نامه در تعارض قرار گرفته است؛ چه آنکه بند نهم این توافق، هر دو طرف را تا زمان دستیابی به توافق نهایی ملزم به حفظ وضعیت موجود کرده و هرگونه اقدام یک‌جانبه را مغایر با تعهدات پیشین می‌داند.

البته به اعتقاد تهران استناد به اصل حفظ وضعیت موجود به معنای بازگرداندن شرایط به دوران پیش از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران نیست، زیرا تحولات امنیتی اخیر معادلات حاکم بر تنگه هرمز را به‌طور بنیادین دگرگون کرده و شرایط جدید، واقعیتی است که در هرگونه توافق آتی باید مبنای محاسبات قرار گیرد.

در چنین فضایی بود که هدف قرار گرفتن یک نفتکش قطری هنگام عبور از تنگه هرمز به سرعت به نقطه آغاز دور تازه‌ای از تنش‌ها بدل شد که واشنگتن آن را بهانه‌ای برای انجام حمله نظامی علیه ایران قرار داد و همزمان با استناد به مواضع ادعایی‌اش از اجرای بخشی دیگر از تعهدات خود از جمله مفاد مربوط به تعلیق تحریم‌های نفتی عقب‌نشینی کرد؛ اقدامی که از نگاه تهران نشانه‌ای از فاصله گرفتن آمریکا از چارچوب تفاهمی است که تنها چند هفته از امضای آن می‌گذرد.

همین تحول، بار دیگر کانال‌های میانجیگری منطقه‌ای را فعال کرد و سبب شد هیأتی از قطر روز جمعه راهی تهران شود تا آخرین ارزیابی‌ها درباره شرایط موجود را با مقام‌های ایرانی در میان بگذارد و زمینه کاهش تنش را فراهم کند. این تحرکات دیپلماتیک تنها به دوحه محدود نماند و در ادامه، وزیر امور خارجه ایران نیز راهی مسقط شد تا در گفت‌وگو با مقام‌های عمان راه‌های برون رفت از اختلافات ایجادشده، به ویژه در پرونده مدیریت تنگه هرمز و نحوه اجرای مفاد تفاهم‌نامه مورد بررسی قرار گیرد.

> حمایت آمریکا از ایجاد مسیر جدید کشتیرانی در جنوب تنگه هرمز پیش از آنکه مذاکرات مربوط به سازوکار مشترک به نتیجه برسد، عملاً با روح و مفاد تفاهم‌نامه در تعارض قرار گرفته است

ایران درخواستی برای مذاکره نداشته است

این رفت‌وآمدهای دیپلماتیک در حالی انجام می‌شود که مقام‌های آمریکایی مدعی شده‌اند واشنگتن به درخواست ایران برای ازسرگیری مذاکرات پاسخ مثبت داده است؛ ادعایی که ساعاتی بعد با واکنش رسمی تهران روبه‌رو شد و اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه با رد این ادعا اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران هیچ درخواستی برای مذاکره با آمریکا ارائه نکرده و سفر هیأت قطری نیز در چارچوب درخواست یکی از میانجیگران منطقه‌ای برای تبادل نظر درباره آخرین تحولات انجام شده است. به گفته او، تهران مطابق رویکرد همیشگی خود، گفت‌وگو با میانجی‌ها را رد نکرده و دیدگاه‌هایش را به صورت شفاف به طرف قطری منتقل کرده است. بقایی در ادامه، محور اصلی سیاست ایران را اصل «تعهد در برابر تعهد» توصیف کرد که به گفته او از نخستین روز امضای تفاهم‌نامه مبنای رفتار تهران بوده و همچنان نیز تغییری در آن ایجاد نشده است. وی با تأکید بر اینکه هیچ تعهدی بدون دریافت مابه‌ازای متناظر اجرا نخواهد شد، تصریح کرد هرگونه نقض تعهدات از سوی آمریکا، با اقدام متقابل جمهوری اسلامی ایران پاسخ داده می‌شود.

بقایی همچنین تأکید کرد رخدادهای چهارشنبه و پنجشنبه، حمله نظامی آمریکا، توقف اجرای تعهدات مرتبط با فروش نفت ایران، لغو برخی مجوزهای اقتصادی و همچنین اعمال بسته جدید تحریم‌ها، هر یک مصداق نقض آشکار بندهای مختلف تفاهم‌نامه، به‌ویژه بند نهم به شمار می‌رود و از همین رو، تهران خود را ملزم به اجرای یک‌جانبه تعهدات نمی‌داند.

قدرت ژئوپلتیک؛ پشتوانه مذاکره

یادداشت

علی‌اصغر زرگر
کارشناس مسائل منطقه

گفت‌وگوهای ایران و عمان درباره وضعیت تنگه هرمز در حالی با سفر وزیر امور خارجه به مسقط وارد فاز تازه‌ای شده است که مسأله تنگه در روزهای اخیر به یکی از مهم‌ترین کانون‌های تنش تبدیل شده است. تنگه هرمز تا پیش از آغاز جنگ رمضان عملاً یکی از معدود پرونده‌های منطقه‌ای بود که با وجود اهمیت راهبردی به دلیل جریان عادی و بدون وقفه کشتیرانی به موضوعی مناقشه‌برانگیز در روابط ایران و قدرت‌های فرامنطقه‌ای تبدیل نشده بود. اما آغاز جنگ، این معادله را به‌طور اساسی تغییر داد و تنگه را از یک گذرگاه صرفاً اقتصادی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال قدرت و بازدارندگی در محاسبات راهبردی ایران تبدیل کرد.

این تحول از آنجا ناشی می‌شد که همزمان با افزایش فشارهای نظامی و اقتصادی علیه ایران، تهران نیز تلاش کرد از ظرفیت‌های ژئوپلتیکی خود برای ایجاد موازنه استفاده کند. در چنین چارچوبی، تنگه هرمز به‌عنوان مهم‌ترین مسیر انتقال انرژی جهان به یکی از اهرم‌های فشار ایران تبدیل شد؛ به این معنا که هرگونه محدودیت در صادرات نفت ایران می‌توانست با ایجاد اختلال در جریان صادرات انرژی دیگر کشورهای منطقه پاسخ داده شود. از همین منظر بود که مقام‌های کشور بارها اعلام کردند اگر ایران از حق طبیعی خود برای صادرات نفت محروم شود، تداوم صادرات نفت سایر تولیدکنندگان منطقه از طریق تنگه هرمز نیز با چالش مواجه خواهد شد.

این موضع را باید بخشی از راهبرد بازدارندگی ایران در برابر فشارهای اقتصادی و نظامی ارزیابی کرد. با این حال، تفاهمی که پس از پایان درگیری‌ها میان طرفین شکل گرفت، تلاش داشت این وضعیت را در قالب یک سازوکار حقوقی و اجرایی جدید مدیریت کند تا تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز تحت سازوکار مدیریتی مورد توافق با مشارکت ایران ادامه یابد، بدون آنکه برای عبور شناورها عوارض یا هزینه‌ای تحت هر عنوان مطالبه کند. همچنین مقرر شد طرفین در یک بازه زمانی شصت‌روزه، مذاکرات خود را برای نهایی‌کردن سایر ابعاد توافق ادامه دهند و از هرگونه اقدامی که روند مذاکرات را با اختلال مواجه کند، خودداری ورزند.

با وجود این، روند اجرای تفاهم از همان مراحل اولیه با چالش‌هایی همراه شد. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های این روند، اقدام آمریکا در ایجاد یک مسیر جایگزین برای عبور کشتی‌ها در جنوب تنگه هرمز عملاً به یکی از اصلی‌ترین نقاط اختلاف تبدیل شد. بر اساس دیدگاه تهران، مذاکرات ایران و عمان بر سر تعیین مسیر ایمن کشتیرانی به نتایج مشخصی رسیده بود و قرار بود همان مسیر، مبنای تردد شناورها قرار گیرد. با این حال، آمریکا با حمایت از ایجاد یک کریدور موازی تلاش کرد ترتیبات مورد توافق را تغییر دهد؛ اقدامی که تلاشی برای جلوگیری از تثبیت نقش و جایگاه ایران در سازوکار آینده مدیریت این آبراه راهبردی محسوب می‌شد.

ایران در برابر ایجاد مسیر جایگزین کشتیرانی در تنگه هرمز با چند گزینه راهبردی روبه‌رو بود. یکی از این گزینه‌ها پذیرش محدود تردد برخی شناورها از این مسیر و جلوگیری از تبدیل آن به یک بحران امنیتی بود؛ اما به نظر می‌رسد ملاحظات مربوط به حاکمیت و تثبیت نقش مدیریتی ایران در تنگه هرمز باعث شد تهران این گزینه را با منافع بلندمدت خود ناسازگار بداند. از همین رو اعلام کرد شناورهایی که خارج از مسیرهای مورد توافق و از کریدور جایگزین عبور می‌کنند، از منظر ترتیبات مورد نظر جمهوری اسلامی تردد غیرقانونی دارند. در مقابل، واکنش آمریکا به هدف قرار گرفتن یک نفتکش در حال عبور از تنگه را می‌توان در چارچوب مخالفت با هرگونه ترتیباتی دانست که به تقویت نقش مدیریتی یا حاکمیت ایران بر تنگه هرمز منجر شود. این اقدام همچنین نشان داد آمریکا آماده است در برابر تلاش ایران برای محدود کردن تردد از مسیر جایگزین، به‌ویژه در محدوده نزدیک به آب‌های عمان، واکنش نشان دهد.

این فضا درحالی شکل گرفته است که دو طرف با پشت سر گذاشتن رویکرد نظامی سعی دارند دامنه بحران را با فعال شدن دوباره میانجی‌ها کاهش دهند. با تبدیل اختلافات سیاسی به رویارویی نظامی، منطق مذاکره جای خود را به چرخه اقدام و واکنش متقابل می‌دهد که کنترل آن دشوار است و معمولاً هزینه‌های امنیتی، اقتصادی و انسانی را برای همه طرف‌ها افزایش می‌دهد. از این رو، حفظ کانال‌های ارتباطی مستقیم میان ایران و آمریکا و جلوگیری از تبدیل تنش‌های میدانی به بحرانی غیرقابل کنترل یک ضرورت راهبردی به شمار می‌رود. در این میان، نقش میانجیگران منطقه‌ای مانند پاکستان و قطر نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این کشورها در ماه‌های اخیر نشان داده‌اند که توان حفظ ارتباط میان تهران و واشنگتن را دارند و می‌توانند در کاهش تنش و مدیریت اختلافات، حتی در شرایط تداوم بی‌اعتمادی، نقش مؤثری ایفا کنند.

در عین حال، تداوم مسیر دیپلماسی می‌تواند فرصت لازم را برای بازگشت تدریجی کشور به شرایط عادی، جبران خسارت‌های جنگ، بازسازی زیرساخت‌ها و تأمین نیازهای اساسی جامعه فراهم کند. تصمیم‌گیری راهبردی باید بر پایه ارزیابی همزمان توانمندی‌ها و محدودیت‌های کشور انجام شود. دولت علاوه بر آگاهی از ظرفیت‌های ژئوپلتیکی، نظامی و راهبردی ایران ناگزیر است پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ادامه درگیری را نیز در محاسبات خود لحاظ کند.

تجربه جنگ اخیر نیز نشان داد ایران از ظرفیت‌های ژئوپلتیکی و راهبردی قابل‌توجهی برای اثرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و حتی اقتصاد جهانی برخوردار است. این ظرفیت می‌تواند پشتوانه قدرت چانه‌زنی کشور در مذاکرات باشد. بر این اساس، اولویت دادن به دیپلماسی، بدون غفلت از بازدارندگی، منطقی‌ترین مسیر برای جلوگیری از گسترش بحران، کاهش هزینه‌ها و تأمین منافع ملی است، زیرا دستاوردهای پایدار بیش از میدان نظامی، بر سر میز مذاکره تثبیت می‌شوند.

اصلاحیه شماره ۳ مزایده‌های شماره ۱۴۰۵/۱/م و ۱۴۰۵/۲/م بانک تجارت

پیرو چاپ اصلاحیه شماره یک و دو در روزنامه‌های ایران و دنیای اقتصاد مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ و ۱۴۰۵/۰۴/۰۶ به‌اطلاع عموم متقاضیان محترم شرکت در مزایده املاک غیرضرور بانک تجارت به‌شماره‌های فوق می‌رساند:

مهلت ارائه پاکات مزایده‌های شماره ۱۴۰۵/۱/م و ۱۴۰۵/۲/م حداکثر تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ تمدید گردید و بازگشایی پاکات نیز در تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ رأس ساعت ۸ صبح انجام خواهد شد.

ضمناً مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل ۵٪ قیمت پایه مزایده مندرج در آگهی را می‌توان به روش‌های زیر اقدام نمود:

۱- به‌صورت نقد به‌حساب معرفی شده در آگهی مزایده
۲- ارائه ضمانت‌نامه شرکت در مزایده صادره از بانک‌ها (به‌جز بانک تجارت) به ذینفعی بانک تجارت
۳- اخذ چک بین بانکی به‌شماره حساب معرفی شده در آگهی مزایده
۴- اخذ چک رمزدار به‌شماره حساب معرفی شده در آگهی مزایده
۵- نامه مسدودی حساب (از شعبه صاحب حساب تا زمان اعلام بعدی بانک تجارت جهت آزادسازی آن یا واریز به‌حساب‌های خود)

مدیریت امور سرمایه گذاری

مناقصه عمومی ۰۱-۱۴۰۵

شرکت خودروسازی زامیاد در نظر دارد پروژه خرید ۷۳ قلم لوازم تعمیراتی را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید؛ لذا متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه با ارائه معرفی‌نامه، روزنامه رسمی، اساس‌نامه، پروانه کسب (در صورت داشتن) و گواهی‌نامه ثبت‌نام مودیان مالیاتی به‌شرح زیر اقدام فرمایند.

• مهلت دریافت اسناد: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰ لغایت ۱۴۰۵/۰۴/۲۵
• آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: ۱۴۰۵/۰۴/۳۱
• محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادها: کیلومتر ۱۵ جاده قدیم تهران - کرج، شرکت خودروسازی زامیاد، دبیرخانه محرمانه از ساعت ۸ لغایت ۱۳
• ضمناً جهت خریداری اسناد مناقصه ارائه فیش واریزی به مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ ریال به‌شماره‌حساب ۱۴۲۲۷۸۸۲۷۳ به‌نام بانک ملت شعبه زامیاد کد ۶۶۲۲/۵ الزامی است.
• شرکت زامیاد در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است و کلیه هزینه‌های چاپ آگهی به‌عهده برنده مناقصه است.

ارتباطات شرکت زامیاد

آگهی مفقودی

برگ کمپانی، برگ سبز و کارت خودرو سواری پژو پارس XU7 به شماره پلاک ایران ۱۰- ۹۷۳ ص ۶۶ و شماره شاسی NAAN01CE1NH437204 و شماره موتور 124K1680004 به‌نام امیر ورسنج‌ور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

ایران online www.ion.ir
www.ion.ir
با ایران آنلاین، آنلاین باشید

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت پتروشیمی گچساران (سهامی خاص)

شماره ثبت ۲۴۴۰۰۱ شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۸۴۶۶۷۷
اداره کل ثبت شرکت‌ها - تهران، سرمایه ۱۰.۱۵۵.۵۲۶ میلیون ریال

بدینوسیله از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم‌مقام قانونی صاحبان سهام و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی دعوت می گردد تا درجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که رأس ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ در محل سالن جلسات شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس واقع در تهران، خیابان کریم خان زند، نرسیده به میدان شهدای هفتم تیر، ساختمان شماره ۴۶، طبقه چهارم برگزار می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- قرائت گزارش بازرس قانونی درخصوص پیشنهاد افزایش سرمایه هیأت مدیره
۲- اتخاذ تصمیم درخصوص افزایش سرمایه
۳- اصلاح مفاد اساسنامه مرتبط با میزان سرمایه و تعداد سهام
۴- سایر مواردی که به موجب قانون تجارت در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.

هیأت‌مدیره شرکت پتروشیمی گچساران (سهامی خاص)

آگهی لغو دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پتروشیمی آبادان (سهام عام)

به‌شماره ثبت ۱۰۷۱۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۰۷۰۶

پیرو آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه منتشره در روزنامه کثیرالانتشار ایران مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۷ بدین‌وسیله به اطلاع سهامداران محترم می‌رساند که مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ لغو و برگزار نمی‌گردد.

تاریخ جدید این مجمع متعاقبا از همین طریق اطلاع‌رسانی خواهد شد.

هیأت‌مدیره شرکت پتروشیمی آبادان (سهامی عام)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پتروشیمی گچساران (سهامی خاص)

شماره ثبت ۲۴۴۰۰۱ شناسه‌ملی ۱۰۱۰۲۸۴۶۶۷۷
اداره کل ثبت شرکت‌ها - تهران، سرمایه ۱۰.۱۵۵.۵۲۶ میلیون ریال

بدینوسیله از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم مقام قانونی صاحبان سهام و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت که رأس ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ در محل سالن جلسات شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس واقع در تهران، خیابان کریم خان زند، نرسیده به میدان شهدای هفتم تیر، ساختمان شماره ۴۶، طبقه چهارم برگزار می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱-قرائت گزارش هیأت مدیره، حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت
۲-بررسی و تصویب صورت‌های مالی مربوط به‌عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۳-انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل و تعیین حق‌الزحمه ایشان
۴-تعیین روزنامه/روزنامه‌های کثیرالانتشار جهت نشر آگهی‌های رسمی شرکت
۵-تعیین حق حضور اعضای غیرموظف هیأت مدیره برای سال منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۶-سایر مواردی که به موجب قانون تجارت در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه است.

هیأت‌مدیره شرکت پتروشیمی گچساران (سهامی خاص)

آگهی مزایده فروش خودرو

شرکت کارگزاری بیمه مستقیم برخط رفاه فرازان هدف در نظر دارد
یک دستگاه خودروی دنا پلاس اتوماتیک با مشخصات ذیل را از طریق مزایده به فروش برساند.

مشخصات خودرو:
• نوع خودرو: دنا پلاس اتوماتیک
• تیپ: TCA-DENA+ EF7
• مدل: ۱۴۰۲
• رنگ: سفید
• نوع سوخت: بنزین
• کارکرد: ۱۱۰,۰۰۰ کیلومتر
• قیمت پایه کارشناسی: ۱۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

متقاضیان می‌توانند از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ لغایت چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۱:۰۰ نسبت به بازدید از خودرو اقدام نمایند.

پیشنهادهای خرید باید حداکثر تا پایان ساعت کاری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴، در پاکت دربسته به نشانی تهران، خیابان سپهبد قرنی، کوچه صارمی، پلاک ۲۴ تحویل شود. بازگشایی پاکات پیشنهادها در روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ انجام خواهد شد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۵۸۴۴۱۲۱۳ تماس حاصل فرمایید.

دونالد ترامپ نخستین رهبر خارجی نیست که در رویارویی با ایران مغلوب شده است

از روم تا آمریکا شکست تاریخی دوباره تکرار شد

جان لیمبرت، دیپلمات بازنشسته، رمان‌نویس و استاد دانشگاه، در مقاله‌ای با عنوان «با ایران مشکل دارید؟ از رومی‌ها بپرسید» در نشریه Responsible Statecraft، با نگاهی به چهار شکست تاریخی امپراطوری روم در برابر ایران (امپراتوری پارس)، به بررسی اشتباهات محاسباتی قدرت‌های بزرگ در مواجهه با ایران پرداخته است.
لیمبرت که از آخرین دیپلمات‌هایی بود که پیش از انقلاب اسلامی در ایران خدمت کرد و آثار متعددی درباره تاریخ و سیاست ایران نوشته است، معتقد است تجربه روم باستان نشان می‌دهد غرور نظامی، اطلاعات نادرست، نادیده گرفتن شرایط جغرافیایی و تصور فروپاشی سریع حکومت ایران، همواره از عوامل اصلی شکست مهاجمان بوده است.
او با اشاره به شکست کراسوس در نبرد حران، ناکامی مارک آنتونی در لشکرکشی به ایران، اسارت امپراطور والرین توسط شاپور اول ساسانی و شکست ژولیان در تلاش برای تغییر حکومت ایران، تأکید می‌کند که قدرت‌های بزرگ زمانی که توان مقاومت ایران را دست‌کم گرفته‌اند، با هزینه‌های سنگینی مواجه شده‌اند.
به باور نویسنده، این درس‌های تاریخی می‌تواند هشداری برای رهبران امروز، از جمله دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل باشد چراکه ایران کشوری نیست که بتوان به راحتی آن را شکست داد.

> آنچه تاکنون رخ داده، نشان می‌دهد ترامپ و نتانیاهو نیز در مواجهه با ایران، همان اشتباهات تاریخی رومیان را تکرار کرده‌اند؛ اشتباهاتی که در گذشته به شکست انجامید و امروز نیز پیامدهای پرهزینه‌ای به همراه داشته است

دیدگاه

جان لیمبرت
مسئول سابق میز ایران در وزارت خارجه آمریکا

دونالد ترامپ نخستین حاکم خارجی نیست که پس از آغاز یک عملیات نظامی نسنجیده علیه ایران، با پیامدهای ناگوار روبه‌رو شده است. دست‌کم چهار نفر از اعضای حکومت سه‌نفره روم و امپراطوران این امپراطوری که تحت تأثیر غرور، خودبزرگ‌بینی و ناآگاهی قرار داشتند، حملات نظامی علیه ایران باستان (امپراطوری پارس) را آغاز کردند؛ حملاتی که همگی با شکست و فاجعه پایان یافت. در هر یک از این شکست‌های تاریخی، درس‌هایی نهفته است که برای دوران کنونی نیز قابل توجه و آموزنده است.

کراسوس؛ بازیگری در یک تراژدی یونانی

در سال ۵۳ پیش از میلاد، مارکوس لیسینیوس کراسوس، از اعضای حکومت سه‌نفره روم (تریوم‌ویرات) و از ثروتمندترین مالکان و سرمایه‌داران املاک روم، برای کسب افتخارات نظامی هم‌سطح با دو هم‌پیمان خود ژولیوس سزار و پومپه، لشکرکشی به امپراطوری اشکانی (پارتیان) را آغاز کرد. براساس روایت پلوتارک، کراسوس توصیه متحد ارمنی خود، شاه آرتاواسدس را نادیده گرفت. پادشاه ارمنستان به او پیشنهاد کرده بود که سپاهش را از سوریه و از مسیر شمالی ارمنستان وارد قلمرو اشکانیان کند؛ زیرا زمین‌های کوهستانی آن منطقه برای نبرد پیاده‌نظام رومی مناسب‌تر بود.
کراسوس که تنها تجربه نظامی‌اش سرکوب شورش بردگان به رهبری اسپارتاکوس بود، خود را فرمانده‌ای هم‌تراز سزار و پومپه می‌پنداشت. او توصیه آرتاواسدس را نادیده گرفت و لژیون‌های خود را مستقیماً از دشت‌های شمال سوریه به سمت شرق و قلمرو اشکانیان هدایت کرد. در نبرد مشهور حران، واقع در شهر حران امروزی در جنوب ترکیه، ارتش اشکانیان نیروهای کراسوس را در زمین‌های باز غافلگیر کرد. سواره‌تیراندازان اشکانی که از برتری تحرک، تجهیزات مناسب و سامانه کارآمد تدارکات برای تأمین مداوم تیر برخوردار بودند، هفت لژیون (بزرگترین واحد نظامی) رومی را نابود کردند.
براساس روایت پلوتارک، اشکانیان کراسوس را کشتند و پیکی سر بریده او را نزد شاه ایران برد؛ پادشاهی که در آن زمان برای جشن ازدواج پسرش با خواهر شاه آرتاواسدس در پایتخت ارمنستان حضور داشت. گفته می‌شود سر کراسوس در آن مراسم، به‌عنوان وسیله‌ای نمایشی در اجرای نمایشنامه «باکوس‌ها» اثر نمایشنامه‌نویس یونانی اوریپید مورد استفاده قرار گرفت.

مارک آنتونی؛ شکست‌خورده از «ژنرال زمستان»

۱۷ سال بعد در سال ۳۶ پیش از میلاد، مارک آنتونی، یکی دیگر از اعضای حکومت سه‌نفره روم (تریوم‌ویرات)، با هدف کسب افتخار نظامی و انتقام شکست روم در نبرد حران، لشکرکشی به امپراطوری اشکانی را آغاز کرد.
شاه آرتاواسدس ارمنستان که بار دیگر موضع خود را تغییر داده و به روم پیوسته بود، از پیشروی آنتونی از طریق قلمرو ارمنستان به سوی استان آتروپاتن (آذربایجان امروزی) حمایت کرد اما در جریان این لشکرکشی، کاروان تدارکاتی ارتش روم در حملات اشکانیان از بین رفت و در نتیجه، سپاه آنتونی با کمبود شدید تجهیزات و آذوقه روبه‌رو شد.
پس از حمله‌ای ناموفق و بی‌نتیجه به مرکز این استان، یعنی پراسپا (مراغه امروزی)، نیروهای رومی ناچار شدند در سرمای زمستان از مسیر کوهستان‌های آذربایجان و ارمنستان عقب‌نشینی کنند؛ عقب‌نشینی‌ای که به فاجعه انجامید.
در نهایت، مارک آنتونی نه‌تنها نتوانست انتقام شکست حران را از اشکانیان بگیرد، بلکه این تصمیم نادرست جان حدود ۳۰هزار سرباز رومی را نیز گرفت.

والرین اسیر؛ ظهور یک قهرمان ملی

حدود ۳۰۰ سال بعد، در اوایل قرن سوم میلادی، دودمان قدرتمند ساسانی جای امپراطوری اشکانی را در ایران گرفت. روم در این مقطع با رقیبی نیرومند روبه‌رو شد؛ آن هم در زمانی که خود گرفتار آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی بود؛ دوره‌ای که در تاریخ با عنوان «بحران قرن سوم» شناخته می‌شود.
در حالی که امپراطوری روم با شورش‌های پی‌درپی نظامی و تغییر مداوم امپراطوران دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اردشیر یکم (۲۲۴ تا ۲۴۲ میلادی) و پس از او شاپور یکم (۲۴۰ تا ۲۷۰ میلادی) بر ایران فرمان می‌راندند. سوریه، ارمنستان و شهرهای مرزی مانند آمد (دیاربکر امروزی در جنوب شرقی ترکیه) به میدان نبرد دو امپراطوری تبدیل شدند.
در میانه قرن سوم، ایران قدرتمند و روم ضعیف بر سر کنترل ارمنستان با یکدیگر رقابت می‌کردند؛ سرزمینی که سال‌ها تحت حکومت اشکانیان قرار داشت. شاپور یکم ابتدا در سال ۲۴۴ میلادی امپراطور روم، گوردیان سوم را شکست داد و جانشین او، فیلیپ عرب (۲۴۴ تا ۲۴۹ میلادی) را وادار کرد خراج بپردازد و از ارمنستان و بین‌النهرین چشم‌پوشی کند. مهم‌تر از همه، شاپور در سال ۲۶۰ میلادی ارتش روم را در نبرد ادسا (اورفای امروزی در ترکیه) شکست داد و امپراطور والرین را به اسارت گرفت.
اسارت یک امپراطور روم در جهان باستان رویدادی کم‌سابقه و بسیار مهم بود و شاپور می‌خواست این پیروزی به‌درستی جاودانه شود. از همین رو، نقش‌برجسته‌های متعددی بر صخره‌های ایران (از جمله در نقش رستم) او را در حالی نشان می‌دهند که سوار بر اسب، بر دو امپراطور شکست‌خورده روم، والرین و فیلیپ عرب، پیروز شده است.

ژولیان؛ افسانه تغییر رژیم

در قرن چهارم میلادی، رومیان بار دیگر اشتباهات گذشته خود را تکرار کردند و این بار با دنبال کردن سیاست تغییر رژیم در ایران. آنان از شاهزاده هرمزد (که در منابع غربی با نام هورمیسداس شناخته می‌شود)، یکی از مدعیان تبعیدی تاج‌وتخت ساسانی و از بستگان شاپور دوم (۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی)، حمایت کردند.
هرمزد دهه‌ها در قسطنطنیه زندگی کرده بود؛ جایی که با چهره‌های بانفوذ روابط نزدیکی برقرار کرد و به زبان یونانی نیز تسلط یافت. او امپراطور روم، ژولیان (۳۶۰ تا ۳۶۳ میلادی) و حامیان رومی خود را متقاعد کرد که اگر با پشتیبانی نظامی روم به ایران بازگردد، مقاومت حکومت ساسانی به‌سرعت فرو خواهد پاشید، اشراف ایرانی از شاپور رویگردان خواهند شد و او را به‌عنوان پادشاه جدید خواهند پذیرفت. با وجود نشانه‌های نامساعدی که از آیین‌های قربانی در شهر انطاکیه به دست آمده بود، ژولیان در سال ۳۶۳ میلادی تهاجم به ایران را آغاز کرد.
بر اساس روایت آمیانوس مارسلینوس، سرباز و مورخ رومی که در این لشکرکشی حضور داشت، این عملیات به شکستی سنگین انجامید. برخلاف پیش‌بینی هرمزد، شهرهای ایران به شاپور وفادار ماندند و دروازه‌های خود را به روی او بستند.
ژولیان که نمی‌خواست در محاصره شهرها گرفتار شود، به پیشروی خود تا تیسفون، پایتخت ساسانیان در نزدیکی بغداد امروزی ادامه داد. اما پس از چند نبرد بی‌نتیجه در اطراف این شهر، ناچار شد به سمت شمال عقب‌نشینی کند. او در جریان نبردی در نزدیکی سامرا به‌شدت زخمی شد و اندکی بعد جان باخت. جانشینش، ژولیان نیز عقب‌نشینی ارتش روم را ادامه داد. اما هنگامی که سپاه روم نتوانست از رود دجله عبور کرده و به قلمرو خود بازگردد، ژولیان ناچار شد صلحی تحقیرآمیز با ایران ساسانی را بپذیرد؛ صلحی که شباهت زیادی با تفاهم‌نامه اخیر میان ایران و آمریکا دارد.
براساس این توافق، در ازای اجازه عقب‌نشینی امن نیروهای رومی، ژولیان از ادعاهای روم بر ارمنستان صرف‌نظر کرد، از پنج استان مرزی عقب نشست و چندین دژ مهم، از جمله شهر راهبردی نصیبین (نصیبین امروزی در جنوب شرقی ترکیه) را به ایران واگذار کرد.

برش

درس‌هایی که باید آموخت

دست‌کم چهار امپراطور روم در لشکرکشی به ایران با شکست و فاجعه روبه‌رو شدند و سرنوشت آنان می‌تواند برای امروز نیز آموزنده باشد. کراسوس به این دلیل نابود شد که توصیه متحد خود را نادیده گرفت، بیش از اندازه در اندیشه رقابت با رقبایش بود و تصور می‌کرد ثروتی که از معاملات املاک به دست آورده، او را به یک نابغه نظامی تبدیل کرده است. مارک آنتونی جغرافیای منطقه را نادیده و توانایی‌های دشمن را دست‌کم گرفت. والرین نیز هم قدرت ایران را کمتر از واقع برآورد کرد و هم توان نظامی روم را بیش از حد واقعی ارزیابی کرد. ژولیان نیز فریب شاهزاده‌ای تبعیدی از ایران را خورد؛ فردی که دهه‌ها خارج از کشور زندگی کرده و به زبان یونانی مسلط بود و مدعی می‌شد اگر با حمایت نظامی روم به ایران بازگردد، ایرانیان از او به‌عنوان یک «آزادکننده» استقبال خواهند کرد.
شاید انتظار زیادی باشد، اما آیا امروز نخست وزیر اسرائیل که خود را آشنا و متخصص تاریخ می‌داند و رئیس‌جمهوری آمریکا که خود را یک نابغه نظامی می‌خواند، می‌توانند از این دانش و توانایی برای پرهیز از اشتباهاتی که فرمانروایان روم مرتکب شدند، استفاده کنند؟ آنچه تاکنون رخ داده، نشان می‌دهد ترامپ و نتانیاهو نیز در مواجهه با ایران، همان اشتباهات تاریخی رومیان را تکرار کرده‌اند؛ اشتباهاتی که در گذشته به شکست انجامید و امروز نیز پیامدهای پرهزینه‌ای به همراه داشته است.

چرا غرب به میلیون‌ها سوگوار آیت‌الله خامنه‌ای احترام نمی‌گذارد؟

لحظه اسطوره‌ای یک ملت

تحلیل

حمید دباشی
استاد مطالعات ایران و ادبیات تطبیقی در دانشگاه کلمبیا

همزمان با برگزاری مراسم تشییع پیکر آیت‌الله علی خامنه‌ای در ایران و عراق یک سؤال اساسی مطرح است: چه چیزی به یک مستعمره‌نشین اروپایی این جسارت، ابتذال و بی‌رحمی را می‌دهد که بر فراز قلمرو یک ملت مستقل پرواز کند و رهبر معظم آن را ترور کند؟
توطئه اسرائیل برای ترور آیت الله خامنه‌ای - که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا را با وجود مخالفت شدید آمریکایی‌ها با جنگ علیه ایران، فریب داد تا به آن بپیوندد - تنها آخرین اقدام در یک سنت طولانی و خونین بود، همان‌طور که در رساله پرطمطراق رونن برگمن با عنوان «برخیز و اول بکش» تاریخ مخفی ترورهای هدفمند اسرائیل» شرح داده شده است.
آیت الله خامنه‌ای رهبر یک کشور و رهبر معنوی میلیون‌ها مسلمان شیعه بود. اما در بحبوحه اشغال وحشیانه فلسطین، به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها مایلند هر رئیس کشوری را هدف قرار دهند؛ هر شخصیتی را که دشمن مستعمره‌نشینان خود بدانند. چه چیزی مانع از آن می‌شود که آنها رهبران آینده فرانسه، آلمان، بریتانیا یا حتی ایالات متحده را هدف قرار دهند؟ خشم عمومی کجاست؟ نیویورک تایمز ترور رهبر ایران را طوری پوشش داد که انگار دارد آب و هوا را گزارش می‌دهد. در واقع، وقتی در آمریکا آب و هوای نامساعدی وجود دارد - خیلی گرم یا خیلی سرد - رسانه‌های این کشور از فونت‌های بزرگ‌تر و ترسناک‌تری نسبت به فونت‌هایی که برای گزارش ترور آیت‌الله خامنه‌ای استفاده می‌کردند، استفاده می‌کنند. هیچ خشم و عصبانیتی وجود نداشت، هیچ طرف مخالفی معادل برت استیونز یا توماس فریدمن، در مورد اسرائیلی‌های قاتل سخنرانی نکرد. چرا؟
آیت‌الله خامنه‌ای رهبری بود که یک فرهنگ سیاسی، یک ملت، یک کشور، یک میهن او را در رأس دولتی قرار داده بود که از دل یک انقلاب اجتماعی عظیم بیرون آمده بود. تا به امروز، میلیون‌ها نفر او را مانند یک قدیس دوست داشتند و گرامی می‌داشتند. شاید برخی هم اختلاف نظری با ایشان داشتند اما این مسأله‌ای بود که خود ایرانیان باید در مورد آن تصمیم می‌گرفتند و می‌گیرند.
این هیچ ربطی به حاکمان اسرائیل ندارد؛ یک باند قاتل از صهیونیست‌های روانی که هنوز در فلسطین اشغالی مشغول نسل‌کشی هستند، در کنار زمین‌خواری آشکار در لبنان و سوریه.
همه رهبران سیاسی، طرفداران و مخالفان خود را دارند. نه ترامپ و نه هیچ رئیس دولتی در هیچ کجای جهان، به اتفاق آرا مورد علاقه یا نفرت نیستند. آیا این به جنایتکاران جنگی اسرائیل اجازه می‌دهد که آنها را ترور کنند؟
آیت الله خامنه‌ای مظهر یک فرهنگ سیاسی باستانی بود. با این حال، پس از آنکه اسرائیل برای ترور آیت‌الله خامنه‌ای و اعضای خانواده‌اش، از جمله نوه ۱۴ ماهه‌اش، از همه مرزها عبور کرد، نیویورک تایمز نگرانی بیشتری در مورد مسابقه جنجالی جام جهانی بین بلژیک و آمریکا نشان داد. همزمان با آماده شدن برای مراسم تشییع پیکر رهبری معظم در ایران و عراق، لورا لومر، مفسر و مهره صهیونیست، از اسرائیل خواست تا به عزاداران که به صورت میلیونی در این مراسم شرکت کرده بودند، حمله کند.
کسانی که همچنان کورکورانه از اسرائیل حمایت می‌کنند، بازی را باخته‌اند. غرور آنها مانع از آن می‌شود که ببینند چگونه تمام جهان و بویژه آمریکایی‌ها، از آنها متنفرند. آمریکایی‌ها امسال در جشن‌های چهارم ژوئیه پرچم‌های اسرائیل را آتش زدند و خواستار استقلال کشورشان از مستعمره‌نشینان اروپایی شدند. حتی به نظر می‌رسد برخی از سیاستمداران فاسد آمریکایی بالاخره پیام را دریافته‌اند و برای نجات ذره‌ای از شرافت که هنوز در وجودشان باقی مانده است، شروع به فرار از پول آیپک کرده‌اند.

> آنچه نیویورک تایمز و امثال آن در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله خامنه‌ای نتوانستند ببینند، لحظه اسطوره‌ای یک ملت و یک فرهنگ بود که سرنوشت مشترک خود را در یک آگاهی جمعی حل می‌کرد

شمارش خلاقانه!

این ما را به گزارش کاملاً پوچ نیویورک تایمز از تهران می‌رساند، که به نظر می‌رسد تنها یک هدف داشته است: کم‌اهمیت جلوه دادن جمعیت و تقسیم ایرانیان به کسانی که آیت‌الله خامنه‌ای را «تحسین» می‌کنند و کسانی که مخالف او بودند - کاملاً بی‌توجه به تأثیرات حمله نظامی به تحریک اسرائیل و آنچه که بر برداشت ایرانیان از دولت خودشان گذاشته است. این روزنامه شمارش خلاقانه خود را با اطمینان دادن به خوانندگان مبنی بر اینکه فقط «ده‌ها هزار» عزادار جمع شده‌اند، آغاز کرد. ظاهراً با توجه به اینکه جهان کاملاً از تجمع میلیونی مطلع بود، متوجه شدند که این مسخره است و به سرعت آن را به صدها هزار نفر تغییر دادند. آنها شارلاتان‌های بی‌شرمی هستند.

چرا باید منفورترین مستعمره‌نشین روی این سیاره (اسرائیل) جنگی را علیه مردم ایران آغاز کند، ده‌ها کودک بی‌گناه را قتل عام کند، زیرساخت‌های ملی را نابود کند و ترامپ را به تهدید نابودی تمدن ایران وادارد. این وقایع همه چیز را تغییر داد.
سپس این قطعه جواهر! به نمایش درآمد: «مراسم عزاداری عمومی به‌شدت توسط دولت طراحی و کنترل شده است.» البته که همینطور بوده است؛ همه مراسم تشییع دولتی، چه برای رؤسای جمهوری سابق آمریکا، رونالد ریگان و جیمی کارتر و چه برای پاپ، همینطور است. آیا مراسم تشییع جنازه دولتی ملکه الیزابت دوم کاملاً خودجوش بود یا اینکه آن هم توسط پلیس و سرویس‌های امنیتی «به شدت کنترل» می‌شد؟
آیا این اوباشگری نژادپرستانه و نفرت‌انگیز در گزارش غم و اندوه عمومی ملت‌های دیگر، هرگز پایان خواهد یافت؟ نیویورک تایمز، به همراه دیگر رسانه‌های غربی که پوشش خبری فجیع مشابهی را منتشر کرده‌اند، به نظر می‌رسد که در تلاش برای بدنام کردن و کوچک جلوه دادن کسانی هستند که برای سوگواری آیت‌الله خامنه‌ای بیرون آمدند.

لحظه اسطوره‌ای

آنچه نیویورک تایمز و امثال آن در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله خامنه‌ای نتوانستند ببینند، لحظه اسطوره‌ای یک ملت و یک فرهنگ بود که سرنوشت مشترک خود را در یک آگاهی جمعی حل می‌کرد.
این یک نمونه کلاسیک از نمایش سوگواری ایرانی، معروف به تعزیه است که ریشه‌های آن به آیین‌های سوگواری برای سیاوش در شاهنامه برمی‌گردد. این نمایش در صحنه‌ای عظیم و فراملی، نه تنها در ایران و عراق، بلکه برای میلیون‌ها شیعه که در سراسر جهان نظاره‌گر آن بودند، اجرا شد. اهمیت این رویداد برای کسانی که دانش خود را به صفحات تبلیغاتی بی‌ارزش نیویورک تایمز محدود می‌کنند، از دست رفته است. بیش از ۲۵ سال پیش، من و همکار فقید من، محقق برجسته لهستانی، پیتر چلکوفسکی، کتابی با عنوان «به صحنه آوردن یک انقلاب» منتشر کردیم که در آن به مستندسازی وقایع شیعه در طول انقلاب ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ پرداختیم. آنچه جهان این ماه در مراسم تشییع پیکر رهبر ایران شاهد بود، در مقیاسی وسیع و با نسبت‌های مشابه است.
عظمت این رویداد را در نظر بگیرید: یک مراسم تشییع پیکر شش روزه که قرار بود از تهران و قم در ایران عبور کند، سپس به نجف و کربلا در عراق برود و سپس برای خاکسپاری در مشهد به ایران بازگردد و میلیون‌ها عزادار به او ادای احترام کنند.
نیویورک تایمز در تلاشی آشکار برای توجیه حمله مرگبار اسرائیل، رسانه‌های آمریکایی و اروپایی را در تقسیم ایرانیان به «مذهبی» (حامیان حکومت) و «سکولار» (مخالفان) رهبری می‌کند. اما این دوگانه در ایران کار نمی‌کند و هرگز کار نکرده است.
گواه این امر را می‌توان در گفت‌وگوی تصویری قدیمی با یکی از رهبران مذهبی شیعه یافت که از ملاقات خود با محقق فقید محمد حسین طباطبایی، یکی از فرهیخته‌ترین فیلسوفان شیعه قرن بیستم و نویسنده تفسیر ماندگار المیزان، یاد می‌کند.
در اینجا می‌بینیم که چگونه علامه طباطبایی، هنگام گوش دادن به شعری از ایرج میرزا درباره امام حسین (ع) و شهادتش در کربلا، بی‌وقفه گریه می‌کرد و سپس - در کمال تعجب آنها - به دوستانش اعتراف کرد که با کمال میل تمام تفسیر قرآن خود را در ازای همین یک شعر به میرزا خواهد داد. دوستانش گیج شده بودند، چون میرزا به خاطر اشعار طنز بی پروایانه اش بدنام است. طباطبایی با ملایمت پاسخ داد: «بله، می‌دانم؛ من مجموعه آثار او را همین جا در کتابخانه‌ام دارم.»
فرهنگ‌های غنی، قدرتمند، زنده و در حال شکوفایی ایرانی و اسلامی - از شعر گرفته تا فلسفه، از ایران باستان گرفته تا فرشینه‌های عظیم تاریخ فکری اسلام - برای بسیاری از رسانه‌های غربی که این آثار را نمی‌خوانند، چه رسد به اینکه بخواهند آنها را برای مخاطبان خود توضیح دهند، سرزمینی ناشناخته است.

منبع: Middle East Eye

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

سه هفته بدون تغییر برای نتانیاهو

تمرکز نتانیاهو روی آیزنکوت است؛ اما رقبای دیگری هم دارد! این عنوان تیتر مطلب روزنامه اقتصادی گلوبز است. گلوبز بواسطه تسلط و حرفه‌ای بودنش در فضای اقتصاد، جزو رسانه‌های دارای اعتبار و توجه در داخل اسرائیل است.
با نزدیک‌تر شدن به فضای انتخابات و پایان دوره تابستانه کنست بیست و پنجم و احتمال برگزاری انتخابات کنست بیست و ششم در روزهای پایانی اکتبر (نیمه آبان ماه) این روزنامه هم وارد فضای انتخاباتی شده و با نظرسنجی‌هایی فضا را می‌سنجد.
براساس نظرسنجی‌های او وضعیت در سه هفته اخیر تغییر چندانی از منظر بلوک بندی نداشته است؛ که شکست بزرگی برای نتانیاهوست. زیرا ائتلاف نتانیاهو ۵۴ کرسی و ائتلاف اپوزیسیون نتانیاهو ۶۶ کرسی دارند که البته ۱۰ کرسی آن مربوط به دو حزب عربی است.
اما تغییر مهم در آخرین هفته گذشته این بوده است که حزب یاشار به سرلیستی آیزنکوت با نزدیک‌تر کردن خودش به لیکود به عنوان حزب اول نظرسنجی‌ها، براساس برخی نظرسنجی‌ها مثل کانال ۱۳ و معاریو حتی از لیکود پیشی گرفته و براساس نظرسنجی‌های کانال ۱۱ و ۱۳ در عدد ۲۲ با لیکود برابر است.

گلوبز در نهایت با بررسی نظرسنجی‌ها تأکید دارد اگرچه در کرسی احزاب آیزنکوت بواسطه تلاش‌هایش در لیست بندی و جذب افراد توانسته فعال شود، اما کسی که در پاسخ صهیونیست‌ها به گزینه مطلوبشان برای نخست‌وزیری در حال پیشرفت و کاهش فاصله‌اش با نتانیاهوست؛ نفتالی بنت است!
در مجموع نتانیاهو در شرایط مطلوبی نیست و برخی رسانه‌های نزدیک به نتانیاهو فاش کرده‌اند که او در یک خشم و عصبانیت تکرار نشدنی در روزهای اخیر در خصوص موضوع انتخابات است.
چالش نتانیاهو با دیوان عالی برسر اعضای شورای سازمان رادیو تلویزیون که نهاد نظارتی بر رسانه‌هاست در دو سه روز اخیر بر مشکلات و حملات رسانه‌ای علیه نتانیاهو افزوده است.
نتانیاهو و تیم او قصد دارند در یک نزاع کاملاً انتخاباتی اولین تمرد جدی در تاریخ حقوقی اسرائیل از رأی دیوان عالی قضایی را به نام خود ثبت کنند.
همچنین دیدارهای نتانیاهو با دیوید زینی رئیس شاباک و معاون برگزاری انتخابات که دو محور اصلی برگزاری این رویداد هستند، توجه رسانه‌ها را بر تلاش‌های بی‌سابقه نتانیاهو برای تغییر وضعیت کرسی‌ها جلب کرده و زنگ خطر رقابت سالم را به صدا درآورده است.
برخی از رقبای نتانیاهو معتقدند او ممکن است تنش را در غزه، ترکیه و حتی ایران تا انتخابات تشدید کند تا سبد آرای رأی دهنده به آیزنکوت که طبقه سکولار متوسط امنیت محورند، به نسخه تندروتر یعنی لیکود و نتانیاهو برگردند.

حسین جابری انصاری، مدیرعامل ایرنا در ویژه برنامه «آقای شهید ایران»:

استقلال و قدرت ملی، میراث ممتاز جمهوری اسلامی است

گفت‌وگو

مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) گفت: «میراث جمهوری اسلامی در مسأله استقلال و قدرت ملی، یک میراث ممتاز به تمام معنی کلمه است و با افتخار می‌شود سینه سپر کرد و به آن نازید؛ بزرگ‌ترین نشانه‌اش هم همین تجربه‌های اخیری است که اتفاق افتاد.»

به گزارش خبرنگار فرهنگی ایرنا حسین جابری انصاری در ویژه برنامه تصویری «آقای شهید ایران» تلویزیون ایرنا با تبیین زوایای مختلف میراث رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اظهار کرد: «معتقد هستم که بررسی میراث رهبر انقلاب اسلامی، به یک معنا بررسی میراث جمهوری اسلامی هم هست؛ چون در کمتر از نیم‌قرن گذشته، جمهوری اسلامی با دوران رهبری تقریباً یک‌دهه‌ای حضرت امام تأسیس شد و تداوم پیدا کرد؛ و بعد طی کمتر از چهار دهه (۳۷ سال) دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، تکامل یافت و این تجربه به معنای دقیق‌تر تداوم پیدا کرد. بنابراین، وقتی از میراث دوران رهبری ایشان حرف می‌زنیم، به یک معنا داریم از میراث جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم.»

وی ادامه داد: «در این زمینه باید روی دو مورد اساسی به عنوان میراث جمهوری اسلامی در کمتر از نیم‌قرن گذشته تأکید کنیم؛ مواردی که بی‌تردید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در شکل دادن و تبدیل آن به یک تجربه حکمرانی مشخص، نقش بنیادین و اساسی داشتند.»

این دیپلمات پیشین گفت: «مورد اول این است که جمهوری اسلامی در این دوره به یک نهاد، یک ساختار و به یک مؤسسه تبدیل شد؛ نه ساختاری که قائم به یک شخص باشد. افرادی که در بازه‌های سنی و عمری شبیه من یا بزرگ‌تر باشند بیشتر یادشان می‌آید که در دوران دهه اول انقلاب، جنگ و رهبری بنیانگذار جمهوری اسلامی (حضرت امام)، همیشه این بحث بویژه از دید و زبان مخالفان جمهوری اسلامی مطرح بود که این نظام قائم به شخصی به نام امام خمینی است؛ و به محض اینکه دوران حیات این جهانی امام خمینی خاتمه پیدا کند، جمهوری اسلامی هم خاتمه پیدا خواهد کرد.»

وی با یادآوری اتفاقات پس از ارتحال حضرت امام خمینی (ره) بیان کرد: «با رحلت امام، شوکی ایجاد شد؛ بویژه اینکه در یکی دو سال منتهی به رحلت حضرت امام، مسأله جانشینی و مسأله رهبری پس از دوران امام هم محل مناقشه شده بود و تغییر و تحولاتی اتفاق افتاد. مرحوم آیت‌الله منتظری که قائم‌مقام رهبری بودند، از این مسئولیت کنار رفتند و یک‌باره در یکی دو سال آخر شوک دیگری هم وارد شد. شاید حتی در محافل درون خود نظام ما هم گاهی تردیدهایی به ذهن‌ها می‌آمد که اگر روزی که امام نباشد، چه خواهد شد؟»

جمهوری اسلامی قائم به فرد نیست

جابری انصاری با اشاره به تجربه جانشینی آیت‌الله خامنه‌ای و تداوم آن در نزدیک به چهار دهه گفت: «تجربه نشان داد که جمهوری اسلامی قائم به فرد نیست، بلکه یک ساختار و یک نهاد با بنیادهای مشخص است. درست است که در این ساختار و در این تجربه حکمرانی، یک هسته کانونی به نام رهبری (ولایت فقیه) وجود دارد، ولی به هر حال این‌طور نیست که این ساختار مساوی با یک فرد باشد.»

مدیرعامل ایرنا با تحلیل انگیزه‌های دشمن صهیونی و آمریکایی از حمله نظامی به ایران توضیح داد: «شاید مهم‌ترین شرط بندی صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها در تهاجم به ایران، چه در جنگ ۱۲ روزه و چه در جنگ ۳۹ یا ۴۰ روزه، این بود که نظام جمهوری اسلامی بر محور یک فرد، یعنی آیت‌الله خامنه‌ای، استوار است. آنها تصور می‌کردند با هدف قرار دادن رأس نظام، می‌توانند ساختاری را از هم بپاشند که در آن همه امور و سررشته‌ها به یک فرد متصل است و او از عرصه نظریه‌پردازی تا اجرا، هدایت و مدیریت همه امور را در اختیار دارد».

وی ادامه داد: «تصور اولیه این بود، یا این تصویرسازی انجام می‌شد، بویژه از سوی منتقدان و اپوزیسیون جمهوری اسلامی، که جمهوری اسلامی یعنی آیت‌الله خامنه‌ای. بر اساس همین تصور و به تعبیر دقیق‌تر، همین توهم، شاید بخش مهمی از شرط بندی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها این بود که وقتی در لحظه صفر عملیات ۳۹ روزه، رهبری کشور هدف قرار می‌گیرد، شورای دفاع ایران هدف قرار می‌گیرد، شورای معاونین وزارت اطلاعات ایران هدف قرار می‌گیرد و بسیاری از رأس زنی‌ها، به معنای شخصیت‌ها و فرماندهان و مقامات عالی سیاسی، نظامی و امنیتی کشور نیز مورد هدف قرار می‌گیرند و به‌طور کلی رأس که همه چیز به آن وصل است و مجموعه‌ای از افراد نیز در کنار آن هستند، اگر همه اینها با هم هدف قرار گیرند، با یک فاصله کوتاه در عمل این ساختار فرو خواهد پاشید. تجربه نشان داد که این‌گونه نیست.»

این دیپلمات پیشین با اشاره به ناکامی دشمن در تحقق اهدافش اظهار کرد: «به‌رغم صدمه سنگینی که در این ترورها و حذف‌ها به ایران و جمهوری اسلامی وارد شد، ساختار دچار فروپاشی نشد. بنابراین من بزرگ‌ترین میراث جمهوری اسلامی را در این نیم قرن، در دوران رهبری امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، این می‌دانم که به‌رغم همه حاشیه‌ها، چالش‌ها، مسائل و نگاه‌های متفاوتی که وجود داشت و به‌رغم اهمیت و محوریت نقش رهبری و ولایت فقیه در جمهوری اسلامی، ایران به تجربه رایج که در منطقه ما و در دهه‌های گذشته و حتی امروز وجود داشته و دارد تبدیل نشد؛ تجربه‌ای که در آن یک سیستم مساوی با یک فرد است.»

وی با تأکید بر اینکه فرد، به‌رغم اهمیت، چه به معنای حقوقی و ساختاری و چه به معنای حقیقی و به صفت شخصی و توانایی، چه امام خمینی باشد و چه آیت‌الله خامنه‌ای، مساوی جمهوری اسلامی نیست، گفت: «جمهوری اسلامی یک نهاد، یک مؤسسه، یک ساختار و یک نظام سیاسی است که قائم به افراد نیست و قدرت تداوم دارد. این، به نظر من، بزرگ‌ترین میراثی است که در این تجربه کمتر از نیم قرن باید به آن بالید و به آن افتخار کرد.»

موازنه میان استقلال و آزادی یک انتخاب بنیادین در جمهوری اسلامی است

مدیر عامل خبرگزاری ایرنا در بخش دیگر از این گفت‌وگو اظهار کرد: «جمهوری اسلامی ایران در بستر ملت بزرگ ایران، تاریخ و تمدن ایران و نخبگان ایرانی بنا نهاده شده، ولی با رهبری ممتاز امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار و نزدیک به چهار دهه تداوم آن در دوره حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس چارچوب‌های احیای استقلال و حفظ تمامیت ارضی و سند بنیادین جمهوری اسلامی و میثاق واحد بین دولت و ملت ایران دانست و گفت: «اصل ۹ قانون اساسی که تیزبینی و هوشمندی شهید شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی در صیاغه آن موج می‌زند، تصریح دارد که بین استقلال و آزادی، نوعی موازنه از دیدگاه بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی و از دیدگاه سند میثاق ملی بین دولت و ملت ایران در مرحله پساانقلاب اسلامی وجود دارد.»

وی ادامه داد: «اصل ۹ جزو اصل‌های بنیادینی هست که واقعاً باید تکرار مکرر کرد، برای اینکه همه تکلیف خود را بدانند. اصل ۹ تصریح دارد به اینکه هیچ فرد و مقامی حق ندارد به نام استقلال و تمامیت ارضی ایران، آزادی‌های قانونی و مشروع ملت را نقض کند و بالعکس، هیچ فردی از افراد ملت حق ندارد به نام آزادی‌ها، استقلال و تمامیت ارضی کشور را نقض کند».

جابری انصاری تأکید کرد: «شعار بنیادین انقلاب اسلامی که در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ مطرح می‌شد (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی)، در ابتدا یک صورت‌بندی دیگری داشت که «حکومت اسلامی» در شعارها مطرح می‌شد، ولی به‌زودی تبدیل شد به این شعار معروف سه‌گانه که تا به امروز هم باقی مانده است: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. اصل ۹ صراحت دارد به اینکه بین این دو (استقلال و آزادی) موازنه برقرار است و به نام هر یک، نمی‌شود دیگری را نقض کرد.»

این فعال فرهنگی تصریح کرد: «هیچ کدام از مفاهیم استقلال و آزادی به تعبیر عامیانه در شعارهای انقلاب «عشقولانه» نیامد؛ یعنی این‌طور نبود که یک عده هوس بکنند و بگویند استقلال و آزادی، و این ماندگار شود و بماند به عنوان شعار بنیادین؛ نه، اینها نتیجه یک نیاز تاریخی بود.»

وی اضافه کرد: «از زمان تسخیر پایتخت حکومت صفوی توسط افغان‌ها ما شاهد زوال قدرت ملی ایران و استقلال ایران هستیم. البته تلاش‌هایی انجام می‌شود؛ چه در دوره زندیه در پاره‌هایی از خاک تاریخی ایران و بخش‌هایی از میراث دوران صفوی، و چه در دوران قاجار و حتی چه در دوران پهلوی.»

جابری انصاری «سیاست مستقل ملی» محمد رضا شاه پهلوی را پاسخ به یک وجدان عمومی و یک خواسته عمومی ملت و نخبگان ایران و یک مسأله تاریخی عنوان کرد و گفت: «یکی از مسائل تاریخی ملت ایران از فروپاشی صفویه به بعد این است که ایران تجزیه و تضعیف می‌شود و قدرت ملی ایران، استقلال ملی و تمامیت ارضی ایران به‌شدت در خطر قرار می‌گیرد.»

مدیرعامل ایرنا ادامه داد: «طرح شعار استقلال و در کنار آن آزادی در سال‌های منتهی به انقلاب بهمن ۵۷ نتیجه و برآیند خواسته وجدان عمومی ملت ایران به معنای جمهور، توده‌ها و نخبگان ایرانی از طیف‌های مختلف است. این نتیجه یک خوانش و یک قرائت از وضعیت ایران و مسأله‌های ایران است؛ به حدی که حتی در دهه منتهی به پیروزی انقلاب، نظام پهلوی به‌رغم وابستگی مفرط به ساختار قدرت جهانی و بویژه بلوک غرب و ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، به طور مشخص شعاری که به عنوان سیاست خارجی خودش می‌دهد، «سیاست مستقل ملی» است و اندکی به سمت نوعی موازنه بین غرب و شرق و تقویت روابط با اتحاد جماهیر شوروی حرکت می‌کند.»

> جمهوری اسلامی تا مغز استخوان، وفادار به قدرت ملی ایران و ملت ایران و عنصر هویت‌بخش ایرانیان، یعنی ایرانیت است و به ایرانی بودن می‌نازد؛ و ایران را تبدیل می‌کند به یک قدرتی که در برابر قدرت‌های اتمی جهان با افتخار و با سربلندی مقاومت می‌کند و کشور را حفظ می‌کند؛ و در عین حال، به سمت اجرای الگوهای در واقع اسلامی حرکت می‌کند

استقلال و قدرت ملی میراث ممتاز جمهوری اسلامی است

جابری انصاری اظهار کرد: «جمهوری اسلامی ایران در بستر ملت بزرگ ایران، تاریخ و تمدن ایران و نخبگان ایرانی بنا نهاده شده، ولی با رهبری ممتاز امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار و نزدیک به چهار دهه تداوم آن در دوره حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس چارچوب‌های احیای استقلال و حفظ تمامیت ارضی و احیای قدرت ملی ایران، این اتفاق بزرگ افتاده است. بنابراین به نظر من، میراث جمهوری اسلامی در مسأله استقلال و قدرت ملی، یک میراث ممتاز به تمام معنی کلمه است و با افتخار می‌شود سینه سپر کرد و به آن نازید؛ بزرگ‌ترین نشانه‌اش هم همین تجربه‌های اخیری است که اتفاق افتاد.»

وی در ادامه در خصوص مفهوم آزادی به عنوان یکی از شعارهای اساسی جمهوری اسلامی گفت: «مسأله آزادی را شاید بتوان به یک موضوع دیگر که بحث جمهوریت و اسلامیت است، وصل کرد. اینکه یک شعاری به شعار واحد، گسترده و شعار منتشر در بخش‌های مختلف جامعه ایران تبدیل می‌شود، باز مثل استقلال، نتیجه یک مسأله و نیازی است که در واقع جزئی از وجدان عمومی جامعه ایران است».

جابری انصاری تأکید کرد: «این ملت در سیر تاریخی خودش و بویژه در یک سده اخیر با همه فراز و نشیب‌هایی که داشته، یک مسأله هم دارد به نام مسأله آزادی. بویژه از انقلاب مشروطه به بعد، مسأله آزادی تبدیل می‌شود به یکی از مسائل مطرح در بین نخبگان ایرانی و در جامعه ایران؛ و در دوران انقلاب هم تبدیل می‌شود به یک شعار بنیادین انقلاب جمهوری اسلامی. بنابراین، این هم پاسخ به یک نیاز تاریخی و یک مطالبه عمومی ملت ایران هست.»

> پس از قرن‌ها و بویژه تجربه دو قرن اخیر فروپاشی دولت ملی ایران و تضعیف شدید قدرت ملی ایران، جمهوری اسلامی و رهبری آن توانستند راه جدیدی را باز کنند و در ذیل این راهگشایی و ایجاد و احیای قدرت ملی ایران، برآیند حکمرانی جمهوری اسلامی تلاش برای رفع تناقض‌ها و تبدیل دوگانه‌های به‌اصطلاح فرساینده، در سطح ملی و در سطح فراملی، به یگانه‌ها بوده است

وی با اشاره به موازنه بین استقلال و آزادی در اصل ۹ قانون اساسی اظهار کرد: «اصل ۹ در واقع دلالت می‌کند که این دو، هیچ‌یک نباید بهانه تضعیف آن دیگری باشد؛ این دو در کنار هم معنا دارد، همان‌گونه که در شعار استقلال و آزادی، تنگاتنگ تبدیل می‌شود به جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی در واقع بدون این ارتباط تنگاتنگ و این یگانگی بین این دو (این به ظاهر دوگانه در واقع استقلال و آزادی)، جمهوری اسلامی نیست؛ منقوص خواهد بود، نقص خواهد داشت و این نگاه بنیادین است.»

جابری انصاری در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار کرد: «امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، در اینکه یک تجربه یک نظام مردمی را تأسیس و تداوم بخشند، موفق شدند؛ به این معنا که در ساختار تاریخی ایران که ساختاری شاهنشاهی، میراثی و قائم به اشخاص بود و نه مبتنی بر یک قانون به‌عنوان میثاق ملت و نه به‌عنوان انتخاب از سوی ملت، وضعیت جدیدی ایجاد کردند که مبتنی بر انتخاب مردم، عقیده، برنامه و بر میثاق واحد ملی بین دولت و ملت، استوار است؛ جمهور مردم و نخبگان، همراه با حکمرانان و مجموعه حکمرانی جمهوری اسلامی.»

وی با اشاره به برگزاری انتخابات‌های مستمر، به‌رغم شرایط جنگی و فوق‌العاده، از جمله هشت سال جنگ تحمیلی و نزدیک به یک دهه در بستر فضای انقلاب گفت: «قانون اساسی در همان فضای ابتدای پیروزی انقلاب و در بستر مسائل مربوط به تجزیه‌طلبی در مناطق مختلف کشور، تصویب شد و به رأی عمومی گذاشته شد؛ یعنی جمهور ملت ایران به آن رأی دادند. اصلاحات قانون اساسی نیز به رأی عمومی گذاشته شد. قانون اساسی اولیه در ابتدای انقلاب و در دوران رهبری امام خمینی تدوین شد و رفراندوم اصلاحات قانون اساسی در ابتدای رهبری آیت‌الله خامنه‌ای انجام گرفت؛ امام چراغ این اصلاحات را روشن کردند، اما عمرشان ادامه نیافت.»

این دیپلمات پیشین تأکید کرد: «این اصلاحات در همان روزها و سال‌های ابتدایی نظام جمهوری اسلامی، یکی از تجربه‌های فرید و یگانه است که باید به آن افتخار کرد و آن را برجسته ساخت. اینکه ما نقص‌هایی داریم، بحث دیگری است و باید بررسی و تکمیل شود اما نباید سرمایه‌ای را که ایجاد کرده‌ایم فراموش کنیم.»

وی یادآورشد: در بسیاری از انقلاب‌ها، بلکه می‌توان گفت در غالب انقلاب‌ها، پس از وقوع انقلاب تا سال‌ها خبری از انتخابات و رأی و این مفاهیم نیست. گاهی حتی به نام انقلاب، یک وضعیت دائمی و فوق‌العاده تحت عنوان «شرایط انقلابی» تداوم می‌یابد. در منطقه ما به کثرت و در سطح جهانی نیز در تجربه انقلاب‌های بزرگ، مانند انقلاب روسیه و انقلاب چین، این مسأله دیده می‌شود.

جابری انصاری ادامه داد: اما این انقلاب، انقلابی است که با وجود آن‌که انقلاب به معنای واقعی کلمه دگرگونی بنیادین و تغییر یک ساختار تاریخی است؛ ساختاری مبتنی بر وراثت و حکومت متمرکز فردی قائم به شخص و نظام پادشاهی به نظام جمهوری مبتنی بر انتخاب مردم تبدیل می‌شود. با این حال، با فاصله بسیار کوتاهی، نهاد انتخابات در تجربه جدید ایران پساانقلاب اسلامی بنیان گذاشته می‌شود که این ساختار تا به امروز نیز ادامه یافته است.

وی اضافه کرد: امروزاین پرسش مطرح است که آیا این نهاد به معنای متکامل خود رسیده است و آیا مفهوم آزادی همپای استقلال تکمیل و نهادینه شده است یا خیر. پاسخ صادقانه در یک آسیب‌شناسی این است که در این زمینه ضعف‌هایی وجود دارد.

مدیرعامل ایرنا تأکید کرد: همپای استقلال و احیای قدرت ملی ایران، مسأله آزادی به‌طور کامل نهادینه نشده است؛ به معنای تمام کلمه خود. سنت رقابت دموکراتیک، آن‌گونه که در تجربه‌های معاصر جهانی و در نظام‌های انتخاباتی حزبی وجود دارد، هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است. حتی در مدل‌های انتخاباتی رایج جهان، که دو الگوی اصلی دارند؛ نظام اکثریتی (اغلبیتی) و نظام نسبتی (تناسبی) طبیعی است که دموکراتیک‌ترین و مردم‌محورترین نظام‌ها، نظام‌های انتخاباتی تناسبی هستند؛ به دلیل اینکه در نظام اکثریتی، وقتی رأی می‌آورند؛ آن اقلیت حتی اگر بزرگ باشد و حتی ۴۹ درصد از جمهور جامعه را در برگرفته باشد، محذوف شده و در دوره انتخاباتی کنار گذاشته می‌شود. اما در نظام تناسبی، شرکای وطن همه شریک می‌شوند و هر کس به نسبت آرایی که در انتخابات می‌آورد؛ از سهمیه‌ای در پارلمان کشور برخوردار خواهد بود و مابه ازای آن در اداره ملی و حکومت شریک خواهد بود.

باید برای تکامل ساختار حکمرانی نظام حزبی تقویت شود

مدیر عامل ایرنا با اشاره به جایگاه احزاب در قانون اساسی اظهار کرد: «شاید صدها حزب سیاسی در ایران بعد از انقلاب تأسیس شده، ولی نتوانسته‌اند تکامل پیدا بکنند و معمولاً نظام انتخاباتی ما، نظام فردی هست. یعنی افراد و شخصیت‌ها هستند که می‌آیند، نه احزاب و گروه‌های سیاسی جاافتاده با برنامه‌های مشخص و با چارچوب‌های مشخص که این شعار دوم انقلاب را هم نهادینه کرده و آن را به یک امر ملموس تبدیل کنند.»

وی افزود: «بنابراین، در مسأله شعار دوم انقلاب یعنی آزادی، کارهای بسیار بزرگی در جمهوری اسلامی و بر بستر انقلاب انجام شده و در میراث و تجربه حکمرانی جمهوری اسلامی در دوران رهبری امام و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رهبر شهید) وجود دارد؛ ولی به نظر می‌رسد از زاویه آسیب‌شناسی، ضعف‌هایی داریم که می‌شود و باید به آنها پرداخت؛ تا این نظام انتخاباتی و این تغییر بنیادین، در مسیری نهادینه شود که رقابت اشخاص به رقابت برنامه‌ها و رقابت گروه‌ها و احزاب سیاسی تبدیل شود و همه در چتر و در قاب امنیت ملی، منافع ملی و میثاق ملی قانون اساسی قرار گیرند و همه کسانی که ملتزم به قانون اساسی هستند و به نظم کشور، امنیت ملی و منافع ملی کشور وفادار، پایبند و متعهد هستند، اینها بتوانند با یکدیگر رقابت بکنند».

جابری انصاری ادامه داد: در این زمینه‌ها گام‌هایی را برداشتیم و حرکت‌های خوبی با فراز و نشیب‌ها انجام شده است، ولی ضعف‌هایی هم داریم؛ که به نظر می‌رسد در دوره جدید، در تکامل و تداوم تجربه حکمرانی جمهوری اسلامی، اگر آسیب‌شناسی درست داشته باشیم، می‌توانیم گام‌های بلندتری برداریم و به تمام معنی کلمه، به سمت موازنه مد نظراصل ۹ قانون اساسی گام برداریم.

ایران و اسلام در همه ابعاد هویت دولت ایران در هم تنیده شده است

مدیرعامل ایرنا در بخش دیگری از این گفت‌وگو در خصوص نقش و جایگاه اسلام و ایران در اندیشه رهبر شهید اظهار کرد: «به یک تعبیر می‌شود گفت «مد شده» که از دوگانه‌ای به نام «اسلام و ایران» حرف زده می‌شود و به آن دامن زده می‌شود. این در حالی است که اگر به هویت دولت و ملت ایران در بستر تاریخی نگاه کنیم، به مرور زمان نوعی درهم‌تنیدگی و پیوند مستحکم بین ایران و اسلام ایجاد شده است. یعنی یکی از عناصر هویت‌بخش ملت و دولت ایران، «ایرانیت» هست؛ به عنوان یک ملت، بلکه به عنوان یک امت کهن. در حقیقت، امت ایرانی از تاریخ بسیار طولانی و قدیمی برخوردار است و این، یک عنصر جدایی‌ناپذیر از عناصر هویت‌بخش دولت و ملت ایران است.»

این فعال فرهنگی اضافه کرد: از مرحله‌ای که اسلام وارد ایران می‌شود، به‌رغم آنکه ظاهرآن جنگ، تسخیر و فروپاشی نظام حکمرانی آن دوران ایران است، ولی در باطن، دل‌های مردمان ایران به سمت اسلام گرایش پیدا می‌کند و ایرانیان، اسلام را به‌عنوان یک نظام فکری وعملی مبتنی بر خواسته‌های خود می‌یابند؛ از جمله در زمینه عدالت، عدم تبعیض، اخلاق، انسانیت و بسیاری از ابعاد ارزشمند دیگری که برای ملت ایران در آن تاریخ و عهد، مسأله، مطالبه و نیاز آنها بوده است. اسلام به این مطالبات پاسخ می‌دهد. پس از آن نیز، از مقطعی به بعد، خوانشی از اسلام، یعنی تشیع، و در حقیقت تشیع علوی که همان اسلام ناب محمدی نیز است؛ روح و روان ملت، جمهور و عموم ملت ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اندکی فاصله، دل‌های خود را به روی تشیع، به‌عنوان خوانشی اساسی از اسلام و از میراث پیامبر، باز می‌کنند. اینها به عناصر هویت‌بخش دولت و ملت ایران تبدیل می‌شوند.

وی افزود: «اینکه امروز مد شده است که برخی از نخبگان یا به‌اصطلاح روشنفکران ما تصور می‌کنند حتماً باید به این دوگانه دامن بزنند و آن را تشدید کنند، اگر کسی تاریخ خوانده باشد و با ملت، تمدن و تاریخ ایران آشنا باشد، می‌داند که این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. در روح و روان ملت ایران، در ساختار و در همه ابعاد هویت دولت ایران، اسلام و ایران در هم تنیده شده‌اند. اصلاً تجربه دوران پساسلامی ایران، یکی از تمایزهای اساسی خود را با تجربه پساسلامی برخی دولت‌های کهن دیگر در همین منطقه، از این جهت نشان می‌دهد که ملت ایران عناصر ایرانی خود را حفظ می‌کند. برای مثال، ملت ایران زبان فارسی را حفظ می‌کند».

جابری انصاری توضیح داد: در دوران جمهوری اسلامی نیز، با وجود آنکه نام اسلام مطرح است و بسط و سیطره مفاهیم اسلامی وجود دارد، یکی از محورهای اساسی مورد تأکید جمهوری اسلامی و رهبران آن، هم امام و هم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهید، بحث حفظ و احیا و ارتقای زبان فارسی و گسترش آن است. یعنی ایرانیان توانستند این دوگانه را از همان ابتدا به یک یگانه تبدیل کرده و در خدمت قدرت ملی ایران و قدرت دولت و ملت ایران قرار دهند البته این روند فراز و نشیب خود را داشته است. برای مثال، در دوران امویان و عباسیان، سویه‌های افراطی، تفسیرهای شئونیستی از اسلام و تفسیرهای مبتنی برنژاد و عربیت غلبه پیدا می‌کند، نوعی زدگی ایجاد می‌شود و شورش‌هایی را در ملت ایران علیه آن حکومت‌ها برمی‌انگیزد. اما به‌مرور و در طی قرون، نوعی تعادل و موازنه میان اسلام و ایران شکل می‌گیرد و به ویژگی اساسی و هویت‌بخش دولت و ملت ایران تبدیل می‌شود. جمهوری اسلامی، از این زاویه و در دوران رهبری نزدیک به نیم‌قرن رهبران جمهوری اسلامی، حضرت امام و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهید، حرف بسیار زیادی برای گفتن دارد. این یک سرمایه است و باید به آن نازید.

جمهوری اسلامی تا مغز استخوان به ایرانیت وفادار است

این دیپلمات پیشین کشورمان افزود: «من ادعا نمی‌کنم همه این ۵۰ سال، ما بر یک مدار در مفهوم اسلام، ایران و موازنه بین آنها حرکت کردیم. افراط‌ها و تفریط‌هایی وجود داشته‌است اما به نظر من تجربه حکمرانی جمهوری اسلامی حرف برای گفتن و افتخار کردن بسیار دارد. در برآیند این تجربه نیم‌قرن، که نزدیک به چهار دهه آن دوران رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هست، باید گفت که ما در گذر از افراط‌ها و تفریط‌ها و پایین و بالا رفتن‌ها، به یک تعادل و موازنه‌ای بین اسلام و ایران می‌رسیم».

مدیرعامل ایرنا تصریح کرد: «جمهوری اسلامی تا مغز استخوان، وفادار به قدرت ملی ایران و ملت ایران و عنصر هویت‌بخش ایرانیان، یعنی ایرانیت است و به ایرانی بودن می‌نازد؛ و ایران را تبدیل می‌کند به یک قدرتی که در برابر قدرت‌های اتمی جهان با افتخار و با سربلندی مقاومت می‌کند و کشور را حفظ می‌کند؛ و در عین حال، به سمت اجرای الگوهای در واقع اسلامی حرکت می‌کند.»

جابری انصاری یادآورشد: به اعتقاد من یکی از بزرگ‌ترین میراث‌های دوران جمهوری اسلامی و بویژه دوران رهبری رهبر شهید انقلاب اسلامی این هست که بین اسلام و ایران، و بین دو مفهوم دیگر که به صیاغه این دو دائماً تبدیل می‌شود به یک دوگانه، یعنی «امت و ملت»، در واقع جمهوری اسلامی و میراث رهبری جمهوری اسلامی، تلاش برای ایجاد نوعی معادله و موازنه بین اینها است.

جابری انصاری تصریح کرد: «مسأله فلسطین به عنوان محوری‌ترین مسأله امت اسلامی، در کانون توجه انقلاب، جمهوری اسلامی و رهبری آن قرار می‌گیرد و تا شهادت آیت‌الله خامنه‌ای ادامه پیدا می‌کند. یعنی اولین میهمان خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی، رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین هست؛ اولین کشوری که سفارت اسرائیل یا دفتر ارتباطی در آن تبدیل به سفارت فلسطین می‌شود ایران است؛ و اولین شعار بزرگ خارجی جمهور ملت ایران و نخبگانش، «الیوم ایران، غداً فلسطین» هست. این آغاز انقلاب است و تا شهادت ایشان، تأکید بر محوری بودن مسائل اسلامی و مسأله فلسطین در دستور کار جمهوری اسلامی هست».

وی ادامه داد: ولی آیا این به این معناست که در واقع جمهوری اسلامی، ایران را هزینه اسلام می‌کند یا ملت ایران را هزینه امت می‌کند؟ به فراز و نشیب‌ها و افراط و تفریط‌ها کار ندارم؛ در برآیند حکمرانی نزدیک به نیم‌قرن جمهوری اسلامی و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و امام، تلاش شد هم قدرت ملی ایران احیا شود و هم این قدرت ملی در تعارض با اسلام و مصالح امت اسلامی و مسائل مهمی مثل مسأله فلسطین نباشد، بلکه از این ظرفیت قدرت ملی، در خدمت مصالح علیای امت اسلامی هم استفاده شود.

جابری انصاری ادامه داد: همیشه یکی از دوگانه‌ها انتخاب میان امت یا ملیت است. مصر، عراق، سوریه، مغرب یا مشرق عربی، اندونزی و مالزی همواره با این دوگانه مواجه بوده‌اند. آیا می‌شود به فرمولی رسید که در عین حال که منافع ملی و مصالح اولیای ملی مورد توجه و در کانون قرار دارد، که قلب و محوریت آن احیای قدرت ملی ایران به‌عنوان دولتی (state) که حرفی برای گفتن در جهان دارد، است؛ آیا می‌توان این را با مصالح اولیای امت نیز جمع کرد؟ یا باید همواره اینها را در تناقض با یکدیگر دید و دوگانه‌هایی با تضاد آشتی‌ناپذیر و آنتاگونیستی تعریف کرد؟

وی ادامه داد: من معتقدم جمهوری اسلامی و رهبران آن، هم بنیان‌گذار (حضرت امام) و هم آیت‌الله خامنه‌ای، در برآیند حکمرانی خود تلاش کردند نوعی موازنه ایجاد کنند تا بدون آنکه منافع و مصالح اولیای ملت ایران و دولت ایران، به‌عنوان یک واحد ملی، نقض شود، بلکه بالعکس، ایران قدرت بگیرد. البته در اینجا نیز باید تکمیل کنیم که وقتی می‌گوییم قدرت گرفت، معنایش این نیست که ما در همه جنبه‌ها به شکل متکامل و متوازن قدرت پیدا کرده‌ایم. از نگاه آسیب‌شناسانه باید گفت که این قدرت باید قدرت جامع و قدرت جامعه ملی باشد و همه عرصه‌ها و صحنه‌های قدرت را، از قدرت نرم تا قدرت سخت، در بر بگیرد. از این زاویه نیز ما ضعف‌های اساسی داریم و باید آنها را آسیب‌شناسی و تکمیل کنیم.

به گفته وی پس از قرن‌ها و بویژه تجربه دو قرن اخیر فروپاشی دولت ملی ایران و تضعیف شدید قدرت ملی ایران، جمهوری اسلامی و رهبری آن توانستند راه جدیدی را باز کنند و در ذیل این راهگشایی و ایجاد و احیای قدرت ملی ایران، برآیند حکمرانی جمهوری اسلامی تلاش برای رفع این تناقض‌ها و تبدیل این دوگانه‌های به‌اصطلاح فرساینده، در سطح ملی و در سطح فراملی، به یگانه‌ها بوده است.

جابری انصاری گفت: «بخش‌هایی از این مسیر طی شده است و امیدوار هستیم که ملت، نخبگان و رهبری ایران با همبستگی و اتحاد ملی، موفق شوند این راه را تکمیل کنند، راه‌های نرفته را نیز طی کنند و گام‌های بزرگی در مسیر احیای قدرت ملی ایران و رفع یا حل این دوگانه‌ها در قالب یگانه‌های معنادار، از جمله در ذیل مفهوم ملت و امت و مصالح ملی و مصالح اولیای اسلامی، بردارند و بنیان‌گذار و تصویرکننده تجربه و یک نهضت نوین تمدنی ایرانی و اسلامی ماندگار در تاریخ ایران و جهان شوند».

به دوگانگی‌های ساختگی دامن نزنیم

مدیرعامل خبرگزاری ایرنا با تأکید بر اینکه باید در برابر ملت بزرگ ایران کرنش، فروتنی و تعظیم کرد گفت: «ملتی که این صحنه‌ها را خلق کرده، انقلاب را خلق کرده، اجازه داده این انقلاب در سخت‌ترین شرایط، بحران‌ها، چالش‌ها، جنگ‌ها، حملات خارجی و بحران‌های داخلی، تداوم حیات پیدا بکند.»

جابری انصاری با گرامیداشت یاد و خاطره و مرام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی و رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفت: «این پیوند بین دولت و ملت و این حضور گسترده جمهورِ ملت ایران سرمایه بزرگ جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و همه ما است. قدر ملتمان را بدانیم، شأن او را حفظ بکنیم، خدمتگزار او باشیم، همه برنامه‌ها و هرچه داریم، منیت‌های خودمان را کنار بگذاریم.

وی یادآورشد: ان‌شاءالله توفیق پیدا بکنیم همه این «من»ها را در مصالح و منافع کلان ایران ذوب کنیم و با نگاه آسیب‌شناسانه، به سرمایه‌های خودمان بنازیم و به تجربه‌های مثبت دوران حکمرانی، به تجربه جمهوری اسلامی و رهبری فقید و رهبری شهید آن افتخار کنیم و در عین حال، به موازات آن کاستی‌ها و کمبودها را بشناسیم، با همدیگر لجاجت نکنیم و دائماً مسائل را به دعوا تبدیل نکنیم، به دوگانه‌های ساختگی دامن نزنیم.

این فعال فرهنگی با بیان اینکه این ملت و جمهوری اسلامی، مأموریت‌های بسیار بزرگ‌تری در پیش دارد، گفت: «ان‌شاءالله روزهای بهتری برای برای ملت و دولت ایران در پیش باشد و با حفظ وحدت ملی و حرکت بر بستر ارتقای قدرت ملی ایران، قدرت همه‌جانبه ملت ایران و ایجاد موازنه کامل بین بین استقلال و آزادی و بین جمهوریت و اسلامیت حرکت کنیم.»

جابری انصاری یادآورشد: هر جا ما این دوگانه‌ها را در مسیر منطقی وعقلانی و با استمداد از میراث تاریخی و تمدنی ایران در مسیر یگانه‌سازی قرار دادیم، مقاطع درخشان و موفقیت دولت و ملت ایران و تجربه حکمرانی ما و رهبری بعد از انقلاب ما است. هرجا دچار ضعف؛ عدم توجه کافی و بی‌دقتی و تشدید دوگانگی‌ها شدیم، دچار ضعف‌ها و خسران‌هایی شدیم؛ آنها را باید شناخت و تلاش کرد این مسیر را به درستی ادامه داد و به قله‌های بزرگ رسید.

خبر

ابزار جدید بانک مرکزی برای تأمین مالی ارزی صنایع آسیب‌دیده از جنگ

هیأت عالی بانک مرکزی با تصویب دستورالعمل «صدور گواهی سپرده مدت‌دار ارزی ویژه سرمایه‌گذاری خاص»، مسیر جدیدی برای تأمین مالی ارزی واحدهای تولیدی ارزآور، به‌ویژه صنایع آسیب‌دیده از جنگ ایجاد کرد. این ابزار با هدف جذب منابع ارزی و کمک به بازسازی و توسعه فعالیت‌های تولیدی طراحی شده است.
براساس این دستورالعمل، شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی که برای اجرای طرح‌های توسعه، نوسازی یا تأمین سرمایه در گردش خود به منابع ارزی نیاز دارند، می‌توانند از طریق مؤسسه‌های اعتباری عامل درخواست استفاده از این ابزار را ارائه کنند. در این فرآیند، بانک با افتتاح سپرده ارزی ویژه، گواهی سپرده مدت‌دار ارزی را برای سرمایه‌گذاران صادر می‌کند و منابع جذب‌شده در اختیار طرح مشخص متقاضی قرار می‌گیرد.
سرمایه‌گذاران که باید شخصیت حقوقی داشته باشند، با خرید این گواهی‌ها در تأمین مالی پروژه‌ها مشارکت می‌کنند و در مقابل، سودی با نرخ مشخص و قطعی دریافت خواهند کرد. همچنین بازپرداخت اصل سرمایه و سود در سررسید، از سوی مؤسسه اعتباری ضامن تضمین می‌شود تا امنیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران فراهم شود.
مطابق این مصوبه، امکان تأمین مالی طرح‌های سرمایه ثابت یا سرمایه در گردش تا سقف ۵۰ میلیون یورو یا معادل آن به سایر ارزها وجود دارد. همچنین مدت اعتبار این گواهی‌ها حداکثر چهار سال تعیین شده و صدور آنها صرفاً براساس عقود مبادله‌ای انجام می‌شود.
در این سازوکار، مؤسسه اعتباری مسئول افتتاح سپرده، صدور و بازخرید گواهی است و مؤسسسه اعتباری ضامن نیز تعهد پرداخت اصل سرمایه و سود را بر عهده دارد. انتخاب این مؤسسه‌ها با پیشنهاد متقاضی و پس از تأیید کمیسیون تسهیلات ارزی بانک مرکزی انجام می‌شود.
بر اساس این دستورالعمل، مرکز مبادله ارز و طلای ایران نیز به نمایندگی از بانک مرکزی مسئول انجام امور اجرایی، بررسی درخواست‌ها، هماهنگی میان ارکان طرح، تهیه گزارش‌های کارشناسی و نظارت بر روند اجرای تعهدات خواهد بود.
بانک مرکزی تأکید کرده است که منابع ارزی جذب‌شده از طریق این گواهی‌ها نباید به ریال تبدیل شوند و صرفاً باید برای تأمین مالی ارزی همان طرح‌های مصوب مورد استفاده قرار گیرند. همچنین استفاده از ارزهای حاصل از صادراتی که مشمول رفع تعهد ارزی هستند، در این طرح ممنوع است. سرمایه‌گذاران نیز می‌توانند از طریق اسکناس یا حواله ارزی، سپرده‌گذاری و در این طرح سرمایه‌گذاری کنند.

حمل‌ونقل کشور چگونه یکی از گسترده‌ترین مأموریت‌های جابه‌جایی مسافر را مدیریت کرد؟

روایت یک عملیات ملی برای مراسم تشییع

گزارش

گروه اقتصادی

در روند برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید، شبکه حمل‌ونقل کشور با بسیج ظرفیت‌های جاده‌ای، ریلی و هوایی، یکی از گسترده‌ترین عملیات‌های جابه‌جایی مسافر را مدیریت کرد؛ عملیاتی که به انجام ۵۳ هزار سفر جاده‌ای، جابه‌جایی یک‌میلیون و ۱۳۰ هزار مسافر، انتقال ۳۵۰ هزار مسافر هوایی و بازسازی پل ریلی آسیب‌دیده در کمتر از ۱۵ ساعت انجامید و در اولین جمعه پس از پایان جنگ نیز با ثبت بیش از ۴۰۰ پرواز داخلی و بین‌المللی ادامه یافت.
مراسم تشییع رهبر شهید، بیشترین جابه‌جایی مسافر در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل را از اربعین سال گذشته به ثبت رساند. بر اساس اظهارات مهران قربانی، معاون حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی، جابه‌جایی شرکت‌کنندگان در مراسم وداع و تشییع رهبر شهید، یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات‌های حمل‌ونقلی تاریخ ایران بود که در آن، شبکه حمل‌ونقل برون‌شهری کشور با وجود محدودیت‌ها، آسیب‌های واردشده به برخی زیرساخت‌ها و فشردگی زمانی، این مأموریت را منظم، ایمن و موفقیت‌آمیز اجرا کرد.
وی گفت: «یکی از محورهای مهم در مراسم تشییع، تأمین حداکثری ناوگان عمومی در بخش‌های جاده‌ای، ریلی و هوایی بود. در بخش جاده‌ای، تمام ظرفیت عملیاتی قابل استفاده در طرح پیش‌بینی و به‌کارگیری شد. در بخش ریلی نیز حداقل ۷۰ درصد توان عملیاتی ناوگان مسافری کشور به اجرای طرح اختصاص یافت و قطارهای فوق‌العاده در مسیرهای پیش‌بینی شده به خدمت گرفته شدند.»
قربانی افزود: «در بخش هوایی نیز، با وجود خسارت‌ها و صدماتی که در جریان جنگ به برخی زیرساخت‌های فرودگاهی وارد شده بود، آمادگی لازم برای ارائه خدمات هوایی داخلی و همچنین جابه‌جایی و پذیرش میهمانان خارجی فراهم شد.»

بازسازی ۱۵ساعته پل آسیب‌دیده

میرحسن موسوی، قائم‌مقام راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران نیز با تشریح اقدامات این مجموعه در ایام مراسم تشییع، از بسیج همه ظرفیت‌های ناوگان مسافری کشور، از جمله واگن‌های در آستانه تعمیرات، برای پاسخگویی به تقاضای گسترده مردم خبر داد.
وی اعلام کرد: «با وجود حمله آمریکایی ـ صهیونیستی به یکی از پل‌های ریلی در ۱۸ تیرماه، عملیات ترمیم و بازسازی زیرساخت آسیب‌دیده در کمتر از ۱۵ ساعت با تلاش متخصصان راه‌آهن به پایان رسید و هیچ مسافری از حضور در مراسم تشییع باز نماند.»
قائم‌مقام راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران گفت: «در بازه زمانی ۱۲ تا ۱۶ تیرماه، ۸۰ درصد ظرفیت قطارهای مسافری از ۲۵ شهرستان به مقصد تهران و بالعکس به مسافران و مشتاقان شرکت در مراسم وداع و تشییع اختصاص یافت که این برنامه به‌طور کامل اجرا شد.»

> با وجود حمله به یکی از پل‌های ریلی در ۱۸ تیرماه، عملیات ترمیم و بازسازی زیرساخت آسیب‌دیده در کمتر از ۱۵ ساعت با تلاش متخصصان راه‌آهن به پایان رسید و هیچ مسافری از حضور در مراسم تشییع باز نماند

وی افزود: «ظرفیت قطارهای حومه‌ای از ۱۳ تا ۱۵ تیرماه برای شرکت در مراسم وداع و تشییع در تهران، از مبادی حومه و شهرستان‌های نزدیک مانند پرند، پیشوا، ورامین، کرج و هشتگرد، در طول ۲۴ ساعت دو برابر شد و انتقال مسافران به تهران و بازگشت آنها به شهرهای مبدأ با ظرفیت موجود انجام گرفت.»
موسوی گفت: «تا بیستم تیرماه، ۲۰ رام قطار مسافری در مسیر تهران-مشهد و بالعکس راه‌اندازی و در اختیار مسافران قرار گرفت.»
وی ادامه داد: «در بامداد ۱۸ تیرماه، زمانی که یکی از قطارهای مسافری حامل مشتاقان شرکت در مراسم تشییع به سمت مشهد مقدس در حرکت بود، دشمن آمریکایی با هدف ایجاد اخلال در حضور مردم در مراسم، به یکی از پل‌های خط ریلی حمله کرد و این بخش از زیرساخت ریلی آسیب دید.»
این مقام مسئول خاطرنشان کرد: «در کمتر از ۱۵ ساعت، یکی از دو خطی که مورد حمله قرار گرفته و آسیب جدی دیده بود، بازسازی شد و قطارها دوباره به مسیر عادی خود بازگشتند.»
قائم‌مقام راه‌آهن اظهار کرد: «همچنین در یکی از نقاط واقع در محور شمال‌شرق کشور که دچار آسیب‌دیدگی شده بود، با تلاش کارشناسان و کارکنان راه‌آهن، عملیات ترمیم و بازسازی در کمتر از ۲۴ ساعت تکمیل شد. در حال حاضر، سیر و حرکت قطارهای باری در این مسیر برقرار است و روند خدمات‌رسانی بدون مشکل ادامه دارد.»

رشد ۷۰ درصدی جابه‌جایی مسافر

رضا اکبری، رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، نیز از مشارکت گسترده فعالان بخش حمل‌ونقل مسافری در مراسم تشییع خبر داد و تأکید کرد: «ناوگان عمومی کشور با ثبت رکوردی جدید و انجام ۵۳ هزار سفر، جابه‌جایی بیش از یک میلیون و ۱۳۰ هزار مسافر را به مقاصد تهران، قم و مشهد با موفقیت انجام داده است.»
رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای گفت: «در پی حادثه‌ای که موجب قطع مسیر ریلی شد، با همکاری و هماهنگی شرکت راه‌آهن، جابه‌جایی مسافران به صورت ایستگاهی و بین‌شهری تا مقصد مشهد مدیریت شد.»
وی افزود: «در مجموع، در بازه ۹روزه مورد نظر، ۵۳ هزار سفر برای جابه‌جایی یک میلیون و ۱۳۰ هزار مسافر با ناوگان عمومی شامل اتوبوس و خودروهای سواری، به مقصد یا مبدأ سه شهر تهران، قم و مشهد انجام شد.»
این در حالی است که در اربعین سال گذشته، ۱۶۸ هزار نفر با ناوگان عمومی جابه‌جا شده بودند. این آمار نشان‌دهنده رشد قابل توجه جابه‌جایی مسافر و به‌کارگیری ظرفیت‌های حمل‌ونقل کشور برای برگزاری مراسم تشییع است.

تاب‌آوری صنعت هوایی

ابوذر شیرودی، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری، با تأکید بر موفقیت عملیات هوایی در مراسم تشییع رهبر شهید، اعلام کرد: «با وجود خسارات ناشی از جنگ به زیرساخت‌های هوایی، این سازمان در بازه زمانی ۱۱ تا ۱۹ تیرماه، ۳۵۰ هزار مسافر را جابه‌جا کرد.»
وی افزود: «یکی از مباحث مهم و حیاتی در این ایام، نحوه استقبال از میهمانان دیپلماتیک و مقامات عالی‌رتبه‌ای بود که برای حضور در مراسم تشییع پیکر رهبر شهید به ایران سفر کرده بودند. در کنار این موضوع، برنامه‌ریزی برای نظارت بر نرخ بلیت‌های پروازی، به‌ویژه در استان‌هایی که محل برگزاری مراسم تشییع بودند، در اولویت قرار داشت تا از ایجاد اختلاف فاحش در قیمت بلیت‌ها جلوگیری شود.»
وی ادامه داد: «با تلاش مجموعه دولت و وزارت راه و شهرسازی، این مأموریت به‌خوبی انجام شد و مشکل قابل توجهی در حوزه هوایی ایجاد نشد.»
رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با اشاره به آمار کلی جابه‌جایی مسافران گفت: «در بازه زمانی ۱۱ تا ۱۹ تیرماه، در سه فرودگاه مهرآباد، امام خمینی (ره) و مشهد مقدس، حدود ۳۵۰ هزار مسافر جابه‌جا شدند.»
به گفته وی، «با توجه به آسیب‌هایی که در جریان جنگ ۴۰روزه به برخی زیرساخت‌های هوایی وارد شده بود، انجام این عملیات با چنین حجم مسافری نیازمند هماهنگی میان بخش‌های مختلف بود که با همکاری وزارت راه و شهرسازی و سایر مجموعه‌های مرتبط، با موفقیت به پایان رسید.»
حسین دهقان، سرپرست شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران، نیز با تشریح اقدامات این شرکت در آیین تشییع رهبر شهید، از انتقال رهبر شهید و خانواده ایشان و همچنین میهمانان مراسم توسط صنعت هوانوردی خبر داد.
وی گفت: «فرودگاه مشهد پس از آماده‌سازی کامل، فعالیت خود را از سر گرفت و با حداکثر ظرفیت عملیاتی به ارائه خدمات پرداخت. نتیجه این تلاش‌ها آن بود که در اولین جمعه پس از پایان جنگ، بیشترین حجم پرواز در فضای کشور به ثبت رسید و بیش از ۴۰۰ پرواز داخلی و بین‌المللی با موفقیت انجام شد.»

آگهی دعوت به مجمع عمومی سالیانه صاحبان سهام برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
شرکت عمران توسعه شاهد
شرکت عمران و توسعه شاهد شماره ثبت: ۱۸۶۳۶۶ (سهامی عام)
شماره ثبت ۱۸۶۳۶۶ شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۵۳۰۰۳
بدین وسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت عمران و توسعه شاهد(سهامی عام) و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی سالیانه این شرکت که رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ در محل استان تهران، خیابان شریعتی نرسیده به سه راه طالقانی جنب سینما پلاک ۱۷۳ برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.
سهامداران محترم و یا وکلای قانونی آنان می‌توانند در ساعت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ به امور سهام شرکت عمران و توسعه شاهد واقع در محل استان تهران - خیابان فاطمی - بین خیابان کاج و وزارت کشور - پلاک ۸۷ - طبقه سوم، جهت دریافت کارت ورود به مجمع مراجعه و یا با تلفن ۸۸۹۸۵۶۴۰-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند، همراه داشتن کارت ملی جهت صدور برگه ورود به جلسه مجمع الزامی است.
همچنین با عنایت به مصوبه‌شماره ۱۲۸۴۴۱/۱۲۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ سازمان بورس و اوراق بهادار سهامداران محترم می‌توانند جهت مشاهده برخط مجمع و طرح سؤالات خود به لینک تهیه شده در سایت شرکت به آدرس https://omranshahed.com مراجعه نمایند.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیأت‌مدیره و گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۲- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به‌صورت‌های مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۳- انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۵- اتخاذ تصمیم درخصوص تقسیم سود
۶- تعیین پاداش عملکرد هیأت‌مدیره و حق حضور اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره
۷- سایر مواردی که صلاحدید مجمع باشد.
هیأت‌مدیره شرکت عمران و توسعه شاهد

آگهی مناقصه عمومی
صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان
شماره ۲۷-۱۴۰۵
موضوع مناقصه: خرید قطعه آلومینیومی به ابعاد ۴۸/۳۸×۹۳/۳۸ mm به تعداد ۷۵۰۰۰ عدد
الف: ضمانت شرکت در مناقصه: حاوی سپرده شرکت در مناقصه، ضمانت یاد شده به یکی از دو روش قابل ارائه می‌باشد: ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی یا چک صیادی و سفته هرکدام معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی (جمعا به میزان ۱۰٪ مبلغ کل پیشنهادی)
ب: مهلت دریافت اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵
ج: مهلت تحویل اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳
د: زمان بازگشایی: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵
محل دریافت اسناد مناقصه: کیلومتر ۴۵ جاده اصفهان مبارکه، روبه‌روی روستای باغ‌ملک، صنایع شهدای هفتم‌تیر اصفهان، معاونت بازرگانی «مدیریت خرید»
شماره تماس: ۶-۰۳۱-۳۳۹۷۳۲۲۵ ● ۰۳۱-۳۳۹۷۳۲۲۰
(هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد)
روابط عمومی صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان

آگهی مناقصه عمومی
صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان
مناقصه شماره ۲۸ - ۱۴۰۵
موضوع مناقصه: خرید تعداد ۱۵۰ هزار عدد درپوش مقوایی به سایز تقریبی ۱۸ mm × ۱۲۴
الف: ضمانت شرکت در مناقصه: حاوی سپرده شرکت در مناقصه، ضمانت یاد شده به یکی از دو روش قابل ارائه می‌باشد: ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی یا چک صیادی و سفته هرکدام معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی (جمعا به میزان ۱۰٪ مبلغ کل پیشنهادی)
ب: مهلت دریافت اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵
ج: مهلت تحویل اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳
د: زمان بازگشایی: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵
محل دریافت اسناد مناقصه: کیلومتر ۴۵ جاده اصفهان مبارکه، روبه‌روی روستای باغ‌ملک، صنایع شهدای هفتم‌تیر اصفهان، معاونت بازرگانی «مدیریت خرید»
شماره تماس: ۶-۰۳۱-۳۳۹۷۳۲۲۵ ● ۰۳۱-۳۳۹۷۳۲۲۰
(هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد)
روابط عمومی صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان

آگهی مناقصه عمومی
صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان
شماره ۲۹-۱۴۰۵
موضوع مناقصه: تبدیل ۴۲۰ تن شمش خالص آلومینیوم به ۱۱ ردیف متریال با اقطار مختلف
الف: ضمانت شرکت در مناقصه: حاوی سپرده شرکت در مناقصه، ضمانت یاد شده به یکی از دو روش قابل ارائه می‌باشد: ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی یا چک صیادی و سفته هرکدام معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی (جمعا به میزان ۱۰٪ مبلغ کل پیشنهادی)
ب: مهلت دریافت اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵
ج: مهلت تحویل اسناد: تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳
د: زمان بازگشایی: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵
محل دریافت اسناد مناقصه: کیلومتر ۴۵ جاده اصفهان مبارکه، روبه‌روی روستای باغ‌ملک، صنایع شهدای هفتم‌تیر اصفهان، معاونت بازرگانی «مدیریت خرید»
شماره تماس: ۶-۰۳۱-۳۳۹۷۳۲۲۵ ● ۰۳۱-۳۳۹۷۳۲۲۰
(هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد)
روابط عمومی صنایع شهدای هفتم تیر اصفهان

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی به‌شماره ۱/۱۴۰۵/۰۰۳
نوبت دوم
اروند پتروشیمی PGPIC
شرکت پتروشیمی اروند (سهامی عام) به‌عنوان مناقصه‌گزار در نظر دارد اجرای عملیات موضوع بند یک فراخوان حاضر را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی به یکی از اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
۱. موضوع و مدت مناقصه: بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری سایت شستشوی نمک شرکت پتروشیمی اروند به مدت ۲۴ ماه خورشیدی می‌باشد.
۲. میزان برآورد مناقصه: درجلسه توجیهی اعلام می‌گردد.
۳. زمان و نحوه توزیع اسناد مناقصه:
۳.۱. متقاضیان جهت دریافت اسناد می‌بایست به سایت پتروشیمی اروند به نشانی الکترونیکی www.arvandpvc.ir بخش کمیسیون معاملات مراجعه و پس از ثبت‌نام و تکمیل و تأیید ثبت‌نام خود نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام نمایند.
۳.۲. کلیه اطلاع‌رسانی‌ها، بارگذاری اسناد، ارسال دعوت‌نامه‌ها و غیره درخصوص مناقصه فوق‌الذکر از طریق پنل کاربری ثبت‌نام شده صورت می‌پذیرد و متقاضیان می‌بایست با مراجعه و کنترل روزانه پنل مربوط به خود در سامانه کمیسیون معاملات پتروشیمی اروند و همچنین شماره موبایل درج شده توسط مناقصه‌گر نسبت به بررسی روزانه، پیامک‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها را دریافت و اقدام نمایند. مناقصه‌گزار هیچ تعهدی درخصوص عدم مراجعه و یا هرادعای مناقصه‌گر جهت مراجعه به پنل کاربری و یا عدم دریافت پیامک‌های اطلاع‌رسانی مناقصه ندارد.
۳.۳. مدت زمان مراجعه به سایت الکترونیکی جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ لغایت ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ اعلام می‌گردد.
۳.۴. مناقصه‌گرانی که در سال‌های گذشته با این شرکت قرارداد مشابه موضوع مناقصه داشته اند، درصورت عدم ارائه گواهی حسن انجام کار از شرکت پتروشیمی اروند، پاکات و مدارک ارزیابی کیفی آنها بررسی نخواهد شد و از فرآیند مناقصه کنار گذاشته می‌شوند.
۳.۵. درصورتیکه مناقصه‌گری دادخواستی علیه پتروشیمی اروند در محاکم قضایی طرح کرده باشد یا پتروشیمی اروند علیه آن مناقصه‌گر دادخواستی صادر کرده که در زمان برگزاری مناقصه تعیین تکلیف نشده باشد، مناقصه‌گر فقط درصورت ایفای تعهدات با ایجاد رضایت کارفرما و ارائه ترک ادعای محضری می‌تواند در مناقصه شرکت نماید.
۴. میزان سپرده و نوع تضمین شرکت در مناقصه: میزان سپرده شرکت در مناقصه (۴۷۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال) به‌صورت (ضمانت‌نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی) و یا واریز وجه نقد به‌شماره حساب: ۰۶۰۹۴۲۰۰۳۰ و شماره شبا: IR۶۲۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶۰۹۴۲۰۰۳۰ به‌عهده بانک تجارت - شعبه شرکت پتروشیمی اروند.
۵. پیش نیازارزیابی کیفی متقاضیان:
۵.۱. پیش نیازهای ارزیابی کیفی متقاضیان براساس فرم ارزیابی کیفی صورت می‌پذیرد. بنابراین چنانچه مناقصه‌گری شرایط پیش نیازهای مندرج در اوراق کیفی را نداشته باشد، امکان حضور در مناقصه را نخواهد داشت.
(توجه: لازم به ذکر است الزامات عنوان شده، پیش شرط بررسی اسناد ارزیابی کیفی مناقصه‌گر می‌باشد و عدم ارائه هرکدام از موارد ذکرشده منجربه عدم بررسی اسناد می‌شود).
۵.۲. حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی: امتیاز ۶۵ می‌باشد.
۵.۳. مناقصه‌گران می‌بایست اسناد ارزیابی کیفی خود را مطابق برنامه زمان‌بندی تعیین شده (بند شماره ۶) به‌صورت فایل PDF و منطبق بر فرمهای ارزیابی کیفی به‌صورت آنلاین و الکترونیکی بر روی سامانه کمیسیون معاملات به آدرس: arvandpvc.ir بارگذاری و ارسال نمایند (تحویل فیزیکی اسناد نداریم). به شرکت‌هایی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند، اسناد مناقصه و برنامه زمان‌بندی تحویل پاکات (الف-ب و ج) از طریق دعوت‌نامه سیستمی ارسال می‌گردد.
۶. زمان و نحوه بارگذاری مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران: مناقصه‌گران می‌بایست مدارک ارزیابی کیفی خود را حداکثر تا ساعت ۱۷:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ با مراجعه به پنل کاربری خود در زمان مذکور و به‌صورت فایل PDF بارگذاری نمایند.
چنانچه مناقصه‌گری مدارک پیشنهادی خود را عمداً یا سهواً و به هردلیل به محل دیگری به غیر از نشانی مندرج در بند ۶، بارگذاری نماید، مدارک پیشنهادی وی تحویل نشده تلقی خواهد شد و هیچ گونه مسؤولیتی در این خصوص متوجه مناقصه‌گزار نخواهد بود.
۷. پیش پرداخت: دارد، در جلسه توجیهی و در قبال ارائه ضمانت‌نامه معتبر بانکی، اعلام می‌گردد.
۸. تعدیل: دارد.
متقاضیان شرکت در مناقصه درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر، می‌توانند با شماره تلفن: ۰۶۱۵۲۱۳۶۴۷۶ تماس و همچنین آگهی فوق را از طریق نشانی اینترنتی www.arvandpvc.ir ملاحظه نمایند.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی اروند

آگهی مزایده عمومی
یک شرکت صنعتی واقع در اصفهان در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش رساند. لذا کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۱۶-۰۳۱-۵۲۳۲۲۳۱۱ داخلی ۸۴۴۸۸ تماس حاصل نموده و پس از هماهنگی جهت دریافت اسناد مزایده به این صنایع مراجعه نمایند.

ردیف	عنوان	واحد اندازه‌گیری	مقدار قابل فروش
۱	ضایعات سفاله آلومینیوم	کیلوگرم	۲۵۰۰۰
۲	ضایعات پروفیل و پنجره آلومینیوم	کیلوگرم	۴۸۰۰
۳	ضایعات شیشه	کیلوگرم	۷۰۰۰

روابط عمومی شرکت صنعتی

تنگه هرمز همچنان مولفه تعیین کننده در بازار انرژی جهان است

آرامش شکننده در بازار نفت

گزارش

زوزان نقشبندی
گروه اقتصادی

با وجود افزایش ریسک‌های ژئوپلتیکی، بازار نفت هنوز جهش قیمتی قابل توجهی را تجربه نکرده است؛ زیرا جریان انتقال نفت از تنگه هرمز ادامه دارد و هنوز نشانه‌ای قطعی از کاهش عرضه جهانی مشاهده نمی‌شود. تنش‌های تازه در خلیج‌فارس بار دیگر نگاه‌ها را به بازار جهانی نفت دوخته است. حمله به برخی کشتی‌های تجاری و افزایش رویارویی میان ایران و آمریکا، نگرانی‌ها درباره احتمال اختلال در تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز را تشدید کرده است.

با این حال، بازار نفت تاکنون واکنش هیجانی نشان نداده و قیمت‌ها همچنان در محدوده‌ای نوسان می‌کنند که از نگاه تحلیلگران، بیانگر انتظار معامله‌گران برای تداوم جریان عرضه است. در این میان، تنگه هرمز همچنان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ژئوپلتیکی ایران به شمار می‌رود. بسیاری از کارشناسان بین‌المللی معتقدند ایران بیش از آنکه به دنبال بستن کامل این آبراه باشد، از ظرفیت راهبردی آن برای تقویت موقعیت خود در مذاکرات سیاسی و افزایش قدرت بازدارندگی استفاده می‌کند. به گزارش «اکونومیک تایمز»، تا زمانی که تنش‌های ژئوپلتیکی ادامه داشته باشد، «حق بیمه ریسک» در قیمت نفت باقی خواهد ماند. حتی بدون کاهش تولید، نگرانی درباره امنیت نفتکش‌ها، افزایش هزینه‌های بیمه و حمل‌ونقل دریایی و احتمال اختلال در زنجیره تأمین می‌تواند نوسان قیمت‌ها را تشدید کند.

با وجود این، افزایش تنش‌های سیاسی لزوماً به معنای جهش حتمی قیمت نفت نیست. امیرمیثم نیکفر، کارشناس اقتصاد انرژی و استاد دانشگاه، در گفت‌وگو با «ایران» تأکید می‌کند که مسیر قیمت نفت را نه صرف وقوع بحران‌های سیاسی، بلکه تأثیر آن بحران‌ها بر عرضه واقعی نفت تعیین می‌کند. به گفته او، تا زمانی که جریان عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز مختل نشود، بازار دلیل کافی برای تغییر جدی انتظارات و افزایش شدید قیمت‌ها نخواهد داشت.

آیا قیمت نفت می‌تواند باز هم جهش کند؟

با وجود افزایش تنش‌های ژئوپلتیکی در منطقه، بازار جهانی نفت هنوز واکنش تندی به این تحولات نشان نداده و قیمت نفت همچنان زیر مرز ۸۰ دلار در هر بشکه نوسان دارد. در نگاه اول، این رفتار بازار ممکن است با انتظار سرمایه‌گذاران از تشدید تنش‌های منطقه‌ای همخوان نباشد، اما بررسی سازوکار قیمت‌گذاری نفت نشان می‌دهد معامله‌گران بیش از آنکه صرفاً به تحولات سیاسی واکنش نشان دهند، بر متغیرهای واقعی عرضه و تقاضا تمرکز کرده‌اند. امیرمیثم نیکفر، کارشناس اقتصاد انرژی و استاد دانشگاه، معتقد است مهم‌ترین ریسک بازار نفت نه صرف وقوع تنش‌های سیاسی، بلکه احتمال اختلال در جریان انتقال نفت از تنگه هرمز است؛ ریسکی که تاکنون به مرحله عملی نرسیده است.

در شرایط فعلی، نفتکش‌ها همچنان از تنگه هرمز عبور می‌کنند و جریان صادرات نفت به‌طور کامل متوقف نشده است. همین موضوع باعث شده بازار کاهش عرضه را به‌عنوان یک سناریوی قطعی در نظر نگیرد. معامله‌گران تا زمانی که نشانه روشنی از اختلال در تردد نفتکش‌ها مشاهده نکنند، انتظارات خود را به‌طور جدی تغییر نخواهند داد. در نتیجه، تعادل عرضه و تقاضای جهانی همچنان برقرار است و احتمال جهش شدید قیمت نفت در کوتاه‌مدت پایین ارزیابی می‌شود.

اهمیت ادامه تردد نفتکش‌ها برای اقتصادهای مصرف‌کننده نیز به پیامدهای تورمی افزایش قیمت نفت بازمی‌گردد. در شرایطی که اختلافات سیاسی تشدید شده یا توافق‌های موجود کنار گذاشته شود، بسیاری از بازیگران بین‌المللی تلاش می‌کنند بحران به‌گونه‌ای مدیریت شود که مسیر انتقال نفت از تنگه هرمز با اختلال جدی مواجه نشود. افزایش قیمت نفت می‌تواند هزینه انرژی و فشار تورمی قابل‌توجهی بر اقتصادهای مصرف‌کننده وارد کند. از این رو، حفظ امنیت مسیرهای انتقال نفت به یکی از اولویت‌های مهم بازیگران بین‌المللی تبدیل شده است.

اوپک‌پلاس و مسأله عرضه واقعی نفت

اوپک‌پلاس در تازه‌ترین تصمیم خود توافق کرده است از ماه اوت ۲۰۲۶، تولید نفت هفت عضو اصلی این ائتلاف را روزانه ۱۸۸ هزار بشکه افزایش دهد و روند بازگرداندن تدریجی کاهش تولید داوطلبانه را ادامه دهد. این اقدام با هدف حفظ تعادل بازار، جلوگیری از جهش قیمت‌ها و جبران بخشی از ریسک‌های ناشی از تنش‌های ژئوپلتیکی انجام شده است.

با این حال، نیکفر معتقد است اثرگذاری این سیاست به یک پیش‌شرط اساسی وابسته است: نفت تولیدشده باید امکان رسیدن به بازار جهانی را داشته باشد. به گفته او، افزایش تولید زمانی معنا پیدا می‌کند که امکان عرضه نیز وجود داشته باشد. اگر تولیدکنندگان نفت بیشتری استخراج کنند، اما به دلیل محدودیت‌های حمل‌ونقل یا اختلال در مسیرهای صادراتی نتوانند آن را به بازار برسانند، ناچار خواهند شد دوباره تولید خود را کاهش دهند. بنابراین، ظرفیت تولید به‌تنهایی تعیین‌کننده نیست و آنچه اهمیت دارد، ظرفیت عرضه واقعی است.

او یادآور می‌شود که انتقال نفت تنها به تنگه هرمز محدود نیست و روزانه حدود هشت میلیون بشکه نفت از طریق خطوط لوله به بازارهای جهانی ارسال می‌شود. به همین دلیل، حتی اگر تعداد نفتکش‌های عبوری از تنگه هرمز نسبت به اواخر اسفند ۱۴۰۴ حدود ۵۰ درصد کاهش پیدا کند، ممکن است میزان عرضه جهانی تغییر محسوسی نداشته باشد زیرا بخشی از صادرات از مسیرهای جایگزین انجام می‌شود.

از نگاه این کارشناس، مرز حساس بازار زمانی شکل می‌گیرد که کاهش تردد نفتکش‌ها به حدی برسد که عرضه واقعی نفت در بازار جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. به بیان دیگر، صرف کاهش تعداد کشتی‌های عبوری، بدون کاهش متناسب در حجم نفت تحویلی به بازار، الزاماً به جهش قیمت منجر نمی‌شود. نیکفر بر این باور است که اگر تردد نفتکش‌ها همچنان بیش از نیمی از سطح پیشین حفظ شود و مسیرهای جایگزین نیز فعال بمانند، بازار لزوماً با کمبود واقعی عرضه مواجه نخواهد شد. در این شرایط، انتظار افزایش قابل‌توجه قیمت نفت وجود ندارد و بازار احتمالاً در سطوح فعلی باقی خواهد ماند. اما اگر اختلال در تردد کشتی‌ها به کاهش محسوس عرضه جهانی منجر شود، معادله بازار تغییر خواهد کرد و قیمت‌ها می‌توانند وارد روندی صعودی شوند.

هزینه پنهان تحریم‌ها در درآمدهای نفتی ایران

هرچند تثبیت قیمت جهانی نفت در نگاه اول می‌تواند به معنای ثبات درآمدهای نفتی باشد، اما نیکفر معتقد است شرایط ایران از این قاعده به‌طور کامل تبعیت نمی‌کند. به گفته او، حتی اگر قیمت جهانی نفت تغییر محسوسی نداشته باشد، عواملی مانند تحریم‌ها، تخفیف‌های صادراتی و افزایش هزینه مبادلات می‌توانند درآمدهای نفتی کشور را کاهش دهند.

> در شرایط فعلی، نفتکش‌ها همچنان از تنگه هرمز عبور می‌کنند و جریان صادرات نفت به‌طور کامل متوقف نشده است. همین موضوع باعث شده بازار کاهش عرضه را به‌عنوان یک سناریوی قطعی در نظر نگیرد

نیکفر یکی از عوامل اثرگذار بر این وضعیت را درآمدهای مرتبط با تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز می‌داند. به گفته او، ایران برای یک دوره ۶۰روزه هیچ‌گونه عوارض یا هزینه خدماتی از کشتی‌های عبوری دریافت نمی‌کند. بنابراین ادامه تردد نفتکش‌ها اگرچه برای ثبات بازار جهانی اهمیت دارد، اما در این دوره درآمد مستقیمی از محل خدمات یا عوارض عبور برای ایران ایجاد نخواهد کرد. او همچنین تأکید می‌کند که محدودیت‌های صادراتی نقش مهمی در کاهش درآمدهای نفتی دارند. به گفته این کارشناس، پیش از تشدید دوباره تحریم‌ها، ایران نفت خود را با تخفیف کمتری عرضه می‌کرد، اما اکنون برای حفظ مشتریان ناچار است تخفیف‌های بیشتری ارائه دهد. این موضوع حتی در صورت ثابت ماندن حجم صادرات، درآمد حاصل از فروش نفت را کاهش می‌دهد. به باور نیکفر، مهم‌ترین اثر تحریم‌ها فقط کاهش صادرات نیست، بلکه افزایش هزینه انجام معاملات است. با محدود شدن دسترسی به شبکه بانکی و ابزارهایی مانند اعتبار اسنادی، انتقال پول دشوارتر شده و بخش قابل‌توجهی از مبادلات از مسیرهای غیرمتعارف یا به‌صورت نقدی انجام می‌شود.

این شرایط ریسک معامله را برای خریداران افزایش می‌دهد و ایران را ناگزیر به ارائه تخفیف‌های بیشتر می‌کند. همزمان، نقش واسطه‌ها در تجارت نفت ایران پررنگ‌تر شده است. بسیاری از خریداران دیگر به‌طور مستقیم از ایران نفت خریداری نمی‌کنند و واسطه‌ها به حلقه اصلی ارتباط میان فروشنده و خریدار تبدیل شده‌اند.

حضور این واسطه‌ها علاوه بر افزایش هزینه مبادلات، بخشی از ارزش معامله را نیز به خود اختصاص و در نهایت درآمد نهایی صادرات نفت را کاهش می‌دهد. به این ترتیب، حتی در شرایطی که قیمت جهانی نفت ثابت بماند، درآمد خالص ایران می‌تواند تحت تأثیر تخفیف‌ها، هزینه‌های انتقال پول، افزایش ریسک معامله و سهم واسطه‌ها کاهش پیدا کند.

چشم‌انداز قیمت نفت خام

به نظر می‌رسد چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار نفت همچنان به تحولات سیاسی و امنیتی خاورمیانه گره خورده است. ادامه تنش در تنگه هرمز می‌تواند قیمت نفت را در سطوح بالا نگه دارد و بر نوسانات بازار بیفزاید، اما تجربه بازار نشان داده است که نگرانی‌های ژئوپلتیکی به‌تنهایی برای ایجاد جهش پایدار قیمت کافی نیست. آنچه در نهایت مسیر بازار نفت را تعیین می‌کند، تأثیر این تحولات بر عرضه واقعی نفت است. تا زمانی که جریان صادرات از تنگه هرمز با اختلال جدی مواجه نشود و نفت تولیدشده بتواند از مسیرهای موجود به بازار برسد، واکنش بازار احتمالاً محتاطانه خواهد بود.

با این حال، اگر تنش‌ها به مرحله‌ای برسد که عبور نفتکش‌ها را به‌طور جدی محدود کند، مسیرهای جایگزین ظرفیت جبران کاهش عرضه را نداشته باشند و حجم نفت تحویلی به بازار جهانی کاهش یابد، شرایط تغییر خواهد کرد. در چنین وضعی، بازار با کمبود واقعی عرضه مواجه می‌شود و قیمت نفت می‌تواند وارد دوره‌ای تازه از افزایش و نوسان شدید شود. بنابراین تنگه هرمز همچنان یکی از مهم‌ترین نقاط تعیین‌کننده در بازار انرژی جهان است؛ اما اثرگذاری آن بر قیمت نفت به میزان اختلال واقعی در جریان عرضه بستگی دارد، نه صرفاً سطح تنش‌های سیاسی پیرامون آن.

اطلاع‌رسانی

«خپارس» از شاخص صنعت خودرو پیشی گرفت:

بازدهی ۵۹ درصدی سهام پارس خودرو

خبر

سهام شرکت پارس‌خودرو پس از بازگشایی نماد، با ثبت بازدهی ۵۹ درصدی، عملکردی فراتر از شاخص صنعت خودرو در بازار سرمایه به نمایش گذاشت و توجه فعالان بازار را به خود جلب کرد.
نماد «خپارس» از زمان بازگشایی تاکنون با رشد ۵۹ درصدی همراه بوده است. این در حالی است که شاخص صنعت خودرو در همین بازه زمانی حدود ۲۱ درصد افزایش یافته و سهام پارس‌خودرو با اختلافی قابل توجه، بازدهی بالاتری نسبت به میانگین صنعت خودرو به ثبت رسانده است.
این عملکرد، بیانگر اقبال سرمایه‌گذاران به سهام پارس‌خودرو و تقویت نگاه مثبت بازار به روند فعالیت‌های این شرکت است. هم‌زمان با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، افزایش تولید و بهبود شاخص‌های عملیاتی، «خپارس» توانسته جایگاه خود را در میان نمادهای صنعت خودرو تقویت کند.
تداوم روند مثبت معاملات این نماد، در کنار عملکرد عملیاتی شرکت، می‌تواند نشان‌دهنده افزایش اعتماد بازار سرمایه به چشم‌انداز پیش‌روی پارس‌خودرو و برنامه‌های آتی این خودروساز باشد.

پوپ اول
آگهی فراخوان
۷۷۰۰۴۰۵۰۸۹/ت‌ک‌م‌ع/۲۴۲۹
شرکت پالایش نفت تهران (سهامی عام)
دستگاه تراش میلگرد آج‌دار مخصوص پیچ‌بری و دستگاه رولینگ
آخرین مهلت ارسال مدارک، طبق بند۴ صفحه ۲ اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ می‌باشد.
برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت (www.torc.ir) بخش فراخوان‌ها مراجعه فرمایید.
TORC TENDERS
روابط عمومی و بین‌الملل شرکت پالایش نفت تهران

پوپ اول
آگهی فراخوان
۷۷۰۰۴۰۵۰۵۵/ت‌ک‌م‌ع/۲۴۰۸
شرکت پالایش نفت تهران (سهامی عام)
دستگاه هات تپ پنوماتیک
آخرین مهلت ارسال مدارک، طبق بند۴ صفحه ۲ اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ می‌باشد.
برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت (www.torc.ir) بخش فراخوان‌ها مراجعه فرمایید.
TORC TENDERS
روابط عمومی و بین‌الملل شرکت پالایش نفت تهران

آگهی مناقصه عمومی
ملارد شیر MALARDSHIR
نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر (سهامی عام) به نشانی استان البرز، جاده سهیلیه، زعفرانیه به سمت شهرک کوروش انتهای خیابان حکمت شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر تلفن تماس ۰۲۶۴۵۳۱۳۴۷۱
موضوع مناقصه: خرید،حمل،نصب و راه‌اندازی اتو ترانس(به‌صورت اتوماتیک)
بدین‌وسیله از کلیه متقاضیان ارجمند دعوت می‌نماید جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت شرکت به نشانی (malardshir.ir) و یا به‌صورت حضوری به آدرس استان البرز، جاده سهیلیه، زعفرانیه به سمت شهرک کوروش، انتهای خیابان حکمت، شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر مراجعه گردد و همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۶۴۵۳۱۳۴۷۱ داخلی ۳۱۰ آقای مظفری تماس حاصل نمایند.
مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد مناقصه: مطابق با کلیات شرکت در مناقصه
ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال واریز وجه نقد به‌شماره حساب ۵۹۹۸۹۸۸۲۸ بانک شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر یا چک صیادی ثبت شده به‌همراه رسید ثبت چک و یا ارائه ضمانت‌نامه معتبر بانکی.
زمان شروع مناقصه: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ لغایت ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
محل دریافت پاکت‌های مناقصه: شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر می‌باشد.
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات: تا پایان وقت اداری یکشنبه ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ می‌باشد.
تذکرات:
الف) به پیشنهادات فاقد امضا، مخدوش، مشروط، مبهم، ناقص و ارائه پس از انقضای مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.
ب) هزینه‌های مربوط به درج آگهی روزنامه و هزینه‌های برگزاری مناقصه به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
پ) شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر در قبول یا رد یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
ت) درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای مناقصه‌گزار نخواهد داشت.
ث) مشارکت به‌صورت سه پاکت می‌باشد که پاکت الف شامل ضمانت‌نامه و پاکت ب شامل مدارک مورد نیاز مطابق با کلیات شرکت در مناقصه (موجود در سایت شرکت) و پاکت ج فرم قیمت‌گذاری می‌باشد.
ح) فرم قیمت‌گذاری نیز در سایت شرکت در دسترس می‌باشد که پیشنهادهای قیمت اعلام شده می‌بایست در فرم مربوطه ارائه گردد.

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت بانک گردشگری (سهامی عام)
به‌شماره ثبت ۳۹۲۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۳۵۲۶۸
مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱
جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت بانک گردشگری (سهامی عام) به‌شماره ثبت ۳۹۲۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۳۵۲۶۸، به‌منظور بررسی عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ با دستور جلسه ذیل رأس ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ در محل سالن اجتماعات بانک گردشگری واقع در تهران، سعادت آباد، بلوار فرهنگ، نبش بن‌بست نور، طبقه ۷ برگزار خواهد شد.
دستور جلسه:
۱. استماع گزارش هیأت‌مدیره، حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت برای عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۲. بررسی و تصویب صورت‌های مالی شامل " صورت سود و زیان، صورت وضعیت مالی، صورت تغییرات در حقوق مالکانه، صورت جریان‌های نقدی" و عملکرد برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۳. تصویب و تنفیذ معاملات مشمول ماده ۱۲۹ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت
۴. انتخاب بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل و حسابرس مستقل و تعیین حق‌الزحمه ایشان برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۵. تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های قانونی بانک
۶. اتخاذ تصمیم درخصوص میزان حق حضور اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۷. سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.
بدین وسیله از کلیه سهامداران محترم، وکلا یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می‌گردد تا برای اخذ برگ ورود به جلسه و حضور در مجمع مذکور ضمن همراه داشتن کارت ملی، وکالت‌نامه رسمی یا برگه نمایندگی معتبر برای اشخاص حقوقی و اصل اوراق سهام (مدارک مالکیت سهام) از ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ به محل برگزاری مجمع مراجعه فرمایند.
توجه:
● یادآور می‌شود به همراه داشتن اصل شناسنامه و کارت ملی سهامدار یا نمایندگان ایشان و تحویل تصویر آن به همکاران مدیریت امور سهام جهت ورود به جلسه الزامی می‌باشد.
● سهامداران محترمی که امکان حضور در جلسه مجمع را ندارند، می‌توانند نسبت به مشاهده هم‌زمان، پیگیری برخط (آنلاین) مجمع و طرح پرسش‌های خود از طریق وب‌سایت بانک به آدرس www.tourismbank.ir، مراجعه نمایند.
● سهامداران محترم جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به پایگاه اطلاع‌رسانی بانک به نشانی www.tourismbank.ir و سامانه اطلاع‌رسانی کدال مراجعه فرمایند.
بانک گردشگری TOURISM BANK
هیأت‌مدیره بانک گردشگری

مریم نصراصفهانی از راهکارهای رسیدن به «زندگی اصیل» گفت

انسان فقط عقل نیست!

فلسفه اخلاق

مهرانه صبری
گروه اندیشه

در سنت فلسفی، «خودآیینی» اغلب با «انسان عقلانی» پیوند خورده است؛ انسانی که می‌تواند فارغ از فشارهای بیرونی درباره سرنوشت خویش تصمیم بگیرد و با عقل، مسیر زندگی‌اش را تعیین کند. اما در دهه‌های اخیر، بسیاری از فیلسوفان مدرن این تلقی را ناکافی دانسته‌اند. آنان بر این باورند که انسان تنها موجودی عقلانی نیست، بلکه همزمان در شبکه‌ای از روابط اجتماعی، عواطف، تجربه‌های زیسته و محدودیت‌ها و ظرفیت‌های بدنمند خود زندگی می‌کند. از همین منظر، بحث «زندگی اصیل» نیز دیگر صرفاً به خودشناسی عقلانی فروکاسته نمی‌شود، بلکه به توانایی فرد برای به‌کارگیری همه ابعاد وجودی خود در ساختن یک زندگی معنادار و آگاهانه گره می‌خورد. دکتر مریم نصر اصفهانی، استاد فلسفه اخلاق و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی، در نشست مجازی «صدای عقل؛ ندای معنا» با تشریح آرای دایانا تی. مایرز، به تبیین مفهوم «خودآیینی ارتباطی» پرداخت؛ رویکردی که در برابر برداشت صرفاً عقلانی از خودآیینی قرار می‌گیرد و بر نقش عواطف، روابط انسانی، جامعه و بدنمندی در شکل‌گیری زندگی اصیل تأکید می‌کند.

مریم نصر اصفهانی با اشاره به تلقی رایج از خودآیینی در فلسفه مدرن گفت: «در سنت فلسفی مدرن، «خودآیینی» معمولاً با تصویر انسانی گره خورده است که مستقل، عقلانی و خودتصمیم‌گیر است؛ انسانی که می‌تواند فارغ از فشارهای بیرونی درباره زندگی خویش تصمیم بگیرد و مسیر تحقق خود را برگزیند. با این حال، بسیاری از متفکران معاصر این تصویر را ناکافی می‌دانند. آنان یادآور می‌شوند که انسان نه فقط موجودی عقلانی، بلکه موجودی رابطه‌ای، عاطفی، اجتماعی و بدنمند نیز هست. آیا می‌توان از چنین موجودی انتظار داشت برای دستیابی به زندگی اصیل، بخش مهمی از ابعاد وجودی خویش را نادیده بگیرد؟»

تفکر انتقادی مهم‌ترین مهارت زندگی اصیل

او در ادامه با معرفی دیدگاه «دایانا مایرز» افزود که این فیلسوف معاصر تلاش کرده نشان دهد زندگی اصیل در سرکوب ابعاد مختلف وجود انسان تحقق نمی‌یابد، بلکه حاصل پرورش و به‌کارگیری خلاقانه همین ساحت‌هاست. به گفته او، مایرز خویشتن را دارای پنج بُعد می‌داند که هر یک به مهارت‌هایی ویژه نیاز دارند تا در خدمت زندگی اصیل قرار گیرند. این استاد فلسفه اخلاق درباره اولین ساحت خویشتن اصیل گفت: «نخستین بعد، «خویشتن مستقل و عقلانی» است؛ این ساحت از خویشتن می‌کوشد روایت زندگی فرد را به شکلی منسجم، سازگار و عقلانی سامان دهد و در برابر تلقین‌ها، تحمیل‌ها و فشارهای بیرونی مقاومت کند. مهارت محوری در این سطح «تفکر انتقادی» است؛ توانایی که به فرد اجازه می‌دهد میان خواسته‌های اصیل خود و انتظارات تحمیلی تمایز بگذارد.» نصر اصفهانی سپس به «خویشتن اجتماعی» پرداخت و با تأکید بر نقش جامعه در شکل‌گیری هویت فردی گفت: «دومین ساحت، «خویشتن اجتماعی» است؛ بخشی از وجود ما که در بستر سنت‌ها، آموزش‌ها، هنجارهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. بسیاری از روایت‌های کلاسیک، جامعه و روابط اجتماعی را منشأ ازخودبیگانگی می‌دانستند. در حالی که مایرز معتقد است راه‌حل، گریز از جامعه نیست، بلکه بازسازی مناسبات اجتماعی است. از این منظر، جمع‌های انسانی می‌توانند به پشتوانه‌ای برای زندگی اصیل بدل شوند؛ بویژه زمانی که بر پایه ارزش‌هایی چون مدارا، رواداری و شفقت شکل گرفته باشند.»

> راه رسیدن به زندگی اصیل، گریز از جامعه و روابط انسانی نیست. تحقق این خویشتن در انزوای عقلانی رخ نمی‌دهد، بلکه در تعامل با دیگران و با به رسمیت شناختن ابعاد عقلانی، عاطفی و اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود

زندگی اصیل فراتر از استدلال‌های عقلانی

او در بخش دیگری از سخنان خود، به اهمیت عواطف و روابط انسانی در تحقق زندگی اصیل اشاره کرد و گفت: «ساحت سوم، «خویشتن رابطه‌ای» است. در بسیاری از روایت‌های فلسفی و ادبی، قهرمان زندگی اصیل کسی است که برای تحقق خود، از نزدیک‌ترین پیوندهای عاطفی‌اش فاصله می‌گیرد. اما مایرز و بسیاری از فیلسوفان معاصر بر جنبه دیگری از عواطف تأکید می‌کنند؛ عواطف راهی برای شناخت و بازسازی خویشتن هستند. از این منظر، مهارت‌های مراقبت، همدلی و فهم عاطفی می‌توانند به افراد کمک کنند تا نه‌تنها خود را بهتر بشناسند، بلکه در مسیر تحقق رؤیاها و ارزش‌هایشان نیز گام بردارند.»

این استاد فلسفه اخلاق تصریح کرد مایرز در کنار ابعاد عقلانی، اجتماعی و رابطه‌ای، به لایه‌های پنهان روان انسان نیز توجه دارد. او در توضیح چهارمین بعد زندگی اصیل اظهار کرد: «چهارمین بعد، «خویشتن تقسیم‌شده» است؛ آن بخش از وجود انسان که میان خودآگاه و ناخودآگاه، میان خواسته‌های متعارض و انگیزه‌های پنهان در نوسان است. بسیاری از تنش‌ها و تعارض‌های درونی ما ریشه‌هایی دارند که از دید آگاهانه‌مان پنهان می‌مانند. نادیده گرفتن این ساحت می‌تواند توانایی ما را برای هدایت زندگی‌مان مختل کند. آگاهی از این بعد و تأمل در لایه‌های پنهان روان، امکان خودفهمی عمیق‌تر و مدیریت مؤثرتر اهداف و انتخاب‌ها را فراهم می‌آورد.»

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه به «خویشتن بدنمند» پرداخت؛ ساحتی که به اعتقاد مایرز، در تجربه زنان نمود ویژه‌تری دارد. وی گفت: «بدن زنانه به واسطه چرخه‌های زیستی و همچنین فشارهای ناشی از استانداردهای زیبایی و جوانی، همواره در معرض آسیب‌پذیری‌های خاصی قرار دارد. سنت فلسفی غالباً با نوعی بدگمانی به بدن نگریسته و آن را مانعی بر سر راه تعالی روح یا عقل دانسته است. اما تجربه تاریخی، چشم‌انداز متفاوتی را پیش روی ما قرار می‌دهد. بدنمندی تنها یادآور محدودیت‌های انسانی نیست؛ بلکه منبعی برای شناخت و عاملیت نیز هست.»

تحقق خویشتن اصیل در انزوای عقلانی اتفاق نمی‌افتد

برش

نصراصفهانی تأکید کرد که از منظر مایرز، زندگی اصیل نتیجه به رسمیت شناختن همه ابعاد خویشتن است. او گفت: «بر اساس این رویکرد، انسان موجودی صرفاً عقلانی نیست؛ موجودی است که همزمان عقلانی، عاطفی، اجتماعی، رابطه‌ای و بدنمند است. ازاین‌رو، زندگی اصیل نمی‌تواند صرفاً به خودشناسی فروکاسته شود؛ بلکه مجموعه‌ای از مهارت‌هاست: مهارت تفکر انتقادی، بازسازی ارزش‌ها، همدلی، خودفهمی و مراقبت. این مهارت‌ها به فرد امکان می‌دهند تا در دل روابط انسانی، در متن جامعه و با آگاهی از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های وجودی خود، زندگی اصیل‌تری را شکل دهد.» وی در پایان تصریح کرد: «در چنین تصویری، خویشتن اصیل یک هویت ثابت و منزوی نیست؛ بلکه فرآیندی دائمی از شدن، بازاندیشی، اصلاح و عمل است. تحقق این خویشتن در انزوای عقلانی اتفاق نمی‌افتد، بلکه در تعامل با دیگران امکان‌پذیر می‌شود. به رسمیت شناختن تمامی ابعاد خویشتن، نه‌فقط به شکوفایی فردی، بلکه به گسترش امکان‌های زیستن برای شمار بیشتری از انسان‌ها در یک جامعه یاری می‌رساند.»

مطالعات توسعه

مازیار عبدی
گروه اندیشه

مقصود فراستخواه در نشست «ایران مانا، با ملتی دانا و توانا» مطرح کرد

جامعه؛ حلقه مفقوده توسعه در ایران

دکتر مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، در نشست «ایران مانا، با ملتی دانا و توانا» با نقد الگوی توسعه در ایران، ریشه بسیاری از ناکامی‌های چند دهه گذشته را در غلبه نگاه بوروکراتیک، تکنوکراتیک و مهندسی بر فرآیند توسعه دانست.

به باور او، توسعه در ایران بیش از آنکه بر ظرفیت‌ها و زمینه‌های واقعی جامعه استوار باشد، از بالا و بدون توجه به بستر اجتماعی طراحی شده و همین امر آن را به «توسعه‌ای خودستیز» تبدیل کرده؛ توسعه‌ای که به جای کاهش تعارض‌ها، خود به تولید بحران‌های تازه انجامیده است.

فراستخواه با تأکید بر اینکه توسعه واقعی از دل جامعه و با تقویت سرمایه انسانی، اجتماعی و نمادین شکل می‌گیرد، معتقد است پاسخ‌های ساده به مسائل پیچیده، نه‌تنها راهگشا نبوده، بلکه به مزمن شدن مشکلات انجامیده است. از نگاه او، اولین گام در حل بحران‌ها، تبدیل «مشکل» به «مسأله» و صورت‌بندی دقیق آن است؛ امری که نیازمند شناخت عمیق جامعه و پذیرش پیچیدگی‌های آن است.

این جامعه‌شناس در بخش دیگری از سخنان خود، میان «مردم» و «ملت» تمایز قائل شد و شکل‌گیری ملت را نه صرفاً محصول اشتراک در زبان، تاریخ و سرزمین، بلکه نتیجه استقرار یک قرارداد اجتماعی مبتنی بر حقوق شهروندی، عدالت، آزادی بیان و پاسخگویی دانست. به اعتقاد او، مانایی ایران بیش از هر چیز به حفظ و تقویت جامعه و سرمایه‌های انسانی آن وابسته است و هرگونه فرسایش در پیوندهای اجتماعی، همدلی و «جامعه‌گی» می‌تواند آینده کشور را با مخاطره روبه‌رو کند.

فراستخواه همچنین با اشاره به تجربه تاریخی ایران، نقش «انسان ایرانی» را به‌عنوان نهادی پایدار برجسته کرد؛ نهادی که در فقدان ثبات سازمانی و نهادی، توانسته پیوستگی تاریخی و فرهنگی ایران را حفظ کند. او تصریح کرد که تضعیف سوژه انتقادی، کاهش عاملیت اجتماعی و فرسودگی ذهن جمعی، جامعه را با بحران‌های عمیق‌تری مواجه خواهد کرد.

او راه برون‌رفت از این وضعیت را حرکت به سوی جامعه‌محوری دانست؛ رویکردی که در آن دولت به جای جانشینی جامعه، زمینه بروز ظرفیت‌های آن را فراهم کند. از نگاه فراستخواه، توسعه زمانی پایدار خواهد بود که مردم بتوانند روایت زندگی خود را بسازند، کنشگری اجتماعی داشته باشند و در فضایی مبتنی بر اعتماد و حقوق، از «مردم» به «ملت» تبدیل شوند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی
شرکت توسعه صنایع نفت و گاز سرو سهامی خاص
به‌شماره‌ثبت ۲۳۵۴۹۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۶۴۲۹۸

بدین‌وسیله به‌اطلاع کلیه سهامداران محترم می‌رساند مجمع عمومی عادی شرکت توسعه صنایع نفت و گاز سرو سهامی خاص در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ رأس ساعت ۹ صبح در تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیخ بهایی شمالی، خیابان معصومی، پلاک ۴۴ برگزار می‌گردد. لذا از کلیه سهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می‌گردد جهت دریافت کارت ورود به جلسه مجمع از ساعت ۹ صبح لغایت ۱۶ عصر حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ به دبیرخانه مجمع واقع در خیابان ملاصدرا- خیابان شیخ بهایی شمالی - خیابان معصومی- پلاک ۴۴ طبقه سوم، واحد حقوقی مراجعه نمایند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی
۲- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۳- انتخاب اعضای هیأت مدیره
۴- انتخاب حسابرس و بازرسان قانونی
۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۶- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد.

هیأت‌مدیره

نوبت اول
فراخوان ارزیابی کیفی پیمانکاران
شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو)

شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو) در نظر دارد تا فراخوان ارزیابی کیفی پیمانکاران برای مناقصه عمومی دومرحله‌ای انتخاب پیمانکار عملیات اجرایی پروژه احداث فاز دوم پایانه آزادگان در خط ۳ مترو تهران، را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.Setadiran.ir و با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۳۸۵۰۰۰۰۰۳ برگزار نماید. متقاضیان درصورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور لازم است مراحل ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت دریافت اسناد و شرکت در مناقصه محقق سازند.

- انتشار اسناد فراخوان در سامانه: روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ ساعت ۸:۰۰
- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ ساعت ۱۸:۰۰
- آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ ساعت ۱۲:۰۰
- دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه(مترو) تهران به آدرس: بزرگراه شهید قاسم سلیمانی (رسالت)، نرسیده به اتوبان شهید باقری، جنب ایستگاه متروی شهید باقری، ساختمان شماره ۲۳۲

شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه(مترو)

آگهی فراخوان شرکت فولاد مبارکه اصفهان

ردیف	نوع آگهی	شماره آگهی	موضوع	مهلت ارسال مدارک
۱	مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)	۴۸۶۴۰۲۱۹	انجام عملیات نگهداری و تعمیرات آسانسورهای صنعتی خطوط تولید و ساختمان‌های اداری شرکت فولاد مبارکه	۱۴۰۵/۰۴/۲۷
۲	مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)	۴۸۶۳۷۱۹۱	انجام عملیات حمل جاده‌ای مواد اولیه و محصولات از فولاد خوزستان به شرکت فولاد مبارکه	۱۴۰۵/۰۴/۳۱
۳	مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)	۴۸۶۳۹۲۹۵	انجام عملیات حمل جاده‌ای مواد اولیه از منطقه اردکان یزد به شرکت فولاد مبارکه	۱۴۰۵/۰۴/۳۱
۴	فراخوان شناسایی و ارزیابی کیفی	۴۸۶۳۹۷۱۱	طراحی، مهندسی، تأمین، ساخت، حمل، نصب، تست، کالیبراسیون، اخذ مجوزها، انتقال داده‌ها، مانیتورینگ دوگانه (فولاد مبارکه و شرکت گاز استان)، اتصال به شبکه گاز، راه‌اندازی، آموزش و تحویل کامل پروژه تفکیک و جداسازی گاز متان واحدهای احیای مستقیم از سایر نواحی فولاد مبارکه به روش EPC	۱۴۰۵/۰۴/۲۷

جهت دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر درخصوص فراخوان‌های عمومی، ارزیابی کیفی، مناقصات و مزایدات به وبسایت شرکت به نشانی www.msc.ir قسمت مناقصات مراجعه و طبق راهنمای موجود نسبت به انتخاب فراخوان مورد نظر اقدام نمایید.

اطلاعات سایر فراخوان‌ها از طریق سایت شرکت و صفحه رسمی فراخوان‌های شرکت در شبکه‌های اجتماعی به‌نشانی @Ads_msc قابل دسترس می‌باشد.

۱۴۰۵/۰۱/۱۹

مدیریت ارتباطات و برند سازمانی گروه فولاد مبارکه

نوبت اول
آگهی مزایده عمومی
شماره ۰۲/ف ۱۴۰۵

یک شرکت دولتی در نظر دارد، مقدار تقریبی ۱۰۰ تُن گونی ضایعاتی بیگ بگ برابر مشخصات فنی مندرج در اسناد مزایده از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌ها دعوت به‌عمل می‌آید با ارائه معرفی‌نامه حداکثر به مدت ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی جهت دریافت اسناد مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت (همراه با سپرده شرکت در مزایده) به‌جز ایام تعطیل در ساعات اداری (۸ الی ۱۵) با شماره ایتا ۰۹۱۰۳۱۷۲۸۸۷ و جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۶۰۷۶۷۳۵ تماس حاصل فرمایند.

ضمنا هزینه درج دو نوبت آگهی به‌عهده برنده مزایده خواهد بود.

IRAN DAILY
1877
www.newspaper.iran-daily.com

مرحله دوم
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
سازمان نوسازی، توسعه وتجهیز مدارس کشور
خرید خدمات نظافت، پذیرایی و تأسیسات - نوبت دوم

نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: سازمان نوسازی، توسعه وتجهیز مدارس کشور: تهران خیابان شریعتی، بالاتر از پل رومی، خیابان شهید موسیوند، کوچه شهید لطیفی پلاک ۶ نشانی تارنما: www.dres.ir
موضوع مناقصه: خرید خدمات نظافت ،پذیرایی و تأسیسات ساختمان‌های ستادی سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور با ۱۰ نفر نیروی انسانی (۹ نفر آقا و ۱ نفر خانم) به شرح اسناد مناقصه.
مدت زمان اجرای قرارداد : از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۱ لغایت ۱۴۰۶/۰۳/۳۱ با شرایط ذکر شده در اسناد مناقصه .
نوع ومبلغ ضمانت شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه معتبر بانکی به مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با اعتبار سه ماه و قابل تمدید به‌نام سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور به‌شماره حساب تمرکز وجوه سپرده نزد بانک مرکزی IR ۸۷۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۰۶۰۷۱۴۰۵۸۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۲۴۵۹۲۱۰.
درصورتی که برندگان اول و دوم مناقصه حاضر به انعقاد قرارداد نگردند ضمانت آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
محل دریافت اسناد مناقصه: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد . لذا مناقصه‌گران باید در سامانه ستاد قبلا ثبت نام کرده باشند .
مهلت دریافت اسناد: از ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۸ لغایت ساعت ۱۸ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ نسبت به برداشت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
مهلت بارگذاری اسناد: متقاضیان شرکت در مناقصه پس از دریافت اسناد مناقصه و تکمیل آنها باید مدارک، مستندات و قیمت پیشنهادی را حداکثر تا ساعت ۱۸ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۱ در سامانه (ستاد ایران) به آدرس تارنمای سامانه بارگذاری نمایند.
مهلت بازگشایی پاکات: بازگشایی پاکات در ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ در محل سالن ویدئو کنفرانس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور انجام خواهد شد.
تبصره ۱: با عنایت به برگزاری یک مرحله‌ی مناقصه کمیسیون مربوطه پس از بررسی پاکت الف وکنترل صحت آن اقدام به بازگشایی پاکت ب وارزیابی مستندات فنی وبازرگانی مناقصه گران توسط کمیته فنی سازمان، نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور نموده و در صورت قابل قبول بودن کمیسیون مناقصه نسبت به بازگشایی پاکت ج اقدام می‌نماید. بدیهی است درصورت وجود نقص در هریک از مستندات ارائه شده پاکات الف و ب مناقصه‌گر از روند ادامه فرایند مناقصه خارج خواهد شد.
شرایط شرکت در مناقصه: سایر شرایط و ویژگی‌های مناقصه‌گران در شرایط واسناد مناقصه ارائه گردیده است.

سازمان نوسازی، توسعه وتجهیز مدارس کشور

نوبت دوم
آگهی دعوت سهامداران به مجمع عمومی فوق العاده
شرکت کارخانجات گچ آذربایجان (سهامی عام)
به شماره ثبت ۶۹۲ و شناسه ملی ۱۰۲۰۰۰۵۱۷۱۶

با توجه به مجوز اخذ شده در خصوص تبدیل نوع شرکت از سازمان بورس و اوراق بهادار به شماره ۱۲۲/۱۹۷۴۹۷ مورخ ۴۰۵/۰۳/۳۰ بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت کارخانجات گچ آذربایجان دعوت به‌عمل می‌آید رأس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ جهت شرکت در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده در دفتر مرکزی شرکت واقع در تبریز - قره باغی‌ها -کوچه فیضی - بلوار علامه طباطبائی جنوبی- روبه روی شهرداری منطقه یک - پلاک ۱۴- ساختمان گچ آذربایجان حضور به هم رسانند.
لذا مجمع عمومی فوق‌العاده به تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ کن لم یکن گردید.

دستور جلسه:
۱- تبدیل شخصیت حقوقی شرکت از سهامی عام به سهامی خاص
۲- تصویب اساسنامه جدید شرکت

هیات‌مدیره شرکت کارخانجات گچ آذربایجان

بررسی «ب.ام.و» سری ۲ گرن کوپه

این «دو» دوازده میلیارد آب می‌خورد

خودرویی که این روزها با قیمت میلیاردی در بازار کشورمان به دنبال مشتری است

نقد فنی

ارسلان سلیمانیان
گروه خودرو

درکنار انبوه محصولات چینی و آسیایی که طی یکی دو سال اخیر روانه بازار خودروی ایران شده‌اند، تعداد نسبتاً محدودی از محصولات صاحب‌نام اروپایی نیز شانس حضور در بازار ایران را پیدا کرده‌اند. محصولاتی که قرار است خلأ بازار خودروهای لوکس در کشورمان را پر کنند. یکی از این محصولات، ب.ام.و سری ۲ گرن کوپه است.

سری ۲ گرن کوپه از جمله محصولات جدید خودروساز مشهور آلمانی به شمار می‌آید که اولین بار در سال ۲۰۲۰ و در جریان نمایشگاه خودروی لس‌آنجلس معرفی شد. این خودرو در حقیقت همان نسخه سدان شده سری ۲ کوپه است. سری ۲ گرن کوپه مناسب افرادی بود که شیفته رانندگی اسپورت هستند اما دیگر سن و سالشان از خرید خودروهای کوپه گذشته! حالا گرن کوپه با دو در اضافه نسبت به مدل کوپه اینجاست و می‌خواهد برای کسب سهم بیشتری از بازار ایران با رقبای خود بجنگد.

چهره ظاهری

وقتی صحبت از یک خودروی آلمانی باشد، طبیعی است انتظارها از آن بالا باشد. در مورد سری ۲ گرن کوپه نیز این موضوع صدق می‌کند. ناگفته پیداست که ساختار طراحی یک خودرو سدان یا گرن کوپه با طراحی یک سوپراسپورت یا خودروی روباز متفاوت باشد. سری ۲ جدید، ترکیبی هنرمندانه از سادگی، مدرنیته و هیجان است. در طراحی این خودرو سعی شده سری ۲ چهره‌ای جذاب اما در عین حال موقر داشته باشد. طول، عرض و ارتفاع این خودرو به ترتیب ۴۵۴۶، ۱۸۰۱ و ۱۴۳۵ میلیمتر بوده که برای یک خانواده ۴ نفره کاملاً کافی به نظر می‌رسد. همچنین محفظه بار این خودرو فضای ۳۶۰ لیتری داشته که در صورت خواباندن صندلی‌ها به ۹۰۰ لیتر می‌رسد. شرکت ب.ام.و برای کاهش وزن این خودرو برای اولین بار از ترکیب مواد آلومینیومی و پلاستیک نرم استفاده کرده که این موضوع سبب شده تا نسل جدید سری ۲ گرن کوپه به مقدار ۱۰ درصد سبک‌تر از نسل قبلی باشد. در داخل کابین نیز با طراحی ساده اما مدرن مواجه هستیم. نباید از قلم انداخت که نمای داخلی خودرویی در این کلاس هیچ شباهتی به طراحی سری ۵ یا سری ۸ نخواهد داشت اما با این حال در همه نقاط کابین، مؤلفه‌های طراحی آلمانی به چشم می‌خورد و کیفیت متریال داخل کابین نیز کاملاً قابل‌قبول است.

ویژگی‌های فنی

اکنون نوبت آن رسیده که مشخصات فنی سری ۲ گرن کوپه را مورد ارزیابی قرار دهیم. موضوعی که نقطه قوت ب.ام.و در برابر رقبا خواهد بود. مهندسان آلمانی پیشرانه‌های مختلف بنزینی، دیزلی و هایبریدی را زیر کاپوت این خودرو جای داده‌اند. اولین انتخاب مشتریان می‌تواند یک پیشرانه ۴ سیلندر ۲ لیتری با قدرت ۲۴۱ اسب بخار باشد که در نسخه 228i به کار گرفته خواهد شد. همچنین یک پیشرانه ۳ سیلندر ۱/۵ لیتری با قدرت ۱۷۰ اسب بخار در نسخه 223i و یک پیشرانه ۳ سیلندر با قدرت ۱۳۶ اسب بخار در نسخه 220i در دسترس خواهند بود. همچنین نسخه دیزل این خودرو با نام 218d به یک پیشرانه ۴ سیلندر ۲ لیتری مجهز شده که می‌تواند ۱۵۰ اسب بخار قدرت و ۳۶۰ نیوتن متر گشتاور تولید کند.

اما نسخه‌ای که مجوز ورد به ایران را دریافت کرده با کد 225i به یک پیشرانه ۲ لیتری توربوشارژ مجهز شده که می‌تواند ۲۰۵ اسب بخار قدرت و ۳۰۳ نیوتن متر گشتاور تولید کند. این پیشرانه می‌تواند ظرف مدت حدود ۷ ثانیه 225i را از حالت سکون به مرز سرعت یکصد کیلومتر بر ساعت برساند.

وضعیت در بازار

شرکت ب.ام.و با گشاده‌دستی خوبی، سری ۲ گرن کوپه را به انواع آپشن‌ها مجهز کرده؛ از تجهیزات رفاهی سری ۲ می‌توان به سیستم صوتی حرفه‌ای ساخت «هارمن کاردون» با ۱۲ اسپیکر، صفحه نمایش ۱۰/۵ اینچی، شارژر بدون سیم موبایل، کنترل کشش هوشمند، گرمکن و سردکن فرمان، صندلی‌های برقی، کنترل ایستایی (HSA)، اتوپارک، سامانه هشدار خواب‌آلودگی راننده، دوربین ۳۶۰ درجه، سامانه نمایش اطلاعات روی شیشه جلو و سیستم تعلیق هوشمند با امکان انتخاب نوع رانندگی اشاره کرد. قیمت پایه سری ۲ از ۴۰ هزار دلار آغاز می‌شود. با این حال نسخه‌های وارداتی به ایران در نیمه تیرماه ۱۴۰۵ با قیمت تقریبی ۱۱ الی ۱۲ میلیارد تومان به فروش می‌رسند.

> وقتی صحبت از یک خودروی آلمانی باشد، طبیعی است انتظارها از آن بالا باشد. در مورد سری ۲ گرن کوپه نیز این موضوع صدق می‌کند. ناگفته پیداست که ساختار طراحی یک خودرو سدان یا گرن کوپه با طراحی یک سوپراسپورت یا خودروی روباز متفاوت باشد

فشار خودروسازان چینی باعث کاهش فروش بزرگ‌ترین خودروساز اروپا شد

فولکس‌واگن در مسیر عقب‌نشینی

ترجمه

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

اوضاع برای گروه فولکس‌واگن بار دیگر نگران‌کننده شده است؛ غول خودروسازی آلمان که سال‌ها یکی از ستون‌های اصلی صنعت خودرو جهان به شمار می‌رفت، حالا بار دیگر با افت فروش، فشارهای منطقه‌ای و ابهام در آینده برندها و محصولاتش روبه‌رو شده است. این شرکت به‌تازگی اعلام کرده قصد دارد تعداد مدل‌های خود را تا سقف ۵۰ درصد کاهش دهد. تصمیمی که به‌خوبی نشان می‌دهد مدیران فولکس‌واگن شرایط فعلی را کاملاً جدی تلقی می‌کنند و به دنبال کوچک‌سازی و تمرکز دوباره بر بخش‌های سودآورتر هستند.

به گزارش سایت motor1، بر اساس آمار منتشر شده، فروش کلی گروه فولکس‌واگن در سه‌ماهه دوم سال میلادی ۸/۶ درصد کاهش یافته است. عامل اصلی این افت، عملکرد بسیار ضعیف این گروه در بازار چین عنوان می‌شود؛ بازاری که طی سال‌های گذشته نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت بسیاری از خودروسازان جهانی داشته و حالا به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فولکس‌واگن تبدیل شده است.

در بازه زمانی آوریل تا ژوئن، فروش گروه فولکس‌واگن در چین با سقوطی سنگین و کم‌سابقه، ۳۶/۶ درصد افت کرد. اگر بازه زمانی طولانی‌تری را در نظر بگیریم، وضعیت همچنان نگران‌کننده است، چرا که فروش این شرکت در چین از ابتدای سال تاکنون ۲۵/۹ درصد کاهش داشته است. این افت شدید نشان می‌دهد فولکس‌واگن نه‌تنها در حفظ جایگاه قبلی خود در بزرگ‌ترین بازار خودروی جهان ناکام مانده، بلکه حتی عرضه محصولات برقی جدید و توسعه‌یافته برای بازار محلی نیز نتوانسته شرایط را به شکل محسوسی تغییر دهد.

مارکوس شوبرت، عضو کمیته اجرایی توسعه‌یافته گروه فولکس‌واگن در بخش فروش، در این‌باره گفته است: «وضعیت در چین همچنان چالش‌برانگیز باقی مانده است؛ بازاری که در آن، با وجود نشانه‌های اولیه مثبت از سوی خودروهای برقی تازه‌معرفی‌شده و توسعه‌یافته برای بازار محلی، نتوانستیم از افت قابل توجه حدود ۲۰ درصدی کل بازار در امان بمانیم. در مقیاس جهانی نیز شاهد افتی در حدود ۶ درصد در تحویل خودروها هستیم.»

این تنها چین نیست که فولکس‌واگن را تحت فشار گذاشته است. این خودروساز در خاورمیانه، آفریقا و سایر بازارهای منطقه آسیا-اقیانوسیه نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو بوده و نتوانسته عملکردی همسطح انتظارات ثبت کند. در چنین شرایطی، حتی رشد فروش در برخی مناطق دیگر جهان نیز نتوانسته اثر منفی افت شدید در آسیا را به‌طور کامل جبران کند.

روزنه‌های امید در دل آمارهای نگران‌کننده

در مقابل این افت‌ها، برخی بازارها برای فولکس‌واگن عملکرد بهتری داشته‌اند. فروش گروه فولکس‌واگن در آمریکای لاتین طی سه ماه گذشته ۹/۴ درصد افزایش یافته و از ابتدای سال نیز رشد ۸/۳ درصدی را ثبت کرده است. این آمار نشان می‌دهد هنوز بازارهایی وجود دارند که برندهای زیرمجموعه فولکس‌واگن در آنها از کشش مناسب برخوردارند و می‌توانند بخشی از ضعف بازارهای بزرگ‌تر را پوشش دهند.

در اروپا نیز شرایط برای فولکس‌واگن نسبتاً مطلوب‌تر بوده است. این گروه خودروسازی، بویژه در بازارهای اروپای مرکزی و شرقی، رشد قابل توجهی را تجربه کرده و موفق شده در سه‌ماهه دوم سال ۶/۷ درصد افزایش فروش به ثبت برساند. رشد فروش سالانه آن در این منطقه نیز به ۷/۲ درصد رسیده است. البته در اروپای غربی، آهنگ رشد بسیار کندتر بوده و فروش تنها ۱/۸ درصد در سه‌ماهه دوم افزایش داشته است. با این حال، عملکرد نیمه اول سال در این منطقه نیز مثبت ارزیابی می‌شود و رشد ۲/۹ درصدی را نشان می‌دهد.

در سوی دیگر، شرایط برای برخی برندهای مهم زیرمجموعه فولکس‌واگن چندان مطلوب نیست. پورشه همچنان با افت فروش مواجه است؛ موضوعی که شاید برای بسیاری از فعالان بازار شوکه‌کننده باشد. این خودروساز در سه‌ماهه دوم حدود ۳ هزار دستگاه کمتر خودرو فروخته و تقریباً فروش همه مدل‌هایش کاهش یافته است. تنها استثنا، پورشه 911 بوده که توانسته رشد ۳۹/۴ درصدی در سه‌ماهه دوم و رشد ۵۶/۳ درصدی در مقیاس سالانه ثبت کند. آئودی نیز عملکرد مطلوبی نداشته است. فروش این برند از آوریل تا ژوئن ۳ درصد کاهش یافته، هرچند برخی مدل‌ها مانند A3، A5، A6، Q5 و Q8 افزایش فروش را تجربه کرده‌اند. با این حال، کارنامه کلی آئودی در سال جاری همچنان منفی است و فروش این برند از ابتدای سال تاکنون ۱۷ درصد افت داشته است؛ آماری که نمی‌توان از کنار آن به‌سادگی عبور کرد.

گام بعدی فولکس‌واگن چیست؟

فولکس‌واگن ۲ روز پیش اعلام کرد که به‌صورت فوری فرآیند کوچک‌سازی سبد محصولات خود را آغاز خواهد کرد. بر اساس این برنامه، تعداد مدل‌های موجود در سبد این خودروساز تا ۵۰ درصد کاهش می‌یابد و مدل‌هایی که باقی می‌مانند نیز با کاهش شدید تنوع آپشن‌ها مواجه خواهند شد؛ به‌طوری‌که برخی از آنها تا ۷۵ درصد گزینه‌های سفارشی کمتری خواهند داشت. این شرکت اعلام کرده تمرکز خود را بر محصولات و فناوری‌هایی خواهد گذاشت که «بیشترین ارزش افزوده را برای مشتریان و بالاترین سهم ارزش‌آفرینی را برای گروه» به همراه داشته باشند. همچنین فولکس‌واگن تصمیم گرفته ظرفیت تولید سالانه خود را به ۹ میلیون دستگاه کاهش دهد. این در حالی است که این گروه در اوایل دهه ۲۰۲۰ سرمایه‌گذاری کرده بود تا ظرفیت تولید خود را به ۱۲ میلیون دستگاه در سال برساند.

آگهی مزایده عمومی
موضوع مزایده: فروش دو دستگاه Tower crane شرکت پتروشیمی ایلام
شماره مزایده: ILPC-A-05-002 نوبت اول
شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات، در نظر دارد مطابق مشخصات درج شده در اسناد مزایده، فروش دو دستگاه Tower crane شرکت پتروشیمی ایلام را طبق مشخصات مندرج در اسناد به مزایده بگذارد. لذا بدین‌وسیله از مزایده‌گران واجد شرایط دعوت می‌گردد از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۰ به نشانی ذیل:
www.ilampetro.ir / بخش کمیسیون معاملات/زیربخش مزایده مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام و حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ هر سه پاکت‌های الف، ب و ج خود را فقط به‌صورت فیزیکی در پاکت‌های مهر و موم شده به یکی از دو نشانی ذیل تحویل دهند: درج شماره موبایل و آدرس ایمیل بر روی پاکات الزامی می‌باشد.
تهران- میدان شیخ بهایی- پلاک ۱۸- ساختمان رایان ونک- طبقه پنجم- واحد ۵۰۸- واحد کمیسیون معاملات
ایلام - چوار - نرسیده به روستای آبزا - شرکت پتروشیمی ایلام - ساختمان مدیریت - واحد کمیسیون معاملات
بازدید از اقلام مزایده به‌صورت حضوری با درخواست کتبی، بلامانع است.
مزایده‌گر لازم است توانایی تودیع ضمانت‌نامه شرکت در مزایده به میزان ۵،۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (پنج میلیارد و دویست و پنجاه میلیون ریال) را داشته باشد.
سایر اطلاعات و جزییات مربوطه در اسناد مزایده آمده است.
در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مزایده‌گران می‌توانند با شماره تلفن: ۰۸۴۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۲۲۱۳/۴۲۱۵ و یا تلفن همراه: ۰۹۹۱۲۰۵۳۷۵۶ / ۰۹۱۸۸۴۱۵۸۳۴ تماس حاصل فرمایند.
آدرس: ایلام - چوار- نرسیده به روستای آبزا- شرکت پتروشیمی ایلام
تلفن: ۰۸۴-۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی: ۲۲۱۳-۴۲۱۵ تلفکس: ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸ کدپستی: ۶۹۳۶۱۵۹۷۰۰
روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام (سهامی خاص)

آگهی تجمیعی مزایدات
بشکه‌های پلاستیکی، فلزی و مخازن
نوبت اول
شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات، مزایدات زیر را به صورت مزایده عمومی یک مرحله‌ای به‌شرح ذیل برگزار می‌نماید:
۱-فروش ۳۰۰۰ عدد بشکه پلاستیکی ۲۲۰ لیتری (دست دوم)/ ضمانت‌نامه شرکت در مزایده به میزان ۵۲۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال (پانصد و بیست و پنج میلیون ریال)
ILPC-A-05-003
۲- فروش ۱۰۰۰ عدد بشکه فلزی ۲۲۰ لیتری (دست دوم)/ ضمانت‌نامه شرکت در مزایده به میزان ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (سیصد میلیون ریال)
ILPC-A-05-004
۳- فروش ۵۰ عدد مخزن پلاستیکی حفاظ دار ۱۰۰۰ لیتری (دست دوم)/ ضمانت‌نامه شرکت در مزایده به میزان ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ (نود میلیون ریال)
ILPC-A-05-005
لذا بدین‌وسیله از شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد درصورت تمایل به شرکت در این مناقصات، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۰ به تارنمای شرکت پتروشیمی ایلام به نشانی www.ilampetro.ir / بخش کمیسیون معاملات / زیربخش مزایدات مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایدات و حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ پاکات الف- ب- ج خود را به یکی از دو آدرس ذیل تحویل دهند: (درج شماره تماس موبایل، آدرس ایمیل و شماره مناقصه بر روی پاکات با مهر شرکت الزامی می‌باشد.)
- تهران، میدان شیخ بهایی، پلاک ۱۸، ساختمان رایان ونک، طبقه پنجم، واحد ۵۰۸ -واحد کمیسیون معاملات
- ایلام - چوار، نرسیده به روستای آبزا، مجتمع پتروشیمی ایلام- دبیر خانه کمیسیون معاملات
سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده آمده است. درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مزایده‌گران می‌توانند با شماره همراه ۰۹۹۱۲۰۵۳۷۵۶ یا شماره تلفن: ۰۸۴-۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۴۲۱۵-۲۲۱۳ تماس حاصل فرمایند.
آدرس: ایلام - چوار- نرسیده به روستای آبزا- شرکت پتروشیمی ایلام
تارنمای شرکت: www.ilampetro.ir / بخش کمیسیون معاملات / زیر بخش مزایدات
تلفن: ۰۸۴-۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی: ۲۲۱۳-۴۲۱۵ تلفکس: ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸ کدپستی: ۶۹۳۶۱۵۹۷۰۰
روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام (سهامی خاص)

رصد پلتفرم‌های آنلاین در اولین روز کاری بازار

رشد قیمت‌ها در بازار بی‌مشتری

بازار خودرو

گروه خودرو

بازار خودرو این هفته را با افزایش قیمت در آگهی‌های فروش آغاز کرد. افزایشی که بیش از آنکه از رونق معاملات حکایت داشته باشد، بازتاب رشد انتظارات در بازار است. هرچند در بسیاری از پلتفرم‌های خرید و فروش، قیمت خودروها نسبت به روزهای گذشته بالاتر رفته، اما همچنان خبری از رونق معاملات نیست و بازار در سایه رکود، روزهای کم‌رمقی را پشت سر می‌گذارد. فعالان بازار، افزایش غیررسمی نرخ دلار را یکی از دلایل رشد قیمت‌های پیشنهادی می‌دانند. با این حال، در شرایطی که تقاضا همچنان محدود است، مشخص نیست این افزایش قیمت تا چه اندازه دوام داشته باشد و به معاملات واقعی بازار برسد. بررسی قیمت خودروها در بازار طی شنبه ۲۰ تیرماه نیز نشان می‌دهد بخشی از خودروهای داخلی، مونتاژی و وارداتی با افزایش قیمت عرضه شده‌اند. جزئیات این تغییرات قیمت در بازار به شرح زیر است:

در میان خودروهای داخلی، قیمت صفر اطلس دنده‌ای تیپ GL، روز شنبه ۲۰ تیرماه به یک میلیارد و ۳۳۰ میلیون تومان رسید. درحالی که این خودرو روز چهارشنبه ۱۰ تیرماه (قبل از تعطیلات اخیر) ۱ میلیارد و ۲۸۰ میلیون تومان قیمت خورده بود.

در این میان پارس نوآ، هم افزایش قیمت را تجربه کرد و به ۲ میلیارد و ۵۰ میلیون تومان رسید. درحالی که این خودرو روز چهارشنبه ۱۰ تیرماه ۱ میلیارد و ۹۵۰ میلیون تومان قیمت داشت.

همچنین، قیمت صفر پراید 151GX، روز شنبه ۲۰ تیر ماه یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شد. این خودرو ۱۰ تیرماه ۱ میلیارد و ۵۰ میلیون تومان قیمت خورده بود.

قیمت صفر پژو ۲۰۷ پانوراما اتوماتیک TU5P، روز شنبه دو میلیارد و ۸۴۰ میلیون تومان تعیین قیمت شد. این خودرو ۱۰ تیرماه دو میلیارد و ۶۴۰ میلیون تومان تعیین قیمت شده بود.

قیمت صفر تارا اتوماتیک V4، روز شنبه دو میلیارد و ۶۹۰ میلیون تومان محاسبه شد. درحالی که این خودرو ۱۰ تیرماه ۲ میلیارد و ۵۴۰ میلیون تومان قیمت خورده بود.

در میان محصولات دیگر، قیمت صفر فیدلیتی الیت تیپ ۱ پنج نفره، روز شنبه ۵ میلیارد تومان محاسبه شد. این خودرو پیش‌تر در ۱۰ تیرماه ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان قیمت داشت.

قیمت صفر کی ام سی J7، روز شنبه ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان معامله شد. درحالی که این خودرو ۱۰ تیرماه ۴ میلیارد و ۴۵۰ میلیون تومان قیمت داشت.

همچنین، قیمت صفر کی ام سی T9، روز شنبه ۲۰ تیرماه ۶ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان محاسبه شد. این خودرو ۱۰ تیرماه ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان قیمت داشت.

قیمت صفر هایما 8S، روز شنبه ۵ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شد. درحالی که این خودرو ۱۰ تیرماه ۴ میلیارد و ۸۰۰ قیمت‌گذاری شده بود.

قیمت صفر ام وی ام X22 PRO دنده‌ای، در روز شنبه ۲ میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان معامله شد. این خودرو ۱۰ تیرماه ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان قیمت خورده بود.

در بازار خودروهای وارداتی، قیمت صفر آئودی Q4 e-tron مدل ۲۰۲۵ روز شنبه ۱۰ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان تعیین شد. این خودرو ۱۰ تیرماه ۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قیمت داشت.

قیمت صفر اپل کورسا مدل ۲۰۲۵ روز شنبه ۵ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان تعیین شد. درحالی که این خودرو ۱۰ تیرماه ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان قیمت خورده بود.

قیمت صفر ب ام و X2 مدل ۲۰۲۶ روز شنبه ۲۲ میلیارد تومان قیمت خورد. درحالی این خودرو ۱۰ تیرماه ۱۹ میلیارد تومان قیمت خورده بود.

همچنین، قیمت صفر اپل موکا با رشد ۱۰ درصدی مواجه شد و به ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسید. این خودرو پیش از این در ۱۰ تیرماه ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قیمت داشت.

اطلاع رسانی

مصرف بهینه انرژی برق، ضامن پایداری انرژی است

خبر

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای باختر با اشاره به افزایش دمای هوا و رشد مصرف برق در روزهای گرم سال، از صنایع، ادارات و همه بخش‌های مصرف‌کننده خواست با مدیریت مصرف و رعایت الگوهای بهینه، صنعت برق را در تأمین پایدار انرژی همراهی کنند. به گزارش روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای باختر «مجتبی داودآبادی» با تأکید بر اهمیت صرفه‌جویی در ساعات اوج مصرف اظهار کرد: با توجه به گرمای هوا و افزایش استفاده از وسایل سرمایشی، ضرورت دارد همه مشترکان به‌ویژه صنایع، واحدهای تولیدی، دستگاه‌های اجرایی و مراکز خدماتی، برنامه‌ریزی دقیقی برای کاهش مصرف برق داشته باشند.

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای باختر افزود: همکاری بخش‌های مختلف در جابه‌جایی مصارف غیرضروری به ساعات کم‌باری، استفاده بهینه از تجهیزات سرمایشی، تنظیم دمای مناسب و خاموش کردن وسایل برقی غیرضروری، نقش مهمی در حفظ پایداری شبکه و جلوگیری از بروز محدودیت‌های احتمالی دارد.

وی همچنین تصریح کرد: مدیریت مصرف انرژی نه‌تنها به تأمین برق مطمئن برای همه مشترکان کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و حمایت از تولید و خدمات‌رسانی پایدار در منطقه خواهد بود. مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای باختر در پایان از همه مشترکان به ویژه صنایع انرژی خواست با احساس مسؤولیت جمعی و رعایت توصیه‌های مدیریت مصرف، صنعت برق را در عبور موفق از روزهای گرم پیش‌رو یاری کنند.

انهدام باند بزرگ مواد مخدر با یک تن حشیش و تریاک

گروه حوادث: مرزداران سیستان و بلوچستان با اشراف اطلاعاتی و اجرای دو عملیات هدفمند، با انهدام یک باند سازمان‌یافته، موفق به کشف بیش از یک تن انواع مواد مخدر شدند.

سردار علی‌اکبر جاویدان، فرمانده مرزبانی فراجا در تشریح این خبر گفت: «پس از هفته‌ها رصد مستمر و اقدامات تخصصی، مسیرهای تردد قاچاقچیانی که قصد انتقال محموله‌های سنگین مواد مخدر به داخل کشور را داشتند، توسط مرزداران استان سیستان و بلوچستان شناسایی شد. در این سلسله عملیات دقیق که با پشتیبانی اطلاعاتی و استقرار تیم‌های عملیاتی در محورهای احتمالی تردد قاچاقچیان صورت گرفت، ضربه‌ای مهلک به پیکره این باند سازمان‌یافته وارد آمد و سوداگران مرگ در رسیدن به اهداف خود ناکام ماندند. در این عملیات در مجموع یک تن و ۳۵ کیلوگرم مواد مخدر شامل ۶۰۰ کیلوگرم حشیش و ۴۳۵ کیلوگرم تریاک کشف و ضبط شد.»

سردار جاویدان همچنین از دستگیری یکی از اعضای اصلی این باند و توقیف دو دستگاه خودروی حامل مواد مخدر خبر داد.

از گوشه و کنار ایران

غرق شدن دو برادر دوقلو در ساری

دو نوجوان ۱۵ ساله اهل استان گلستان که برای شنا وارد دریای فرح‌آباد ساری شده بودند، بر اثر گرفتار شدن در امواج جان باختند.

مرتضی علیزاده، سرپرست هیأت نجات غریق و غواص استان مازندران گفت: «سید یاسین» و «سید سبحان حجازی‌نژاد»، دو برادر دوقلوی ۱۵ ساله اهل روستای سرخنکلاته استان گلستان، بامداد جمعه هنگام شنا در دریای فرح‌آباد ساری گرفتار امواج شدند و جان خود را از دست دادند. این دو برادر که به همراه خانواده خود به مازندران سفر کرده بودند، حدود ساعت ۵ بامداد وارد دریا شدند و حادثه غرق‌شدگی برای آنان رخ داد. نیروهای ناجیان غریق پس از حضور در محل، پیکر هر دو نوجوان را از آب خارج کردند.

علیزاده همچنین با هشدار نسبت به شنا در مناطق فاقد نظارت ناجیان غریق تصریح کرد: «از زمان آغاز اجرای طرح دریا تاکنون، ۱۲ نفر در سواحل مازندران به دلیل شنا در مناطق ممنوعه و خارج از محدوده طرح‌های سالم‌سازی دریا جان خود را از دست داده‌اند. بیشترین موارد غرق‌شدگی در سواحل شهرستان‌های ساری، بابلسر، نوشهر و تنکابن به ثبت رسیده است.»

حمله خرس به یک دامدار

دامدار جیرفتی حین کار بر اثر حمله یک قلاده خرس مصدوم شد و به بیمارستان انتقال یافت.

به گزارش ایلنا، این دامدار از عشایر منطقه حفاظت‌شده زریاب جیرفت در جنوب کرمان بود که بر اثر حمله یک قلاده خرس سیاه، از ناحیه سر و دست و پا زخمی شد.

گفته می‌شود این دامدار، از سوی امدادگران اورژانس هوایی برای درمان به بیمارستان شهرستان جیرفت منتقل شده است.

خواب دختر بچه، قاتل پدرش را نجات داد

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ خواب دختر کوچک مقتول ۸ سال بعد از جنایت، قاتل پدرش را از چوبه دار نجات داد.

به گزارش «ایران»، شب یلدای سال ۹۷ بود که جنایتی تلخ در یکی از خیابان‌های شیراز رقم خورد. ماجرا از این قرار بود که مرد جوانی به نام شمشاد پای بساط فلافلش بود که خودروی پژویی از نزدیکی او رد شد و ظرف حاوی روغن فلافل‌های شمشاد را روی زمین ریخت. همین موضوع آغازی برای درگیری مرد ۳۹ ساله با راننده پژو بود. اما با وساطت مردم و کسبه محل راننده پژو سوار بر خودرواش شد و در حالی که مرد جوان را تهدید می‌کرد از آنجا رفت.

شمشاد مشغول به کار شد غافل از اینکه راننده پژو به سراغ دوستانش رفته و از آنها کمک خواسته است. با شنیدن این ماجرا، سه پسر لحظاتی بعد با اسلحه شکاری سوار بر خودروی پژو شده و به طرف شمشاد رفتند تا از او زهر چشم بگیرند. در این میان پسری که روی صندلی عقب نشسته بود با اسلحه شکاری به سمت شمشاد شلیک کرد و مرد فلافل فروش زخمی شد با وجود انتقال به بیمارستان و عمل جراحی چند روز بعد او جان باخت. به‌دنبال مرگ مرد جوان بازپرس جنایی شیراز وارد عمل شد و دستور بازداشت عاملان تیراندازی مرگبار را صادر کرد.

در تحقیقات صورت گرفته، راننده خودرو دستگیر شد.

دستگیری در نقطه صفر مرزی

حدود یک ماه از جنایت گذشته بود و تحقیقات نشان می‌داد عامل اصلی جنایت که پسری به نام میلاد بود قصد فرار از کشور و زندگی مخفیانه در آلمان را دارد. بنابراین کارآگاهان جنایی وارد عمل شده و درنهایت میلاد را در نقطه صفر مرزی و قبل از اینکه فرصت کند از ایران خارج شده و به ترکیه برود، دستگیر کردند.

با اعتراف متهم قضات دادگاه کیفری استان فارس رأی بر اشد مجازات صادر کردند و پرونده برای اجرا به دادسرای شیراز ارسال شد. در حالی که ۸ سال از این جنایت گذشته بود واحد صلح و سازش دادسرا و آذر شهسواری، یکی از صلح یاران شورای حل اختلاف شیراز برای گرفتن رضایت از اولیای دم جلساتی برگزار کردند اما موفق به جلب رضایت نشدند.

تا اینکه چند روز قبل خانواده مقتول به دادسرا رفته و بدون هیچ قید و شرطی از قصاص قاتل گذشت کردند.

رضایت بدون قید و شرط

همسر مقتول درباره انگیزه اولیای دم از گذشت گفت: «خوابی که دختر کوچکم که در زمان قتل پدرش ۳ سال بیشتر نداشت، دید جان انسانی را نجات داد. آن زمان دختر بزرگم ۹ ساله بود و خواهرش سه سال بیشتر نداشت. همسرم مرد زحمتکش و خوبی بود تحمل از دست دادنش آسان نبود. داغ همسرم از یک طرف و بزرگ کردن دو فرزندم و غم بی‌پدری آنها از طرف دیگر خیلی عذابم داد.

او ادامه داد: ما خواهان قصاص قاتل همسرم بودیم اما در این مدت دلمان نیامد که حکمش را اجرا کنیم. بین بخشیدن و قصاص مانده بودیم. دلمان پر از درد بود از طرفی قاتل هم جوان بود و بی‌شک قصاص او داغ سنگینی بر دل مادرش می‌گذاشت.

بر سر دو راهی بودیم که دختر کوچکم خواب عجیبی دید که زندگی ما را زیر و رو کرد. او چند روز قبل زمانی که از خواب بیدار شد به سراغم آمد و گفت: «قاتل بابا را ببخشیم چون من خواب دیدم. بابا در خواب به من گفت به مادرت بگو قاتلم را ببخشد. من از آسمان همیشه هوای شما را دارم.»

این خواب باعث شد اولیای دم تصمیم به گذشت بگیرند از سوی دیگر آنها از مسئولان زندان در مورد رفتار قاتل پرسیدند و زمانی که دریافتند قاتل در این مدت پشیمان بوده و کارهای خداپسندانه انجام داده است، تصمیم نهایی را گرفتند.

همسر مقتول که قیم دو دخترش بود، برگه بخشش قاتل را بدون هیچ چشمداشتی فقط برای رضای خدا امضا کرد.

پسر زندانی که خداوند و خانواده مقتول زندگی دوباره‌ای به او بخشیده‌اند در حالی که شکرگزار بود گفت: «از کاری که کردم خیلی پشیمانم اگر آن شب به جای درگیری، دوستم را آرام کرده بودیم نه خانواده مقتول داغدار می‌شدند و نه من ۸ سال از بهترین روزهای عمرم را پشت میله‌های زندان سپری می‌کردم. حالا هم باید منتظر محاکمه‌ام از جنبه عمومی جرم باشم. ای کاش به جای عصبانیت در لحظه‌های حساس زندگی اول کمی فکر کنیم و بعد تصمیم بگیریم.»

تشکیل پرونده قضایی در حادثه آتش‌سوزی یک پالایشگاه

گروه حوادث: آتش‌سوزی در مینی پالایشگاه خصوصی پلدختر، با ورود دستگاه قضایی منجر به احضار مدیرعامل این واحد صنعتی به‌دلیل بی‌توجهی به پروتکل‌های ایمنی و تذکرات پیشگیرانه شد.

به گزارش ایلنا، عصر روز جمعه حادثه آتش‌سوزی در مینی پالایشگاه خصوصی پلدختر رخ داد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که این حادثه ناشی از سهل‌انگاری در مدیریت پسماندهای روغنی بوده است.

علی امرایی، دادستان عمومی و انقلاب پلدختر با اشاره به تشکیل پرونده قضایی و احضار مدیرعامل این واحد گفت: «دو هفته پیش در جریان بازدید میدانی، تذکرات لازم و اخطارهای قانونی در خصوص ناایمن بودن محل دپوی پسماند روغن به مدیریت این مجموعه ابلاغ شده بود. اما بی‌توجهی به این اخطارها و سهل‌انگاری در اجرای پروتکل‌های ایمنی، مصداق بارز به خطر انداختن سلامت و امنیت عمومی است. دستورات قضایی لازم برای بررسی ابعاد دقیق حادثه، شناسایی مقصران و تعیین میزان قصور احتمالی صادر و مدیرعامل این مجموعه برای ارائه توضیحات احضار شده و پرونده به‌صورت ویژه در حال رسیدگی است.» امرایی در پایان با بیان اینکه این حادثه هیچ‌گونه تلفات جانی یا جراحت برای پرسنل شاغل در این واحد پالایشگاهی به همراه نداشته است، «حفظ جان کارگران» را خط قرمز دادستانی دانست.

دادگاه کیفری

متهم به قتل در دادگاه:

رفتار همسرم باعث قتل دخترم شد

گروه حوادث- کامران علمدهی/ مرد میانسال که متهم است در پی اختلافات خانوادگی دختر ۱۷ ساله‌اش را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده در دادگاه کیفری همسر سابقش را عامل این حادثه دانست.

به گزارش «ایران»، این حادثه فروردین سال ۱۴۰۴ مقابل یک آرایشگاه زنانه در اسلامشهر رخ داد و متهم مردی ۵۵ ساله و پدر مقتول بود. با حضور تکنیسین‌های اورژانس و مأموران پلیس، دختر جوان که با ضربات متعدد چاقو مجروح شده بود به بیمارستان منتقل شد اما به خاطر شدت جراحات وارده فوت کرد.

ضارب که مردی ۵۵ ساله و پدر مقتول بود چند ساعت بعد خودش را به پلیس معرفی و اعتراف کرد که دخترش را به قتل رسانده است.

با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای این جلسه مادر مقتول به قضات گفت: «بعد از ۲۷ سال زندگی با همسرم از او جدا شدم چون مرد شکاک و بددلی بود. او بارها من و فرزندانم را مورد ضرب و شتم قرار داده بود اما چند روز بعد از جدایی، او دخترمان را کشت. در طول زندگی مشترکمان چندبار متوجه شدم که به من خیانت کرده با این حال او را بخشیدم اما نه تنها متنبه نشد بلکه دخترم را هم کشت. دختر من بسیار پاک و نجیب بود و سالم زندگی می‌کرد. همسر سابقم می‌دانست در صورت قتل دخترش قصاص نمی‌شود به همین خاطر به سراغ دخترمان رفت و او را کشت. من به هیچ عنوان حاضر به گذشت نیستم و درخواست اشد مجازات و دیه دارم.»

پس از آن متهم به جایگاه رفت و با پذیرش اتهام خود گفت: «سال‌ها در یک شرکت کار می‌کردم و ۴ ماه مانده بود که بازنشسته شوم. با اینکه مدام کار می‌کردم تا با اضافه کاری خرج زندگی‌ام را درآورم اما بازهم مشکلات مالی داشتیم و به ناچار در اوقات استراحتم دستفروشی هم می‌کردم. چند سال قبل با زحمت فراوان خانه‌ای خریدم و بعد آن را به نام همسرم سند زدم.»

متهم افزود: «همسرم هم آرایشگاهی باز کرده و با دخترم مشغول کار شده بود. حتی در آرایشگاهش فالگیری هم می‌کرد. مدام مرا مجبور می‌کرد تا وام بگیرم. می‌گفت می‌خواهد آرایشگاهش را توسعه دهد اما با وام‌هایی که من می‌گرفتم بینی‌اش را عمل می‌کرد و برای خودش طلا و گوشی آیفون می‌خرید. با اینکه می‌دانست یکی از وام‌ها را برای معالجه مهره‌های گردنم گرفتم اما اصلاً برایش مهم نبود.»

متهم در ادامه گفت: «چند روز پیش از حادثه شب کار بودم که همسرم تماس گرفت و از من سوئیچ ماشین را خواست بعد هم فردا صبح پیامکی داد و گفت که زندگی ما از هم جدا شد. وقتی به خانه برگشتم دیدم قفل‌های خانه را عوض کرده و لباس‌هایم هم وسط حیاط است. یکی از قفل‌ها را شکستم و وارد خانه شدم و دیدم همسر و فرزندانم همه وسایل باارزش را با خودشان برده‌اند و خانه خالی است. همانجا رگم را زدم تا زنده نباشم اما پشیمان شدم و به دوستم گفتم من را به بیمارستان برساند. چند روز بعد هم به مقابل آرایشگاهی رفتم که دخترم کار می‌کرد می‌خواستم با او صحبت کنم. اما دخترم تا من را دید شروع به بدرفتاری کرد. از آنجا که چند شب نخوابیده بودم نتوانستم خودم را کنترل کنم و با چاقو ضرباتی به او زدم اصلاً نفهمیدم چه کار کردم. حالا هم در زندان قرص‌های قلبم را نمی‌خورم تا زودتر بمیرم. من دخترم را خیلی دوست داشتم و هرروز دلتنگش می‌شوم.»

مادر مقتول در واکنش به اظهارات متهم گفت: «خانه مال من بود با ارث پدری‌ام آن را خریده بودم. اما حالا متهم مدعی است او خانه را خریده و به نامم زده است.»

پس از آن وکیل متهم نیز گفت: «با توجه به شرایط روحی موکلم در صورت امکان اتهام قتل عمد به اتهام قتل شبه عمد تبدیل شود.» با پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۰۷۱

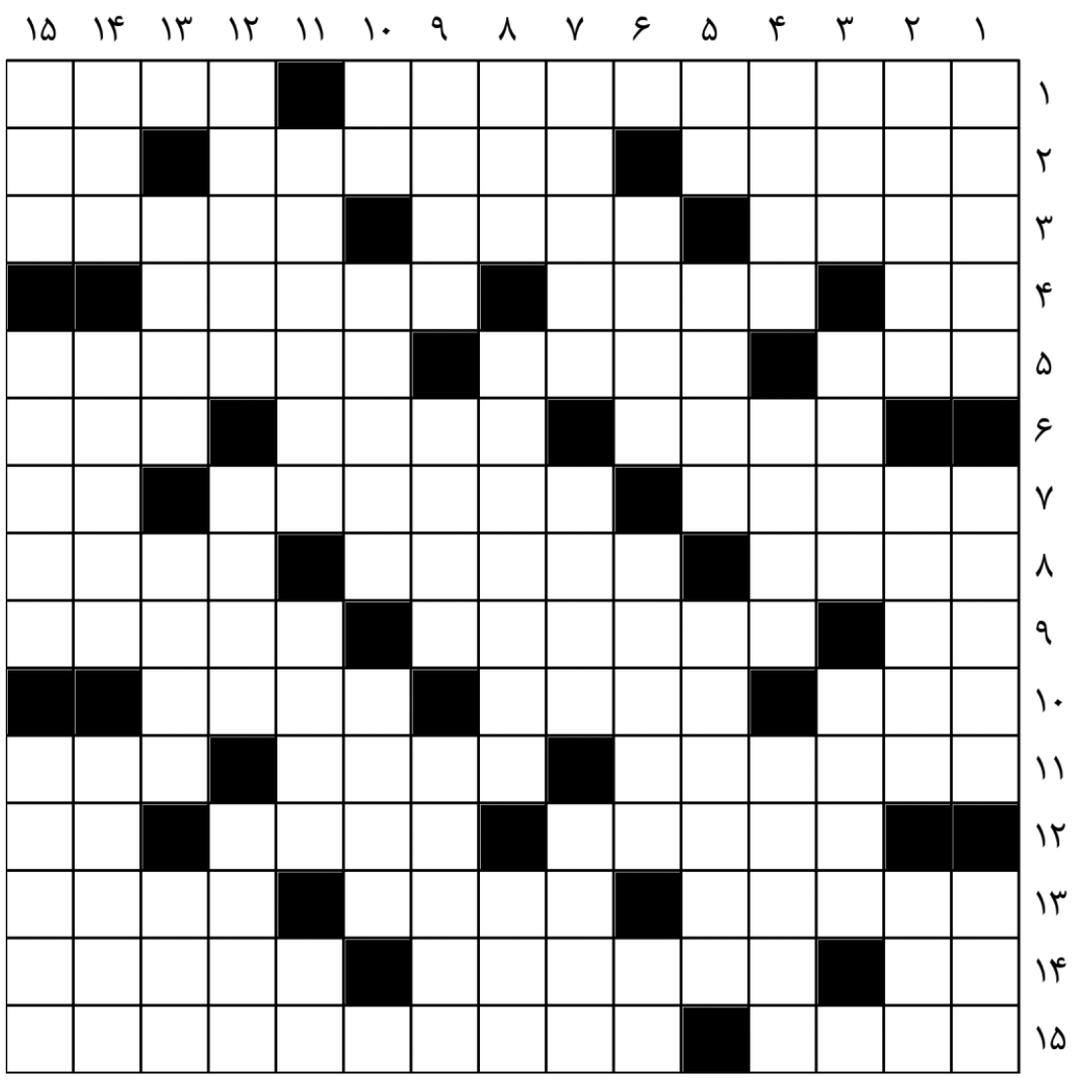

جدول عادی

افقی

۱- نام مجموعه شعری از نظامی گنجوی - برقرار و دایر
۲- مدد - شهر پالایشگاه - باریک‌تر از آن نیست
۳- سوره بنی‌اسرائیل - آب چشم - فرشته محبت
۴- شهر «حوزه علمیه» - «در» به زبان ترکی - اصطلاحی در فوتبال
۵- مزه سریع - خشک - دورو، سالوس
۶- وحشت - وجه و سبب - آشامیدن
۷- رسوا، بی‌آبرو - امتحان - ویتامین انعقادی
۸- محله شمال تهران - غله آردکُن - خداحافظی
۹- گذرگاه خون - نگران و پریشان‌خیال - وسطی
۱۰- مروارید چشم - از لوازم آرایشی - همراه قافیه آید
۱۱- این پرنده معمولاً محتاط است و بیشتر در میان پوشش گیاهی متراکم پنهان می‌شود - بین پیچ و مهره - با قصد قبلی
۱۲- چوبدستی - کشور آفریقایی - واحد سطح
۱۳- هرگز - اسم رمز موفقیت - کلام توضیح
۱۴- بله شیرازی - میوه گرمسیری - اینک
۱۵- رئیس مدرسه - سریالی کمدی و به یاد ماندنی ساخته رضا عطاران

عمودی

۱- شایستگی - طبیب بزرگ تاریخ - پر اهمیت
۲- از گل‌ها - مفرح و مصفا - از عناصر اربعه
۳- ماست چکیده - واحد شمارش مغازه و قنات - کشور نیشکر
۴- زین و برگ اسب - بی‌حرکت و بی‌جنبش - مجبور به کاری
۵- جانشین «او» - روزها، دوران - استان غرب ایران
۶- شکرگزاری - مارکی بر کامیون - آسیب
۷- وسیله رفت و روب - ایالت «هند» - گهواره
۸- محل تقاطع دو خیابان - غذای ایرانی - بوسه آبدار
۹- بر زیبایی و دوام کفش می‌افزاید - ورم و تورم - زن همنشین
۱۰- چوب خوشبو - مقابل «رعیت» - برومند، رستگار
۱۱- ژانر سریال «الگوریتم» (۱۴۰۴) - درجه‌درجه - سفید ترکی
۱۲- نام دخترانه - پسوند شستن - پسر مازنی
۱۳- تیردان - دفع کننده - اخمو
۱۴- دستور - جمع رکن - پیرو مانی
۱۵- درمان‌بخش بیماری - شعر خیام - رودی در بالکان

جدول ویژه

افقی

۱- فیلمی به کارگردانی مهرداد فرید - فعال
۲- سعی و فعالیت - ناحیه سرد و مرطوب - درجه صدا
۳- بردبار - هنر رزمی مدرن چینی - سلسله
۴- بیماری - نقاش فرانسوی - نجات یافتن
۵- کشور «گاندی» - با «درهم» آید - پشتکار و ممارست
۶- میراث‌خواران - مجلس قانونگذاری تایوان - نگاه ادبی!
۷- بازیگر فیلم‌های خنده‌دار - برابر ده متر - راز
۸- به کمک این تست علت فشار خون بالا بررسی می‌شود - نوعی آب‌وهوا - بالش
۹- تعجب زن - حماسه کهن - گیاهی خوشبو
۱۰- بافتن - شهر «نروژ» - خانه
۱۱- شناگری - سوغات زمستان - یار «اسطرلاب»
۱۲- شکست دشمن - ویرگول - خرس
۱۳- خنیاگر عصر ساسانی - محفل - سرگوسفند را می‌برد
۱۴- پول سامورایی‌ها - پایتخت «ترکیه» - خارج
۱۵- دین‌ورزی - بانوی دوبلور و گوینده معروف ایرانی

عمودی

۱- عبادتگاه مشرکان - واحد پول «جمهوری چک» - یک خط شعر
۲- برابر - شایسته - قطب مثبت جریان برق
۳- مقابل «پود» - نوعی عینک تیره - ذات و ماهیت
۴- گاو مصریان - رزمگاه بوکس - نگهبان تاکستان
۵- شامه‌نواز - عضو چشایی - دست درازی
۶- ارث‌برنده - عنصر مهم استخوان - اندک
۷- ماده درزگیر - گردنه شهر شیرگاه - خرمافروش
۸- شهر شمالی - شخصیت کارتونی برنده جایزه اسکار که توسط شرکت والت دیزنی تولید شده - جسور، لجوج
۹- جای پختن نان - سریالی با حضور بهنام تشکر - آگهی
۱۰- نام آذری - گلر سابق سپاهان - به‌هم سائیده شده
۱۱- کارآموز پزشکی - آفریده شدگان - ویتامینی در عدس
۱۲- خرس چینی - اسرار - دربند
۱۳- دیوانگی - ماشین زراعت - حالتی از سرما یا برخی بیماری‌ها
۱۴- غول برف‌ها - وسیله از بین بردن حشرات - درمان
۱۵- مارکی بر گوشی - بزرگ‌ترین شهر فارسی‌زبان جهان - تبسم

حل جدول عادی شماره ۹۰۷۰

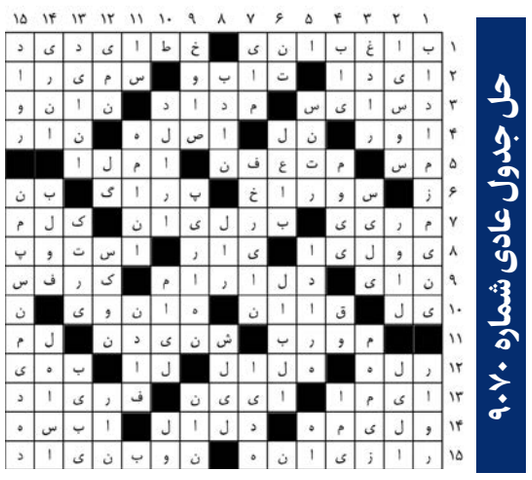

حل جدول ویژه شماره ۹۰۷۰

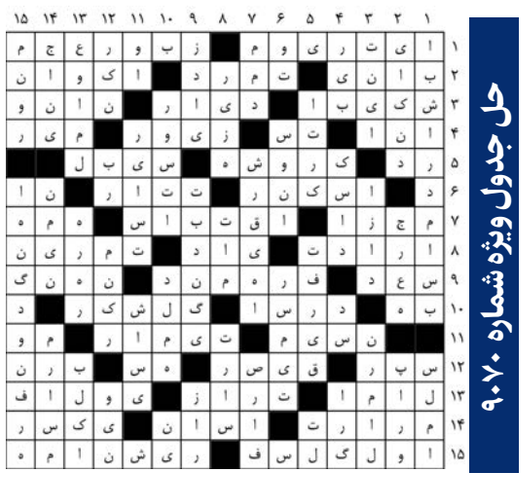

یادداشت

فرزاد آشوبی
بازیکن پیشین تیم ملی

چرخه معیوب تولید بازیکن

خداحافظی ستاره‌های بزرگ فوتبال دنیا از بازی‌های ملی، لزوماً به معنای پایان مسیر حرفه‌ای آنها نیست. بسیاری از این بازیکنان، تحت تأثیر شرایط خاص بدنی، فشردگی مسابقات یا ملاحظات حرفه‌ای، تصمیم می‌گیرند از رقابت‌های ملی کناره‌گیری کنند، اما همچنان در سطح باشگاهی به فعالیت ادامه می‌دهند. ادامه حضور این ستاره‌ها در باشگاه‌ها یک فرصت مغتنم برای فوتبال است. تصور فوتبال بدون ستاره‌ها دشوار است، بویژه آن‌که بسیاری از آنها هنوز از کیفیت فنی بالایی برخوردارند و می‌توانند لحظات جذابی برای هواداران رقم بزنند. در سوی دیگر، فوتبال ایران با یک چالش ساختاری جدی مواجه است؛ چرخه تولید بازیکن در این فوتبال معیوب است. همین مسأله باعث می‌شود بازیکنی حتی در سن ۳۸ سالگی نیز با امیدواری به کار خود ادامه دهد، چرا که رقیب جوانی برای به چالش کشیدن او وجود ندارد. در واقع، «کارخانه بازیکن‌سازی» در فوتبال ایران از کارایی لازم برخوردار نیست و نمی‌توان حضور معدود بازیکنانی مانند امیرحسین محمودی، پوریا شهرآبادی و امیرمحمد رزاقی‌نیا را نشانه پویایی این چرخه دانست. اگر قرار است روند جایگزینی بازیکنان در فوتبال ایران کوتاه‌تر و کارآمدتر شود، این کارخانه باید با ظرفیت و کیفیت بیشتری فعال شود. اضافه شدن چند بازیکن در طول سال، به‌تنهایی به معنای تولید صحیح بازیکن نیست. ضعف در این بخش، به‌طور طبیعی طول عمر حرفه‌ای فوتبالیست‌ها را بیش از حد معمول افزایش می‌دهد. البته نباید از این نکته غافل شد که پیشرفت در علم تمرین، ریکاوری و حرفه‌ای‌تر شدن سبک زندگی بازیکنان نیز به افزایش دوام آنها کمک کرده است. مشکل اصلی همچنان عدم توازن عرضه و تقاضا در فوتبال ایران است. کنار گذاشتن ناگهانی بازیکنان باتجربه و سپردن تمام فرصت‌ها به بازیکنان جوان، راه‌حل اصولی نیست؛ این در واقع پاک کردن صورت مسأله است. فوتبال باید با پرورش بازیکنان جوانِ باکیفیت، به‌طور طبیعی نسل قبلی را کنار بزند. در چنین شرایطی، انتخاب مربی نیز بر پایه کیفیت خواهد بود، نه سن و تجربه. در سال‌های اخیر، بازیکنان جوانی در فوتبال ایران حضور داشته‌اند که می‌توانستند روند تغییر نسل را در تیم ملی رقم بزنند. برخی از آنها حتی در ترکیب تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ حضور داشتند، اما فرصت بازی پیدا نکردند. بازیکنانی مانند امیرحسین محمودی و رزاقی‌نیا در عمل با بی‌مهری مواجه شدند و فرصت خودنمایی نیافتند. تیم ملی ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند تغییر در نقشه راه است. سال‌هاست که فوتبال ایران، چه در سطح باشگاهی و چه در سطح ملی، در آسیا به موفقیت چشمگیری دست نیافته است. آخرین قهرمانی باشگاهی به سال ۱۳۹۱ بازمی‌گردد و در سطح ملی نیز آخرین افتخار قابل توجه به تیم زیر ۲۳ سال در بازی‌های آسیایی و دوران برانکو مربوط می‌شود. پرسش اینجاست؛ چه اشکالی دارد که از موفقیت‌های مقطعی و زودگذر عبور کنیم و به سمت یک برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت حرکت کنیم؟ شاید اگر تیم ملی در جام جهانی، به‌جای نتیجه‌گرایی صرف، بر ارائه فوتبال باکیفیت تمرکز می‌کرد، فضای عمومی نیز دستخوش تغییر و فشار از روی مربیان و بازیکنان برداشته می‌شد و زمینه برای رشد فنی و کیفی فوتبال ایران فراهم می‌آمد. اما وقتی همه‌چیز در جام جهانی خلاصه می‌شود، مسیر توسعه متوقف خواهد شد. فشار بیش از حد برای کسب نتایج فوری، بدون در نظر گرفتن فرآیندهای لازم، فوتبال را در یک چرخه معیوب گرفتار می‌کند؛ چرخه‌ای که در آن ریسک‌پذیری و جسارت کاهش می‌یابد و هدف، صرفاً دستیابی به موفقیت‌های لحظه‌ای می‌شود. این مسأله نه فقط به بازیکنان و مربیان، بلکه به ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیری در فوتبال ایران بازمی‌گردد؛ جایی که نیازمند نگاهی مدرن و آینده‌نگر است. هرچند برنامه‌های کوتاه‌مدت بخشی از مدیریت هستند، اما نگاه مدیریتی در فوتبال ایران اغلب به همین سطح محدود می‌شود. برای دستیابی به موفقیت پایدار، باید برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به‌صورت هم‌زمان و هماهنگ تدوین و اجرا شوند.

مستطیل سبز

بلژیک قربانی اشتباه مرگبار

مانور قدرت ماتادورها

گروه ورزشی / تقابل اسپانیا و بلژیک بیش از آن‌که یک بازی معمولی باشد، نمایش ظریفی از برتری ساختاری «لاروخا» در مدیریت لحظات حساس بود؛ پیروزی ۲-۱ بازیکنان اسپانیا نه‌تنها صعود را تثبیت کرد، بلکه بار دیگر نشان داد این تیم چگونه حتی در روزهای نه‌چندان درخشان، نتیجه را کنترل می‌کند.

اسپانیا بازی را با مالکیت بالا و گردش سریع توپ آغاز کرد و مطابق انتظار، فابین رویز گل اول را به ثمر رساند؛ اما نکته قابل‌توجه، تداوم الگوی تعویض زودهنگام او بود. رویز برای سومین بار متوالی در یک بازی بزرگ پیش از دقیقه ۶۰ از زمین خارج شد؛ تصمیمی که نشان می‌دهد کادر فنی اسپانیا همچنان میان حفظ ریتم بازی و مدیریت توان بدنی او به جمع‌بندی نهایی نرسیده است.

در سوی مقابل، بلژیک با وجود نمایش منسجم دفاعی، در فاز نهایی فاقد دقت لازم بود. آنها تنها به اندازه شکستن رکورد ۶۵۰ دقیقه‌ای کلین‌شیت اونای سیمون خوب بودند، اما برای تغییر سرنوشت بازی کافی ظاهر نشدند. نقطه عطف مسابقه، اشتباه مرگبار لامنس در دقیقه ۸۸ بود؛ خطایی که در عمل فرصت رسیدن به تساوی و کشاندن بازی به پنالتی‌ها را از بلژیک گرفت. سناریویی که با حضور تیبو کورتوا می‌توانست کاملاً متفاوت رقم بخورد.

لامین یامال بار دیگر بدون ثبت گل یا پاس گل، عنوان بهترین بازیکن زمین را کسب کرد؛ آماری که نشان‌دهنده تأثیرگذاری فراتر از اعداد او در جریان بازی است.

اسپانیا حالا برای سومین بار در ۱۶ سال اخیر به نیمه‌نهایی رسیده و بار دیگر مقابل فرانسه قرار می‌گیرد؛ تیمی که در دو تقابل اخیر در همین مرحله، مغلوب لاروخا شده است. این تکرار، بیش از هر چیز آزمونی برای ثبات تاکتیکی اسپانیا و سنجشی جدی برای بلوغ نسل جدید این تیم خواهد بود.

«ایران» دلایل تعلل ملی‌پوشان برای خداحافظی و **تأخیر در جوانگرایی تیم ملی فوتبال** را بررسی می‌کند

مستطیل سبز در قبضه پیرمردها

سینا حسینی/ جام جهانی ۲۰۲۶ برای بسیاری از ستاره‌های تراز اول فوتبال جهان صرفاً یک تورنمنت عادی نبود، بلکه نقطه پایان مسیری پرافتخار به شمار می‌رفت. نام‌هایی چون مانوئل نویر، نیمار، کریستیانو رونالدو، خامس رودریگس، ریاض محرز، گیرمو اوچوآ، محمد صلاح و سادیو مانه با خداحافظی از تیم‌های ملی، پیامی روشن به هواداران فوتبال مخابره کردند؛ در فوتبال حرفه‌ای، زمان حتی برای بزرگ‌ترین‌ها نیز متوقف نمی‌شود. در کنار این خداحافظی‌ها، ابهام درباره آینده چهره‌هایی مانند لیونل مسی و هری کین نیز نشان می‌دهد جهان فوتبال با شتابی اجتناب‌ناپذیر در حال تجربه یک تغییر نسل گسترده است.

در چنین فضایی، تیم ملی ایران تصویری متفاوت و در عین حال نگران‌کننده ارائه می‌دهد؛ تیمی که در جام جهانی ۲۰۲۶ با میانگین سنی ۲۹.۸ سال، یکی از مسن‌ترین تیم‌های تورنمنت بود، بی‌آنکه نشانه‌ای جدی از یک پروژه هدفمند برای جوان‌گرایی در آن دیده شود. در حالی که طی سال‌های اخیر بارها کارشناسان و صاحب‌نظران نسبت به ضرورت تغییر نسل هشدار داده بودند، در عمل تصمیم‌ها همچنان در مدار محافظه‌کاری اجرا شد و خبری از خداحافظی بازیکنان پا به سن گذاشته فوتبال ملی نیست.

نگاهی دقیق‌تر به ترکیب ایران، این واقعیت را آشکار می‌کند که تیم ملی برای رهایی از ناکامی‌های سریالی در عرصه ملی، نیازمند یک پوست‌اندازی فوری و دگردیسی ساختاری است؛ تغییری که تنها با میدان دادن به استعدادهای جوان و مستعد می‌تواند تیم را از چرخه معیوب فعلی خارج کند. واقعیت تلخ آن است که با حضور بازیکنانی چون احسان حاج‌صفی (۳۶ ساله)، شجاع خلیل‌زاده (۳۷ ساله)، مهدی طارمی (۳۳ ساله)، روزبه چشمی (۳۳ ساله)، علیرضا جهانبخش (۳۲ ساله) و سعید عزت‌اللهی (۲۹ ساله)، انتظار خلق موفقیتی چشمگیر در سطح فوتبال ملی چندان واقع‌بینانه نیست. حضور همزمان چند بازیکن بالای ۳۳ سال در ترکیب اصلی، در سطح جام‌جهانی، یک شاخص هشداردهنده محسوب می‌شود؛ هشداری که در صورت بی‌توجهی می‌تواند حتی رقابت‌هایی مانند جام ملت‌های آسیا را نیز به فرصتی از دست رفته تبدیل کند و بار دیگر حسرت را برای فوتبال ایران به جا بگذارد.

در سوی مقابل، آمار تیم‌های موفق الگویی کاملاً متفاوت را نشان می‌دهد. اکوادور با میانگین سنی ۲۵.۷ سال، از بازیکنانی چون مویسس کایسدو (۲۴ ساله) و جرمی سارمینتو (۲۴ ساله) بهره برد. اسپانیا با میانگین ۲۶.۷ سال، ستاره‌ای ۱۸ ساله به نام لامین یامال را به‌عنوان مهره‌ای کلیدی به میدان فرستاد. آلمان به جمال موسیالا (۲۳ ساله) و فلورین ویرتس (۲۳ ساله) اعتماد کرد، انگلستان جود بلینگام (۲۳ ساله) و بوکایو ساکا (۲۵ ساله) را در مرکز پروژه خود قرار داد و فرانسه نیز با بازیکنانی مانند ادواردو کاماوینگا (۲۴ ساله) و اورلین شوامنی (۲۶ ساله)، نسل جدید را به‌طور کامل در ساختار تیم ادغام کرده است.

این روند تنها به فوتبال اروپا محدود نمی‌شود. در آسیا، ژاپن با میانگین سنی حدود ۲۶ سال، به بازیکنانی مانند تاکفوسا کوبو (۲۵ ساله) نقش محوری داده و همزمان استعدادهای زیر ۲۳ سال را نیز وارد چرخه تیم ملی کرده است. کره جنوبی نیز با تکیه بر بازیکنانی چون‌لی کانگ - این (۲۵ ساله) به‌وضوح مسیر نوسازی را در پیش گرفته است. حتی تیم‌هایی مانند ازبکستان با عبدالقادر خوسانوف (۲۲ ساله) و استرالیا با نسل جدید بازیکنان زیر ۲۵ سال نشان داده‌اند جوان‌گرایی در آسیا به یک روند جدی تبدیل شده است.

در چنین مقایسه‌ای، فاصله ایران با رقبا صرفاً یک اختلاف عددی در میانگین سنی نیست، بلکه نشانه‌ای از تفاوت در فلسفه تیم‌سازی است. این تفاوت در زمین مسابقه نیز به‌روشنی قابل مشاهده است؛ جایی که تیم‌های جوان‌تر با دوندگی بیشتر، ریکاوری سریع‌تر و انعطاف‌پذیری تاکتیکی بالاتر، بر تیم‌هایی که صرفاً به تجربه تکیه دارند، برتری پیدا می‌کنند. اما پرسش اساسی اینجاست که چرا ایران همچنان از این روند عقب مانده است؟ آیا برنامه‌ای مشخص برای جایگزینی تدریجی نسل فعلی وجود دارد یا تصمیم‌گیری‌ها همچنان به نتایج کوتاه‌مدت گره خورده است؟ تکیه مداوم بر بازیکنان بالای ۳۰ سال، هرچند ممکن است ثباتی مقطعی ایجاد کند، اما در بلندمدت هزینه‌ای سنگین به همراه دارد که مهم‌ترین آن از دست رفتن زمان طلایی برای پرورش نسل جدید خواهد بود.

مسأله تنها به انتخاب بازیکن محدود نمی‌شود، بلکه به چرخه‌ای معیوب در ساختار تصمیم‌گیری بازمی‌گردد؛ چرخه‌ای که در آن اعتماد به تجربه، به بهای حذف فرصت از جوانان تمام می‌شود. نتیجه این استراتژی، کاهش رقابت درون‌تیمی، افت پویایی و عقب ماندن از استانداردهای روز فوتبال جهان است. فوتبال حرفه‌ای امروز بیش از هر زمان دیگری به جسارت در تصمیم‌گیری نیاز دارد. خداحافظی به‌موقع ستاره‌ها نه یک تهدید، بلکه بخشی از فرآیند پیشرفت است؛ تیم‌هایی که این واقعیت را زودتر پذیرفته‌اند، امروز در مسیر رشد قرار دارند و آنهایی که در برابر آن مقاومت کرده‌اند، ناگزیر هزینه‌اش را پرداخته‌اند.

اکنون تیم ملی ایران در یک نقطه عطف قرار گرفته است. ادامه این مسیر به معنای عمیق شدن فاصله با فوتبال روز دنیا و حتی رقبای آسیایی خواهد بود. اما راه‌حل روشن است؛ تدوین یک نقشه راه مشخص برای انتقال نسل، کاهش تدریجی وابستگی به بازیکنان بالای ۳۰ سال و ایجاد فرصت واقعی برای بازیکنان زیر ۲۰ سال. بدون چنین تغییری، هر موفقیت احتمالی نیز کوتاه‌مدت و ناپایدار خواهد بود. فوتبال ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به یک تصمیم شجاعانه نیاز دارد؛ تصمیمی که از پذیرش یک واقعیت ساده آغاز می‌شود؛ هیچ نسلی، هر چقدر هم پرافتخار، قرار نیست برای همیشه ادامه داشته باشد.

حمید درخشان، مربی پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

با ستاره‌های بازنشسته منتظر یک ناکامی جدید باشید

پریسا غفاری / همزمان با ناکامی تیم ملی ایران در رقابت‌های جام جهانی و در آستانه برگزاری جام ملت‌های آسیا، بحث درباره ترکیب و ایجاد تغییرات در پیکره تیم ملی فوتبال ایران بار دیگر به یکی از موضوعات داغ محافل ورزشی تبدیل شده است. میانگین سنی بالای بازیکنان ایران در جام جهانی، نحوه استفاده از بازیکنان و میزان جسارت کادر فنی در جوان‌گرایی، از جمله مسائلی است که کارشناسان نسبت به آن هشدار می‌دهند. به همین بهانه با حمید درخشان، مربی پیشین تیم ملی به گفت‌وگو پرداختیم تا وضعیت فعلی تیم ملی و چشم‌انداز آن را مورد ارزیابی قرار دهیم.

عکس: www.gettyimages.com

حمید درخشان، کارشناس فوتبال، معتقد است: «تیم ملی فوتبال کشورمان اگر با همین نفرات به جام ملت‌ها برود، هیچ نتیجه مثبتی رقم نخواهد خورد بلکه یک ناکامی جدی خلق می‌شود. بهتر است از کلمه تجربه بازیکنان استفاده نکنیم و خودمان را فریب ندهیم. به جای بازیکنان پا به سن گذاشته تیمی جوان را اعزام کنیم تا درصد شگفتی و معجزه را به واسطه انگیزه بالای‌شان در جام ملت‌ها بالاتر ببریم.»

مربی پیشین تیم ملی در گفت‌وگو با «ایران» به خداحافظی بازیکنان بزرگی چون رونالدو، نیمار و دیگر ستاره‌های شناخته شده دنیای فوتبال در جام جهانی اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این جام با ستاره‌های بسیاری روبه‌رو شدیم که سال‌ها ما را پای تلویزیون میخکوب هنرنمایی‌های خود کردند. آنها بهترین نمایش‌ها را در بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی جهان ارائه دادند، اما وقتی در مهارت‌های فنی خود به افول می‌رسند، تصمیم می‌گیرند جای خود را به جوان‌هایی بدهند که انرژی و انگیزه بیشتری دارند؛ جوان‌هایی که نه‌تنها جام را زیباتر می‌کنند، بلکه تیم ملی کشورشان را به قله می‌رسانند.»

او در ادامه نگرانی خود را نسبت به افزایش میانگین سنی تیم ملی مطرح می‌کند: «میانگین سنی تیم ملی در هر دوره جام جهانی بالاتر می‌رود، اما ستاره‌های ما هنوز می‌خواهند بازی کنند و خود را با بازیکنانی مثل رونالدو که ۴۱ سال سن دارد، قیاس می‌کنند. اما این قیاس بر چه اساسی است، نمی‌دانم.»

این مربی با انتقاد از سطح حرفه‌ای‌گری در فوتبال ایران می‌گوید: «سبک زندگی کدام بازیکن ایرانی حرفه‌ای است؟ کدام یک از بازیکنان تیم ملی در پنج لیگ سطح یک جهان بازی می‌کنند؟ ستاره‌هایی چون رونالدو در هفته سه بازی در سطح باشگاهی دارند، اما ما با یک مسابقه در هفته، سه مصدوم می‌دهیم و شش بازیکن راهی بیمارستان می‌شوند. چه دید واقع‌بینانه‌ای در پذیرش این مسئولیت داریم؟»

درخشان همچنین نبود شهامت در تصمیم‌گیری را یکی از مشکلات اصلی می‌داند: «این مربی است که تصمیم می‌گیرد از چه بازیکنانی در ترکیب خود استفاده کند. تیم ملی ما جوان‌گرایی نکرده و این اشتباهی بود که امیر قلعه‌نویی انجام داد. ما از بازیکنانی استفاده کردیم که سن‌شان بالا بود، اما در بازی‌های ملی کم‌تجربه بودند. ما به جوانان بازی ندادیم. امیرحسین حسین‌زاده جوان است یا احسان حاج صفی و صالح حردانی؟ این مشکلی است که ما در تیم ملی داریم. مربیان ما جرأت کنار گذاشتن بازیکنان مسن و پا به سن گذاشته را ندارند.»

او در ادامه به حضور محدود بازیکنان جوان در اردوها اشاره می‌کند: «حضور چهره‌هایی مانند امیرمحمد رزاق‌نیا، آریا یوسفی و مهدی محبی در اردوها، ظاهراً نشان از نگاه تازه کادر فنی به نسل جوان داشت، اما حذف تعدادی از آنها و محدود شدن نفرات جوان به نیمکت‌نشینی یا دقایق معدود بازی، شائبه رویکردی نمادین و غیرواقعی را پررنگ کرد؛ به‌طوری که به نظر می‌رسد اهداف چهره‌سازی و تبلیغ رسانه‌ای در میان بوده است.» با توجه به اینکه جام ملت‌های آسیا ۱۸۰ روز دیگر در عربستان برگزار می‌شود، درخشان بر ضرورت برنامه‌ریزی فوری تأکید دارد: «کاش می‌توانستیم از ژاپن الگوبرداری کنیم؛ کشوری که در رده‌های پایه و باشگاهی خود را قهرمان آسیا کرده و در جام جهانی نمایشی ارائه می‌دهد که آنها را هم‌تراز با تیم‌های اروپایی می‌کند. آنها نه دفاع اتوبوسی مقابل بزرگان جهان چیدند و نه اما و اگر برای شکست‌های‌شان آوردند. بهتر است از همین امروز با نگاهی اساسی و برنامه‌ریزی مناسب کار خود را آغاز کنیم، وگرنه آنجا گرفتار طوفان ناکامی می‌شویم.»

> میانگین سنی تیم ملی در هر دوره جام جهانی بالاتر می‌رود، اما ستاره‌های ما هنوز می‌خواهند بازی کنند و خود را با بازیکنانی مثل رونالدو که ۴۱ سال سن دارد، قیاس می‌کنند. اما این قیاس بر چه اساسی است، نمی‌دانم

مهدی پاشازاده، بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

در فلسفه مربیگری تیم ملی جوانگرایی پررنگ نیست

مهری رنجبر/ تحولات فوتبال مدرن و تغییرات تاکتیکی و تکنیکی، بویژه پس از جام جهانی ۲۰۲۶، موجی از خداحافظی ستاره‌های بزرگ را به‌دنبال داشته است. مهدی پاشازاده، کارشناس فوتبال، این روند را نه یک اتفاق مقطعی بلکه نتیجه تغییر ماهیت فوتبال می‌داند.

مهدی پاشازاده، بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال، خداحافظی پرتعداد بازیکنان ملی پس از جام جهانی ۲۰۲۶ را نشانه پایان دوران «بازیکن‌محوری» در فوتبال توصیف کرد و گفت: «خداحافظی از بازی‌های ملی به معنای پایان فوتبال هیچ بازیکنی نیست و در برخی موارد شاهد بازگشت‌هایی هم بوده‌ایم، اما تفاوت این دوره با جام‌های جهانی گذشته در تعداد بالای ستاره‌هایی است که از تیم‌های ملی خداحافظی کردند. این موضوع به تغییر نوع فوتبال برمی‌گردد؛ جایی که دیگر بازیکن‌محوری معنای گذشته را ندارد.»

او با اشاره به رشد علم بدنسازی و نزدیک شدن سطح تیم‌ها به یکدیگر می‌گوید: «امروز اگر به باشگاه‌ها نگاه کنیم، می‌بینیم با وجود کیفیت بالای بازیکنان، دیگر خبری از تفاوت‌های فاحش گذشته نیست. علم بدنسازی باعث شده تیم‌ها به هم نزدیک شوند و قدرت بدنی نقش تعیین‌کننده‌تری پیدا کند. در گذشته، بازیکنانی با استعداد و ویژگی‌های ژنتیکی خاص مانند مارادونا و پله ظهور می‌کردند و در نسل بعد نیز رونالدو و مسی مطرح شدند، اما اکنون سرعت بازی و انتقال توپ آن‌قدر بالا رفته که تیم‌ها وابستگی کمتری به ستاره‌ها دارند.»

این کارشناس فوتبال با تأکید بر اهمیت کار تیمی در فوتبال امروز ادامه داد: «اکنون تیم‌های یکدست و هماهنگ، مانند آرسنال، شانس بیشتری برای موفقیت دارند. در حالی که در گذشته تیم‌های کهکشانی مثل بارسلونا، رئال مادرید یا منچستریونایتد با اتکا به ستاره‌های بزرگ، جام‌ها را کسب می‌کردند. البته این تغییر روند، امری طبیعی در ذات فوتبال است.»

مهدی پاشازاده همچنین به افزایش سن مفید بازیکنان اشاره کرد و توضیح داد: «در گذشته مرز عملکرد مطلوب بازیکنان ۳۵ سال بود، اما اکنون با پیشرفت‌های بدنی، این عدد به حدود ۴۰ سال رسیده و بازیکنان در این سن نیز تأثیرگذار هستند. باید به دوران پس از رونالدو و مسی عادت کنیم؛ دورانی که برای بسیاری از هواداران تلخ است، اما اجتناب‌ناپذیر.»

این کارشناس فوتبال، دلیل ماندگاری طولانی‌مدت برخی بازیکنان در تیم ملی ایران را ساختار معیوب باشگاهداری دانست و توضیح داد: «این موضوع به سیستم باشگاهداری در ایران برمی‌گردد. برای مثال، عملکرد خوب در تیم ملی به معیاری برای قراردادهای سنگین در باشگاه‌ها تبدیل شده، در حالی که در اروپا چنین نیست. نمونه‌اش لوکا مودریچ است که با وجود عملکرد خوب در تیم ملی کرواسی، رئال مادرید او را کنار گذاشت، چون نگاه باشگاه‌ها به آینده است. آنها ترجیح می‌دهند به‌جای یک ستاره گران‌قیمت، چند بازیکن جوان جذب کنند تا آینده تیم را تضمین کنند.»

وی با انتقاد از رویکرد مدیریتی در فوتبال ایران توضیح داد: «تیم ملی با همین بازیکنان در جام جهانی قبلی شش گل از انگلیس دریافت کرد و همان‌ها در ۲۰۲۶ هم بازی کردند. این نشان می‌دهد مشکل، نگرش سیستماتیک است و اگر اصلاح نشود، شرایط بدتر هم خواهد شد.»

مهدی پاشازاده درباره سیاست‌های فنی تیم ملی نیز می‌گوید: «امیر قلعه‌نویی اساساً مربی‌ای است که به بازیکنان باتجربه اعتماد دارد و جوانگرایی در فلسفه کاری او جایگاه پررنگی ندارد. از سوی دیگر، باید مشخص شود هدف از حضور در جام جهانی چیست؛ نتیجه‌گرایی یا تیم‌سازی برای آینده؟ به نظر می‌رسد کادر فنی برای کسب نتیجه از بازیکنان باتجربه استفاده کرده و این تصمیم قابل احترام است، هرچند باید پاسخگو باشند.»

او با اشاره به شرایط خاص تیم ملی در مقاطع اخیر ادامه داد: «تعطیلی لیگ و شرایط خاص کشور، کار را برای کادر فنی دشوار کرد. جوانگرایی نیازمند برنامه‌ریزی تدریجی و استفاده از بازی‌های دوستانه است. هرچند در برخی موارد مانند بازی دادن به آریا یوسفی تلاش‌هایی شد، اما تدارکات کافی وجود نداشت.»

مربی فوتبال ایران، آمارگرایی را یکی از عوامل تصمیم‌گیری اشتباه دانست و تصریح کرد: «قلعه‌نویی سه سال برای جوانگرایی فرصت داشت، اما از آن استفاده نکرد. حتی در تورنمنت کافا، پس از قطعی شدن صعود، می‌توانست به جوانان میدان بدهد. به نظر می‌رسد حفظ آمار بدون شکست و صعود زودهنگام، بر تصمیمات تأثیر گذاشت. در حالی که آمار گاهی می‌تواند گمراه‌کننده باشد.»

مهدی پاشازاده در پایان با نگاهی انتقادی به آینده تیم ملی نیز توضیح داد: «با این روند، تیم ملی در جام ملت‌های آسیا نتیجه نخواهد گرفت و اگر هم موفقیتی حاصل شود، اتفاقی خواهد بود. در این مدت نه‌تنها پیشرفتی نداشتیم، بلکه در زیرساخت‌ها و حتی فرهنگ فوتبال نیز پسرفت کرده‌ایم. هیچ ستاره‌ای معرفی نشده و استعدادها فرصت دیده‌شدن پیدا نکرده‌اند. با این شرایط، نباید انتظار قهرمانی داشت؛ چرا که چنین انتظاری نادیده گرفتن واقعیت‌های فوتبال ایران است.»

بازیکن پیشین تیم ملی در پایان هشدار داد: «اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، سطح رقابت فوتبال ایران تنزل خواهد یافت و به‌جای رقابت با تیم‌های قدرتمند آسیا، باید خود را با تیم‌هایی درجه سه آسیا مقایسه کنیم؛ موضوعی که بسیار نگران‌کننده است.»

> سرمربی تیم ملی سه سال برای جوانگرایی فرصت داشت، اما از آن استفاده نکرد. حتی در تورنمنت کافا، پس از قطعی شدن صعود، می‌توانست به جوانان میدان بدهد. به نظر می‌رسد حفظ آمار بدون شکست و صعود زودهنگام، بر تصمیمات تأثیر گذاشت. در حالی که آمار گاهی می‌تواند گمراه‌کننده باشد

ناتوانی در بازتولید سرمایه انسانی

یادداشت

اصغر مدیرروستا
بازیکن پیشین تیم ملی

فوتبال ایران بیش از آن‌که با چالش نتیجه مواجه باشد، درگیر یک بن‌بست عمیق ساختاری است؛ بن‌بستی که ریشه‌های آن را باید در ترکیب خطرناک ضعف در تصمیم‌گیری و نبود نگاه بلندمدت جست‌وجو کرد. مسأله امروز، صرفاً صعود نکردن از مرحله‌ای خاص یا ناکامی در یک تورنمنت نیست، بلکه ناتوانی در بازتولید سرمایه انسانی و شکل‌دادن به یک چرخه پایدار از استعداد تا قهرمانی است.

در رده‌های پایه، جایی که باید شالوده آینده فوتبال کشور بنا شود، نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از غلبه روابط بر ضوابط دیده می‌شود. هنگامی که مسیر رشد بازیکنان نه بر اساس شایستگی، بلکه بر پایه ارتباطات شکل می‌گیرد، خروجی چنین سیستمی بازیکنانی خواهد بود که در سطح ملی، توانایی لازم برای جایگزینی نسل‌های باتجربه را ندارند. این اختلال در فرآیند پرورش استعداد، مستقیماً به تیم ملی منتقل شده و شکاف میان نسل‌ها را عمیق‌تر کرده است.

در فوتبال حرفه‌ای جهان، خداحافظی از تیم ملی بخشی از بلوغ حرفه‌ای بازیکنان به شمار می‌رود. بسیاری از ستارگان، زمانی که احساس می‌کنند دیگر در بالاترین سطح کارایی قرار ندارند، با هدف حفظ کیفیت تیم و ایجاد فرصت برای نسل جدید، از صحنه کنار می‌روند. این تصمیم، بیش از آن‌که فردی باشد، معطوف به منافع جمعی و آینده تیم‌ملی است. در مقابل، در فوتبال ایران، این فرآیند اغلب با ابهام، تأخیر و گاه ملاحظات غیرشفاف همراه است؛ موضوعی که نه‌تنها روند جوان‌گرایی را مختل می‌کند، بلکه انگیزه و اعتماد به نفس نسل تازه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سال‌هاست که «نمایش آبرومندانه» یا «شکست نزدیک» به‌عنوان دستاورد معرفی می‌شود، بی آن‌که پرسشی جدی درباره آینده مطرح شود. در حالی که تیم‌های موفق دنیا، حتی در اوج رقابت برای کسب نتیجه، پروژه تغییر نسل را نیز به‌صورت همزمان پیش می‌برند، در فوتبال ایران تقریباً همه‌چیز به مسابقه بعدی تقلیل یافته است. این رویکرد، آینده را قربانی حال می‌کند و هزینه آن، از دست رفتن سال‌های طلایی یک نسل است.

در سطح فنی کمبود شجاعت در تصمیم‌گیری به‌وضوح قابل مشاهده است. تیم‌هایی که از روی نیمکت جسارت دریافت نمی‌کنند، در زمین نیز محافظه‌کار ظاهر می‌شوند. اعتماد نکردن به بازیکنان جوان، پرهیز از ریسک‌های حساب‌شده و تکرار انتخاب‌های قابل پیش‌بینی، نشانه‌هایی از این محافظه‌کاری مزمن است. نبود مربیان جوان و ریسک‌پذیر در کادرهای فنی، این چرخه را کامل‌تر کرده و فرصت تجربه‌اندوزی را از نسل جدید گرفته است.

تمرکز صرف بر موفقیت در تورنمنت‌هایی مانند جام ملت‌های آسیا، بدون پرداختن به ریشه‌ها، راهگشا نخواهد بود. فوتبال ایران بیش از هر چیز نیازمند یک بازسازی بنیادین است؛ تربیت مدیران متخصص و برنامه‌محور، و ایجاد ساختاری شفاف و پاسخگو.

یادداشت

نورالله مرادی
کارشناس و پژوهشگر رسانه

پیشنهاد نامگذاری خیابانی به نام «تیخوانا» در تهران

در تاریخ ملت‌ها و در حافظه ورزش، گاه نام یک شهر فراتر از یک نقطه روی نقشه معنا پیدا می‌کند. برخی شهرها به دلیل رخدادهای بزرگ، بعضی به واسطه قهرمانی‌ها و شماری دیگر به سبب کار خاصی که در لحظه‌ای حساس از خود نشان داده‌اند، جاودانه می‌شوند. برای کاروان تیم ملی ایران، «تیخوانا» از همین جنس است؛ شهری که در یکی از دشوارترین مقاطع، تنها یک میزبان نبود، بلکه مأمنی امن، همراهی صمیمی و نمادی از همدلی و مهرورزی شد.

تیم ملی ایران در آستانه جام جهانی، روزهای آسانی را پشت سر نگذاشت. مشکلات و محدودیت‌هایی که ترامپ و آمریکا پیش از آغاز این رقابت بزرگ بر تیم تحمیل کردند، شرایط متفاوت و پرچالشی را رقم زده بود. در چنین فضایی، حضور در تیخوانای مکزیک صرفاً یک اقامت ورزشی نبود؛ بلکه فرصتی برای فریاد زدن و بیان مظلومیت تیم ملی کشورمان بود.

شاید در آن روزها کمتر کسی تصور می‌کرد شهری در آن سوی دنیا، چنین صمیمانه در کنار فرزندان ایران بایستد. آنچه تیخوانا را در ذهن ایرانیان ماندگار کرد، نه امکاناتش، بلکه قلب بزرگ مردمانش بود. مردم خونگرم و مهربان این شهر، تیم ملی ایران را با روی گشاده پذیرفتند و با احترام و محبت، تصویری زیبا از دوستی میان ملت‌ها آفریدند.

در روزگاری که جهان بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگو، همدلی و درک متقابل نیاز دارد، رفتار مردم تیخوانا نشان داد زبان انسانیت، زبانی جهانی است؛ زبانی که مرز نمی‌شناسد و تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی را درمی‌نوردد.

در مقابل، اعضای تیم ملی نیز با رفتار حرفه‌ای، متین و شایسته خود، تصویری ارزشمند از فرهنگ ایرانی را به نمایش گذاشتند و توانستند جایگاهی ویژه در دل مردم تیخوانا پیدا کنند.

این ارتباط صمیمانه، فراتر از یک خاطره ورزشی، به سرمایه‌ای فرهنگی تبدیل شد؛ سرمایه‌ای که ارزش آن کمتر از افتخارات ورزشی نیست. با توجه به اهمیت قدردانی در فرهنگ ایرانی، ضرورت دارد این موضوع به نحو شایسته‌ای در خصوص مردم شهر تیخوانا رعایت شود، از همین رو نامگذاری یکی از خیابان‌های شهر تهران به نام «تیخوانا»، برای ادای دین صادقانه به شهری که در روزهای سخت در کنار تیم ملی ایران ایستاد، پیشنهاد می‌شود.

چنین نامگذاری‌ای پیام روشنی از فرهنگ اصیل ایرانی خواهد داشت؛ فرهنگی که همواره قدردان نیکی‌هاست و هرگز دست یاری و مهربانی را از یاد نمی‌برد.

شاید سال‌ها بعد، کودکی از پدرش بپرسد چرا نام این خیابان «تیخوانا» ست.

آن‌گاه روایت خواهد شد که روزی، در آستانه یکی از مهم‌ترین رویدادهای ورزشی جهان، دشمن مردم ایران مانع حضور فوتبالیست‌های ما شد اما شهری در آن سوی اقیانوس‌ها با آغوشی باز از فرزندان ایران استقبال کرد؛ مردمانی که بی‌هیچ چشمداشتی، محبت و احترام خود را نثار میهمانانشان کردند و خاطره‌ای ساختند که گذر زمان نیز آن را از یاد نخواهد برد.

ملت‌هایی که قدر لحظه‌های همدلی را می‌دانند، تاریخ خود را تنها با پیروزی‌ها نمی‌نویسند؛ بلکه با یاد کسانی که در روزهای سخت کنارشان ایستاده‌اند، فرهنگ سپاسگزاری را نیز به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند. اگر روزی در تهران خیابانی به نام «تیخوانا» مزین شود، آن خیابان تنها یک نام نخواهد داشت؛ بلکه نمادی از احترام، قدردانی، انسانیت و دوستی میان دو ملت خواهد بود؛ ارزشی که ماندگاری آن، بسیار فراتر از یک مسابقه یا یک جام جهانی است.

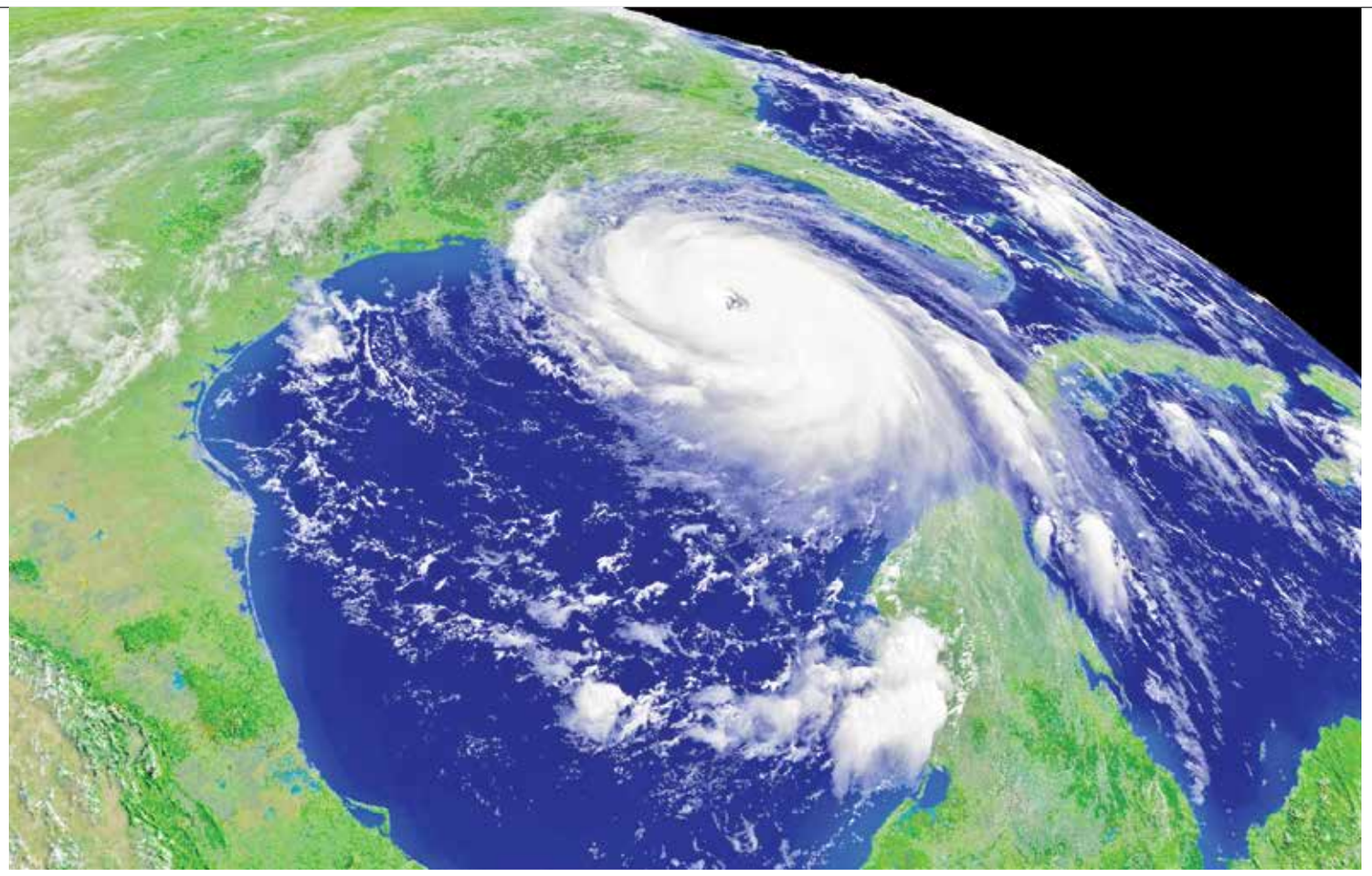

احد وظیفه و صادق ضیائیان ، کارشناسان هواشناسی در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کردند

ال نینو؛ گرمای حتمی، بارش احتمالی

گزارش

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست بوم

در حالی که ال‌نینوی امسال نگاه‌ها را به سمت احتمال بارش‌های پاییزی جلب کرده، دو چهره برجسته هواشناسی کشور—احد وظیفه و صادق ضیائیان—تأکید می‌کنند که این بارش‌ها به هیچ‌وجه قطعی نیست و باید با احتیاط به آن نگریست. آنها می‌گویند ال‌نینو برای ایران «شمشیر دو لبه» است؛ در حالی که احتمال تقویت بارش‌ها در غرب و جنوب‌غرب وجود دارد، تنها پدیده‌ای که با اطمینان بیشتری می‌توان انتظار داشت، افزایش دمای کشور در تابستان است. از نگاه این کارشناسان، اتکا به پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه جای خود را باید به مدیریت ریسک، آمادگی دستگاه‌های اجرایی و برنامه‌ریزی برای سناریوهای متفاوت اقلیمی بدهد.

رفتار مبهم ال‌نینو با ایران

احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی در گفت‌وگو با «ایران»، تأکید می‌کند که نباید هرگونه پیش‌بینی درباره تأثیرات ال‌نینو بر ایران را به عنوان امری قطعی و مسلم تلقی کرد. او با اشاره به اهمیت در نظر گرفتن «ریسک» در مدل‌سازی‌های اقلیمی می‌گوید: «رفتار ال‌نینو هنگام شکل‌گیری در اقیانوس آرام، در مناطق مختلف جهان یکسان نیست. برخلاف مناطقی مانند جنوب شرق آسیا یا اندونزی که ال‌نینو تأثیرات بسیار مستقیم و واضحی دارد، این پدیده در ایران همواره رفتار یک‌به‌یکی را از خود نشان نمی‌دهد.» این کارشناس هواشناسی تصریح می‌کند که با توجه به شرایط اقلیمی خاص ایران و سابقه خشکسالی در بخش‌هایی از کشور، باید متغیرهای پیچیده‌تر اقلیمی را در کنار پدیده ال‌نینو لحاظ کرد.

تأثیر ال‌نینو بر تابستان جنوب شرق ایران

وظیفه در تبیین مکانیسم تأثیر ال‌نینو بر فصل تابستان ایران، به تضعیف «مونسون هند» اشاره می‌کند و می‌گوید: «زمانی که ال‌نینو به وقوع می‌پیوندد، بارش‌های موسمی تابستانه در منطقه جنوب آسیا و شبه‌قاره هند تضعیف می‌شود. از آنجا که بخش‌هایی از جنوب شرق ایران تحت تأثیر همین بارش‌های موسمی است در شرایط ال‌نینو، تابستان‌های این مناطق معمولاً خشک‌تر و کم‌بارش‌تر از حد معمول است.» طبق تحلیل این کارشناس، کاهش بارش‌ها به معنای حاکم شدن هوای خشک‌تر و افزایش تابش آفتاب است که در نهایت منجر به «نابهنجاری مثبت دما» یا به عبارت ساده‌تر، گرم‌تر شدن هوا نسبت به میانگین‌های بلندمدت خواهد شد. وی مناطق تحت تأثیر این روند در تابستان را استان سیستان و بلوچستان، نیمه جنوبی خراسان جنوبی، استان کرمان، بخش‌هایی از یزد، هرمزگان، بوشهر و جنوب فارس می‌داند.

آیا ال‌نینو به بارش‌های پاییزی ختم می‌شود؟

یکی از پیش‌بینی‌هایی که برخی از کارشناسان روی آن تأکید دارند، افزایش بارش‌ها در پاییز و تابستان پیش‌رو است؛ مسأله‌ای که احد وظیفه سعی می‌کند با آن با احتیاط برخورد کند. او اعتقاد دارد برای پیش‌بینی بارش‌ها در پاییز و زمستان هنوز زود است. او می‌گوید: «در مورد ادعای بارش‌های زیاد در پاییز و زمستان بر اثر ال‌نینو، باید بسیار محتاط بود. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که پدیده ال‌نینو تنها یکی از بازیگران صحنه اقلیم است. عواملی مانند «نوسان اطلس شمالی» (NAO)، دمای سطح آب دریای عمان و خلیج فارس و وضعیت پوشش برف در اوراسیا نیز در تعیین میزان بارش‌های ایران نقش حیاتی دارند.» کارشناسانی چون احد وظیفه و صادق ضیائیان، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی هواشناسی در گفت‌وگو با «ایران» توصیه می‌کنند که همگان پیش‌بینی‌های بلندمدت برای پاییز و زمستان را با رویکرد «احتمالاتی» دنبال کنند. به گفته آنها در حالی که ال‌نینو می‌تواند بستر را برای بارش‌های فراتر از نرمال فراهم کند، این موضوع لزوماً به معنای وقوع آن در تمام نقاط ایران نیست. بنابراین همیشه باید منتظر خروجی مدل‌های فصلی سازمان هواشناسی بود که با توجه به داده‌های به‌روزتر و با حذف اثرات نویزهای کوتاه‌مدت، پایش می‌شوند.

انتظارات و ابهامات

احد وظیفه در ادامه تحلیل خود، به الگوهای بارشی در فصول سرد سال می‌پردازد و می‌گوید: «در نیمه دوم پاییز و نیمه اول زمستان، معمولاً با وقوع ال‌نینو، بارش‌ها در مناطق غربی تا جنوب غربی ایران در حد نرمال یا فراتر از نرمال پیش‌بینی می‌شود. انتظار می‌رود که در سال آبی پیش‌رو نیز شاهد چنین شرایطی باشیم، اما مجدداً تأکید می‌کنم که این پیش‌بینی قطعی نیست.» وی دلیل این عدم قطعیت را وجود عوامل متعدد و پیچیده اقلیمی می‌داند که در حال حاضر قابل پیش‌بینی دقیق نیستند. وظیفه می‌افزاید: «هرچه به فصل پاییز نزدیک‌تر شویم، باید وضعیت سایر «دورپیوندها» (Teleconnections) را که در اقلیم اثرگذارند، جمع‌بندی کنیم تا بتوان با اطمینان بیشتری پیش‌بینی‌های فصلی را صادر کرد. با این حال، در سال‌هایی که ال‌نینو حاکم بوده، تمایل بارش‌ها در جنوب غرب ایران به سمت نرمال یا بیش از نرمال بوده است.»

مقایسه ال‌نینو و لانینا

این کارشناس هواشناسی با اشاره به تفاوت فاز سرد و گرم نوسانات اقیانوس آرام، توضیح می‌دهد: «فاز مخالف ال‌نینو، یعنی لانینا (فاز سرد)، شرایط متفاوتی ایجاد می‌کند. در سال گذشته ما درگیر لانینا بودیم که معمولاً با خشکسالی همراه است. در واقع، بسیاری از بدترین خشکسالی‌های ایران در سال‌های وقوع لانینا به ثبت رسیده است.» وظیفه در مورد پیچیدگی‌های این پدیده تصریح می‌کند: «گرم یا سرد شدن آب اقیانوس به سادگی قابل بیان نیست؛ در هر دو پدیده ال‌نینو و لانینا، مناطق گرم و سرد متفاوتی در پهنه اقیانوس شکل می‌گیرند. این نوسانات که دوره‌ای بین ۲ تا ۷ سال دارند، رفتارهای اقلیمی متفاوتی را در نقاط مختلف جهان و از جمله ایران رقم می‌زنند.»

ضرورت آمادگی دستگاه‌های اجرایی

احد وظیفه در توصیه‌هایی برای دستگاه‌های ذی‌ربط می‌گوید: «آنچه اهمیت دارد این است که دستگاه‌های متولی باید آمادگی‌های لازم را داشته باشند. امیدواریم که مدل‌های عددی در ماه‌های آینده نیز بر پیش‌بینی بارش‌های خوب در پاییز و زمستان تأکید داشته باشند.»

وظیفه هرچند تأکید می‌کند که هنوز برای پیش‌بینی بارش‌ها در پاییز و زمستان در نیمه جنوب غربی و غربی کشور زود است اما اعتقاد دارد که باید دستگاه‌های متولی آماده هر سناریویی باشند.

او معتقد است که اگر بارش‌های پاییزی به‌موقع و مناسب آغاز شود، دیم‌کاران کشور بویژه در مناطق غربی می‌توانند شرایط ایده‌آلی را برای کشت پاییزه تجربه کنند. بنابراین تأکید می‌کند که وزارت جهاد کشاورزی و دستگاه‌های ذی‌ربط باید از هم‌اکنون توزیع کود، بذر و سایر نهاده‌های کشاورزی را انجام دهند تا کشاورزان با دست پر و در زمان طلایی اقدام به کشت کنند. این کارشناس باز هم با تأکید بر احتمال وقوع بارش‌های پاییزی، از تمهیدات لازم برای کنترل و مدیریت سیل‌های احتمالی می‌گوید: «به دلیل گرمای نسبی هوا در نیمه دوم پاییز (ماه‌های آبان و آذر)، بارش‌های سنگین احتمالاً به صورت باران (و نه برف) فرود خواهند آمد. این موضوع پتانسیل بالایی برای طغیان رودخانه‌ها، بویژه رودخانه‌های بزرگ و وقوع سیلاب‌های مخرب ایجاد می‌کند. هرچند برای اقدامات ساختاری بزرگ دیر شده است، اما پروژه‌های آبخیزداری محلی، پاک‌سازی مسیل‌ها و لایروبی رودخانه‌ها باید فوراً فعال شوند تا جریان‌های سیلابی در مناطق آسیب‌پذیر و روستاهای در معرض خطر کنترل شود.»

مدیریت سدها

احد وظیفه یک نکته کلیدی درباره تفاوت وقوع بارش‌های سنگین در پاییز نسبت به بهار مطرح می‌کند: «خوشبختانه این بارش‌های احتمالی در پاییز رخ می‌دهد؛ یعنی زمانی که سدها پس از گذر از مصارف تابستانه به حداقل موجودی خود رسیده‌اند.

سدهای کشور در این بازه ظرفیت خالی بسیار بزرگی برای ذخیره‌سازی و انباشت آب دارند، بنابراین دغدغه سرریز سدها بسیار ناچیز است. اگر این بارش‌های سیل‌آسا در بهار رخ می‌داد، به دلیل پر بودن مخازن سدها، خطر سرریز و سیلابی شدن مسیرهای پایین‌دست بسیار جدی و خطرناک می‌شد. در پاییز، سیلاب‌ها قابل کنترل و ذخیره‌سازی هستند.»

شمال خنک‌تر، جنوب گرم‌تر

احد وظیفه در تحلیل رفتار دمایی کشور در فصول آینده می‌گوید: «به طور کلی، میانگین دمای کل کشور کماکان فراتر از نرمال خواهد بود و انتظار می‌رود دمای هوا بین ۱ تا ۲ درجه سلسیوس (یکی از واحدهای اندازه‌گیری دما) نسبت به میانگین بلندمدت (۳۰ سال اخیر) گرم‌تر باشد. ما با یک نابهنجاری مثبت دمایی مواجه هستیم. با وجود گرمای عمومی، نیمه شمالی کشور می‌تواند نسبت به سال گذشته تابستان روزهای خنک‌تری را تجربه کند.»

او در پاسخ به این سؤال که چرا شمال خنک‌تر از جنوب خواهد بود هم می‌گوید: «با تضعیف مونسون هند در فاز ال‌نینو، سیستم پرفشار یا همان «واچرخند جنب‌حاره‌ای» ضعیف‌تر عمل می‌کند. این امر مانع از گسترش و پیشروی عرض جغرافیایی توده هوای بسیار گرم به سمت شمال کشور می‌شود. در نتیجه، تمرکز گرمای شدید و نابهنجاری مثبت دما به مناطق جنوبی و جنوب شرقی محدود شده و شمال کشور از گرمای فراتر از حد سال گذشته در امان می‌ماند.»

ناآرامی در اقیانوس آرام

صادق ضیائیان، رئیس مرکز ملی هواشناسی کشور نیز در تشریح ارزیابی‌های مرتبط با گرمای تابستان و احتمال بارش‌های پاییزی ناشی از پدیده ال‌نینو، تأکید می‌کند که نباید این‌گونه پیش‌بینی‌ها را با قطعیت مطرح کرد و لازم است همه متغیرهای مؤثر در اقلیم ایران همزمان دیده شوند. او در توضیح ماهیت این پدیده می‌گوید که ال‌نینو در واقع فاز مثبت نوسان جنوبی در ناحیه اقیانوس آرام و در امتداد خط استوا، میان قاره آمریکا و جزایر شرق آسیا رخ می‌دهد. به گفته او، در این فرآیند، تغییرات دمای سطح دریا در آن پهنه اقیانوسی می‌تواند بر سایر مناطق جهان هم اثر بگذارد؛ اثری که در علم هواشناسی از آن با عنوان «دورپیوند» یاد می‌شود.

ضیائیان توضیح می‌دهد که این دورپیوند به تنهایی تعیین‌کننده نیست و با مجموعه‌ای از دورپیوندهای دیگر و رخدادهای دینامیکی جو در نقاط مختلف جهان ترکیب می‌شود. او به نمونه‌هایی مانند «نائو»، «ائو»، «ام‌جی‌او» و همچنین رخدادهای مرتبط با قطب شمال و دیگر مناطق دنیا اشاره می‌کند و می‌گوید: «برهم‌کنش همه این عوامل در نهایت آب‌وهوای هر منطقه، از جمله ایران را شکل می‌دهد. به همین دلیل، کشور ما تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل متعدد قرار دارد و ال‌نینو تنها یکی از این مؤلفه‌هاست.»

رئیس مرکز ملی هواشناسی کشور با اشاره به سابقه آماری این پدیده در ایران تصریح می‌کند که تأثیر ال‌نینو بر کشور همواره ثابت و یکسان نبوده است. به گفته او، این‌طور نیست که هر زمان ال‌نینو رخ داده باشد، حتماً بارش‌های خوب در کشور ثبت شده باشد، همان‌طور که در فاز مقابل آن نیز همیشه خشکسالی مطلق رخ نداده است. او می‌گوید: «بر اساس آمار بلندمدت، تنها در حدود ۶۰ درصد مواقعی که ال‌نینو یا فاز مثبت نوسان جنوبی وجود داشته، در پاییز بارش‌های مناسبی در کشور ثبت شده است.»

ضیائیان با تکیه بر همین آمار خاطرنشان می‌کند که نمی‌توان درباره بارش‌های پاییز و زمستان با قطعیت سخن گفت. از نگاه او، این موضوع با اما و اگرهای زیادی همراه است و هرچند احتمال بارش مناسب در چنین شرایطی بیشتر می‌شود، اما همچنان حدود ۴۰ درصد احتمال خطا وجود دارد. بنابراین، به گفته وی، نمی‌توان با اطمینان بالا اعلام کرد که ال‌نینو حتماً به پاییز و زمستان پربارش در ایران منجر خواهد شد. او در ادامه می‌افزاید: «آنچه با احتمال بیشتری می‌توان درباره آن صحبت کرد، اثر ال‌نینو بر افزایش دمای هواست.» به گفته ضیائیان، ال‌نینو معمولاً موجب می‌شود دمای اغلب نقاط کره زمین افزایش پیدا کند و این افزایش دما شامل کشور ما نیز می‌شود.

بنابراین با اطمینان بیشتر می‌توان انتظار داشت که تابستان امسال در ایران گرم‌تر از میانگین بلندمدت باشد. به بیان او، اگر قرار باشد میان دو موضوع «گرمای تابستان» و «بارش پاییز» یکی را با احتمال بالاتری پیش‌بینی کنیم، گرمای بیشتر تابستان از قطعیت نسبی بالاتری برخوردار است. رئیس مرکز ملی هواشناسی کشور به لزوم برنامه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی برای مواجهه با تابستان گرم‌تر می‌پردازد و می‌گوید: «بخش‌های تولید و تأمین انرژی در کشور باید از هم‌اکنون این آمادگی را داشته باشند که در صورت گرم‌تر بودن تابستان، تقاضا برای مصرف انرژی افزایش خواهد یافت.» به گفته او، وقتی هوا گرم‌تر می‌شود، سیستم‌های سرمایشی مدت بیشتری کار می‌کنند و همین موضوع مصرف برق را بالا می‌برد. در کنار آن، افزایش دما به معنای بالا رفتن مصرف آب نیز هست؛ هم در بخش کشاورزی و نیاز آبی درختان و محصولات و هم در مصرف روزمره شهروندان.

ضیائیان با اشاره به همین موضوع تأکید می‌کند که وزارت نیرو به عنوان متولی تأمین آب و برق کشور باید این احتمال را مدنظر قرار دهد و تدابیر لازم را برای مدیریت شرایط پیش رو اتخاذ کند. او همچنین یادآور شد که این مسأله تنها به عملکرد دستگاه‌های اجرایی محدود نمی‌شود و مردم نیز باید در مصرف انرژی و آب، صرفه‌جویی و دقت بیشتری داشته باشند.

او با اشاره به اینکه کم‌بارشی در بسیاری از نقاط کشور، به‌ویژه در نیمه شمالی ایران، منجر به کاهش منابع آبی شده است، می‌گوید: «رعایت الگوی مصرف آب و برق باید جدی گرفته شود.» به گفته این کارشناس، محدودیت منابع انرژی و کاهش ذخایر آبی واقعیتی است که هم دستگاه‌های مسئول و هم مردم باید آن را در تصمیم‌گیری‌ها و رفتار مصرفی خود مدنظر قرار دهند.

ناترازی بارش‌ها

ضیائیان با اشاره به الگوی بارشی سال آبی جاری می‌گوید: «بارش‌های امسال از توزیع بسیار نامتوازنی برخوردار بوده است. متأسفانه در بسیاری از استان‌های پرجمعیت کشور، از جمله تهران، با کم‌بارشی مواجه بوده‌ایم.»

او می‌گوید: «در بررسی ۷ تا ۱۰ ماه گذشته از سال آبی، وضعیت اغلب استان‌های نیمه شمالی کشور نشان‌دهنده بارش‌هایی کمتر از میانگین بلندمدت است. این کم‌بارشی مداوم در مناطق کلیدی کشور، ذخایر منابع آبی را با چالش جدی مواجه کرده و نشان می‌دهد که حتی بدون در نظر گرفتن پدیده ال‌نینو، ما با محدودیت‌های جدی در زمینه منابع آب و تولید انرژی روبه‌رو هستیم.»

مدیریت منابع در سایه عدم قطعیت اقلیمی

رئیس مرکز ملی هواشناسی در پاسخ به این پرسش که آیا بارش‌ها در صورت عدم وقوع ال‌نینو نیز پاسخگوی نیازهای تولید آب و برق بود، تصریح می‌کند: «باید توجه داشت که مدیریت منابع آب و برق یک مسأله کلان و سیستمی است. محدودیت‌های فعلی ما عمدتاً به دلیل کمبود بارش‌های انباشته‌شده در مناطق شمالی است که ذخایر سدها را تحت‌الشعاع قرار داده است. بنابراین، حتی اگر پدیده ال‌نینو نیز در کار نبود، تأمین پایدار انرژی و آب نیازمند مدیریت دقیق و پیشگیرانه بود.»

نقشه راه آمادگی برای پاییز

ضیائیان با اشاره به پیش‌بینی‌های برخی کارشناسان مبنی بر احتمال وقوع پاییز پربارش، بر لزوم آمادگی فوری دستگاه‌های اجرایی، به‌ویژه وزارت نیرو، تأکید می‌کند. او همچون احد وظیفه، لایروبی رودخانه‌ها، آمادگی سدها و مدیریت مخازن سدها را از محورهای اصلی این آمادگی برمی‌شمرد.

جمع‌بندی نهایی

تحلیل‌های کارشناسی نشان می‌دهد که پدیده «ال‌نینو»، با تمام پیچیدگی‌ها و رفتارهای غیرکلاسیک خود، یک «شمشیر دولبه» برای اقلیم ایران است؛ از سویی می‌تواند در مناطق غربی و جنوب غربی نویدبخش بارش‌های نرمال تا فراتر از نرمال باشد و از سوی دیگر، تضعیف مونسون می‌تواند منجر به خشکی و گرمای مفرط در مناطق جنوبی و جنوب شرقی کشور شود.

با این حال، آنچه در اولویت قرار دارد این است که پدیده‌های اقلیمی نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن واقعیت‌های زیرساختی و ناترازی‌های موجود در منابع آب و انرژی کشور باشند. حتی در صورت وقوع بارش‌های مطلوب پاییزی، وضعیت ذخایر آبی به‌ویژه در نیمه شمالی کشور نشان‌دهنده آن است که ما همچنان با چالش‌های جدی مواجه هستیم.

بنابراین، «کلید طلایی» مدیریت کشور در شرایط فعلی، عبور از خوش‌بینی‌های افراطی و اتخاذ استراتژی «مدیریت ریسک» است. دستگاه‌های متولی (به‌ویژه وزارت نیرو و جهاد کشاورزی) باید همزمان با پایش مستمر و هفتگی مدل‌های اقلیمی برای تصمیم‌گیری‌های پویا، اقدامات عملیاتی نظیر لایروبی رودخانه‌ها، آماده‌سازی ظرفیت سدها برای مدیریت سیلاب‌های احتمالی آبان و آذر و حمایت هوشمندانه از کشت دیم را به عنوان اولویت‌های غیرقابل‌انکار پیش ببرند.

در نهایت، برنامه‌ریزی‌های کلان کشور نباید صرفاً به سیگنال‌های اقلیمی متکی باشد؛ بلکه باید بر پایه زیرساخت‌های پایدار و فرهنگ‌سازی برای صرفه‌جویی هدفمند استوار گردد تا کشور در هر دو سناریوی «بارش‌های سیل‌آسا» یا «گرمای مفرط»، با کمترین آسیب و بیشترین بهره‌وری از منابع، از بحران‌های احتمالی عبور کند.

> احد وظیفه: در نیمه دوم پاییز و نیمه اول زمستان، معمولاً با وقوع ال‌نینو، بارش‌ها در مناطق غربی تا جنوب غربی ایران در حد نرمال یا فراتر از نرمال پیش‌بینی می‌شود. انتظار می‌رود که در سال آبی پیش‌رو نیز شاهد چنین شرایطی باشیم، اما مجدداً تأکید می‌کنم که این پیش‌بینی قطعی نیست

> صادق ضیائیان: در بررسی ۷ تا ۱۰ ماه گذشته از سال آبی، وضعیت اغلب استان‌های نیمه شمالی کشور نشان‌دهنده بارش‌هایی کمتر از میانگین بلندمدت است. این کم‌بارشی مداوم در مناطق کلیدی کشور، ذخایر منابع آبی را با چالش جدی مواجه کرده و نشان می‌دهد که حتی بدون در نظر گرفتن پدیده ال‌نینو، ما با محدودیت‌های جدی در زمینه منابع آب و تولید انرژی روبه‌رو هستیم

استاندار گلستان در گفت‌وگوی اختصاصی با «ایران» مطرح کرد

بازگشایی موقت خط ریلی آق‌قلا

بامداد روز پنجشنبه هفته گذشته، سازه پل راه‌آهن در مسیر ریلی گرگان-اینچه‌برون هدف پرتابه‌های دشمن قرار گرفت

گزارش خبری

شیما جهان‌بخش
گروه ایران زمین

شریان ریلی و ترانزیتی شمال کشور در منطقه آق‌قلا، تنها ۲۴ ساعت پس از حمله دشمن به پل راه آهن در «آق‌قلا» با همت شبانه‌روزی متخصصان و تأیید کامل تست‌های فنی، به صورت موقت بازگشایی شد و به مدار خدمت‌رسانی بازگشت تا چرخ مبادلات بین‌المللی متوقف نشود. این بازگشایی سریع که با هدف حفظ پایداری ترانزیت کالا و تأمین بدون وقفه کالاهای اساسی انجام شد، نشان داد که روند خدمات‌رسانی در پدافند غیرعامل استان با صلابت در جریان است. همزمان، عملیات تکمیلی بازسازی نیز بدون ایجاد مانع در سیر قطارها ادامه دارد تا این سازه حیاتی با استانداردهایی بالاتر از گذشته به طور کامل ایمن‌سازی شود. در همین رابطه، مدیریت عالی استان گلستان در گفت‌وگوی اختصاصی با «ایران» به تشریح ابعاد فنی این مدیریت بحران و آخرین وضعیت پایداری اقتصادی منطقه پرداخت.

ابعاد حقوقی و راهبردی تهاجم به زیرساخت غیرنظامی

«علی‌اصغر طهماسبی»، استاندار گلستان در گفت‌وگو با «ایران» با تشریح جزئیات فنی و مدیریتی این حادثه اظهار کرد: «بامداد روز پنجشنبه هفته گذشته، سازه پل راه‌آهن در مسیر ریلی گرگان-اینچه‌برون هدف پرتابه‌های دشمن قرار گرفت. این اقدام تعرضی آشکار به زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی و غیرنظامی کشور است که مستقیماً با منافع عمومی جامعه و روند توسعه اقتصادی ارتباط دارد. طبق کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، هجوم به سازه‌های غیرنظامی که بار ترانزیتی و مسافری دارند و در زمان جنگ نیز باید مصون بمانند، نقض آشکار قواعد حقوقی است.»

طهماسبی با تبیین اهداف این اقدام افزود: «هدف اصلی از تهاجم به این محور، تحت تأثیر قرار دادن روند تجارت منطقه و ایجاد فضای ناامنی روانی در جامعه بود. در جریان اقدامات اخیر که در چند نقطه کشور صورت گرفت، در استان گلستان نیز تنها همین خط ریلی مورد هدف قرار گرفت.»

وضعیت سلامت شهروندان و آماده‌باش شبکه بهداشت

رئیس شورای تأمین استان گلستان با تأکید بر اینکه این واقعه هیچ‌گونه خسارت جانی به بار نیاورده است، تصریح کرد: «بزرگ‌ترین مزیتی که در این حادثه با تکیه بر تدابیر پدافندی حاصل شد، مصونیت کامل شهروندان و کارکنان راه‌آهن بود. این تهاجم هیچ‌گونه تلفات جانی، شهید یا مصدومی در میان شهروندان و اهالی منطقه آق‌قلا به همراه نداشت و خسارت‌ها صرفاً معطوف به بخش‌های مادی و سازه‌ای پل ریلی بود. با این حال، از همان نخستین دقایق وقوع حادثه، دستور آماده‌باش ۱۰۰ درصدی برای کل شبکه بهداشت و درمان شهرستان آق‌قلا و پایگاه‌های امدادی استان صادر شد.»

وی در ادامه تشریح کرد: «تمامی بیمارستان‌ها، پایگاه‌های اورژانس ۱۱۵، مراکز خدمات جامع سلامت و نیروهای بهداشتی و درمانی استان در آمادگی کامل قرار گرفتند تا در صورت بروز هرگونه نیاز ثانویه یا خدمات پشتیبانی، بدون وقفه به مردم ارائه خدمت کنند. خوشبختانه به دلیل عدم وجود مصدوم، تمرکز شبکه سلامت بر پشتیبانی روانی و حفظ آرامش عمومی قرار گرفت و خدمات روتین مراکز درمانی بدون یک لحظه توقف ادامه یافت تا شهروندان هیچ‌گونه دغدغه‌ای در این حوزه نداشته باشند.»

تجمیع ظرفیت‌های ملی برای بازسازی

طهماسبی با اشاره به اقدامات فوری پس از وقوع حادثه گفت: «ساعاتی پس از حمله، به همراه معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی، معاون هماهنگی امور عمرانی، فرماندار آق‌قلا، مدیران کل دستگاه‌های اجرایی مرتبط و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی در محل پل حادثه دیده حاضر شدیم. ارزیابی‌های فنی و میدانی فوراً در دستور کار قرار گرفت و در همان نقطه، فرمان صریح و قاطع برای بسیج تمامی امکانات فنی، لایه‌روبی، پاکسازی محوطه و آغاز ترمیم سازه‌ای صادر شد.»

وی همچنین با قدردانی از حمایت‌های رئیس جمهوری محترم، ارکان دولت و وزیر محترم کشور، به پیگیری‌های کلان در سطح ملی اشاره کرد و افزود:

استاندار گلستان: پاسخ عملی و فنی مجموعه مدیریتی استان به این اختلال، تکیه بر توان داخلی و کار شبانه‌روزی بود. تیم‌های فنی و مهندسی بلافاصله پس از صدور دستور، در یک عملیات فشرده موفق شدند در کمتر از ۲۴ ساعت، کار ترمیم اولیه خط و ایمن‌سازی سازه پل آق‌قلا را به سرانجام برسانند

«در همان ساعات اولیه، تماس تلفنی با وزیر راه و شهرسازی برقرار شد و ابعاد فنی خسارت و راهکارهای بازسازی سریع را بررسی کردیم. با دستور وزیر و هماهنگی ستاد مرکزی، تمامی ظرفیت‌های فنی، مهندسی و اجرایی راه‌آهن کشور برای بازگرداندن شرایط به وضعیت عادی بسیج شدند. تأکید ما بر این بود که ضمن جبران سریع خسارت‌ها، فرآیند بازسازی با استانداردهای ساختاری بالاتر انجام شود تا سازه جدید در برابر تکانه‌ها و حوادث آینده مقاومت و پایداری بیشتری داشته باشد.»

بازگشایی موقت ریل در کمتر از ۲۴ ساعت

استاندار گلستان خاطرنشان کرد: «پاسخ عملی و فنی مجموعه مدیریتی استان به این اختلال، تکیه بر توان داخلی و کار شبانه‌روزی بود. تیم‌های فنی و مهندسی بلافاصله پس از صدور دستور، عملیات ایمن‌سازی، پاکسازی بقایای پرتابه‌ها و ارزیابی عمق خسارت به پایه‌ها و ریل را آغاز کردند و در یک عملیات فشرده موفق شدند در کمتر از ۲۴ ساعت، کار ترمیم اولیه خط و ایمن‌سازی سازه پل آق‌قلا را به سرانجام برسانند.»

نماینده عالی دولت در استان بر اهمیت غیرقابل انکار فاکتور ایمنی در حمل‌ونقل ریلی تأکید کرد و گفت: «سرعت بالای کار هرگز باعث نشد که ذره‌ای از استانداردهای فنی و مهندسی چشم‌پوشی شود. پیش از عبور اولین قطار باری یا مسافری، تمامی تست‌های فنی تحت نظارت کارشناسان ارشد و تخصصی راه‌آهن کشور انجام و سپس دستور بازگشایی موقت پل صادر شد و خط ریلی مجدداً در مدار خدمت قرار گرفت. هم‌اکنون نیز عملیات تکمیلی، بتن‌ریزی‌های ثانویه، تحکیم پایه‌ها و بازسازی نهایی به طور همزمان در حال انجام است تا خللی در رفت‌وآمد ایجاد نشود.»

ثبات کامل زنجیره صادرات و تأمین کالاهای اساسی

طهماسبی همچنین به پایداری وضعیت اقتصادی و تجاری استان پرداخت و گفت: «خط ریلی گرگان-اینچه‌برون ظرفیت عظیمی در حوزه ترانزیت کالا دارد. این حادثه گرچه به بخشی از زیرساخت‌های حمل‌ونقل آسیب مادی وارد کرد، اما با تدابیر اتخاذشده، هیچ‌گونه خللی در روند صادرات، واردات و تأمین کالاهای اساسی مردم ایجاد نکرده و نخواهد کرد. برای تداوم انتقال کالا، بلافاصله مسیرهای پدافندی و جایگزین پیش‌بینی شد و با هماهنگی‌های صورت‌گرفته، از ظرفیت کامل حمل‌ونقل جاده‌ای و ناوگان سنگین استان استفاده شد تا بارها در گمرک معطل نمانند.»

استاندار گلستان با ارائه اطمینان‌خاطر به مردم و فعالان بازار افزود: «تأمین کالاهای اساسی مردم بدون حتی یک دقیقه وقفه ادامه دارد. ذخایر استراتژیک اقلام ضروری، معیشتی و خوراکی در انبارها و سیلوهای استان گلستان و سراسر کشور در وضعیت کاملاً مناسب و مطلوبی قرار دارد. مردم عزیز مطمئن باشند که هیچ نگرانی بابت تأمین نیازهای روزمره وجود ندارد؛ چرخ تبادلات مرزی ما با آسیای میانه در حال چرخش است و پایداری زنجیره عرضه کالا به طور کامل حفظ شده است.»

حادثه حمله به خط ریلی آق‌قلا هیچ‌گونه تلفات جانی، شهید یا مصدومی در میان شهروندان و اهالی منطقه به همراه نداشت و خسارت‌ها صرفاً معطوف به بخش‌های مادی و سازه‌ای پل ریلی بود

آرامش عمومی و تداوم روند توسعه زیرساخت‌ها

برش

رئیس ستاد مدیریت بحران استان با تأکید بر ضرورت حفظ آرامش، انسجام و همدلی جامعه در شرایط کنونی گفت: «امروز وحدت ملی و همراهی مردم، مهم‌ترین پشتوانه کشور در برابر فشارهای ساختاری است. شرایط به طور کامل تحت کنترل است و به جز خسارتی که به این پل در آق‌قلا وارد شد، هیچ حادثه دیگری در استان نداشتیم و هیچ‌گونه آسیبی به سایر زیرساخت‌های حیاتی، انرژی، خدمات عمومی یا مراکز نظامی و انتظامی استان گلستان وارد نشده است. از مردم شریف و آگاه استان تقاضا داریم با حفظ آرامش خود، اخبار را تنها از طریق رسانه‌های رسمی و صداوسیما دنبال کنند و به شایعات توجهی نداشته باشند.»

طهماسبی همچنین با تأکید بر پاسخگویی مقتدرانه مراجع ذی‌صلاح به این اقدام خصمانه خاطرنشان کرد: «نیروهای مسلح مقتدر جمهوری اسلامی ایران قطعاً پاسخ متناسب، لازم و قاطعی را به این اقدام تجاوزکارانه خواهند داد. خسارت‌های مادی هرگز موجب توقف حرکت پیشرفت کشور و روند خدمات‌رسانی نخواهد شد. اراده خادمان ملت بر بازسازی، ساختن و آبادانی است؛ همان‌طور که روز اول بازدید تأکید شد، «هر نقطه‌ای از زیرساخت‌ها که آسیب ببیند، بهتر و مستحکم‌تر از قبل ساخته خواهد شد» و این پل نیز به زودی با کیفیتی به مراتب بالاتر از گذشته، به عنوان نماد ایستادگی فنی گلستان، در خدمت اقتصاد ملی خواهد بود.»

نبض تهران با برق می‌زند — بهینه مصرف کنیم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای — نوبت دوم

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد مناقصه اجرای عملیات بازسازی خانه‌های مسکونی در محدوده عملیاتی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ را به پیمانکار واجد شرایط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی واگذار نماید.

شرح مختصری از کالا(نوع، کمیت وکیفیت کالا):

شماره مناقصه	۲۰۰۵۰۹۲۷۳۴۰۰۰۰۲۸
شماره مرجع مناقصه	۱۴۰۵۱۰۰۱۰۳۰۳
شرح	اجرای عملیات بازسازی خانه‌های مسکونی
محدوده عملیاتی	شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ
برآورد مناقصه (ریال)	۴۵,۴۷۱,۶۱۳,۶۷۱
مبلغ تضمین فرایند ارجاع کار (تضمین شرکت در مناقصه)ریال	۲,۲۷۳,۵۸۰,۶۸۴
مهلت فروش اسناد	از روز یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ لغایت روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
مهلت تحویل اسناد مناقصه به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۹ روز یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۱
تاریخ بازگشایی	ساعت ۹ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
ارزیابی کیفی	دارد
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران - خیابان شیخ بهایی جنوبی - شهرک والفجر - انتهای کوچه سوم - اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی: سالن جلسات

نوع سپرده فرایند ارجاع کار: به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا بلوکه از حساب مطالبات تأیید شده نزد شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
- به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبلغ فروش اسناد:
-جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir اقدام به خرید اسناد نمایند. ضمناً کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها و اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:
- داشتن گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری دررشته نیرو و ابنیه از سازمان برنامه و بودجه کشور الزامی می‌باشد.
_ سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی‌های کسب اطلاعات بیشتر:
- سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
- سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
- سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www.tbtb.ir
- کانال اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام رسان بله به نشانی: ble.ir/join/EUhIJVVuZvC

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

PGSOC
Persian Gulf Star Oil Company
شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام)

تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

تأمین مصالح، احداث محوطه و ساختمان‌های ایستگاه بارگیری

شماره مناقصه: PGSOC-LEC-Loading Area-TE-02967

شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس (سهامی عام) در نظر دارد انجام فعالیت‌های مربوط به تأمین مصالح و احداث محوطه و ساختمان‌های ایستگاه بارگیری خود شامل ۷۲ هزار مترمربع فعالیت‌های Civil و ۱,۷۱۰ مترمربع احداث ساختمان را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت دارای حداقل پایه یک رشته پیمانکاری ساختمان و ابنیه و رتبه سه رشته پیمانکاری راه و ترابری (به‌صورت توأم) واگذار نماید، بنابراین از همه شرکت‌های معتبر دعوت می‌شود برای تهیه اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ با مراجعه به سربرگ مناقصات در وبگاه اینترنتی شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس به آدرس WWW.PGSOC.IR اقدام کنند.

میزان ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۹۵,۱۷۴,۰۰۰,۰۰۰ (نود و پنج میلیارد و یکصد و هفتاد و چهار میلیون ریال) (در مرحله دوم دریافت می‌گردد.)

میزان پیش پرداخت: ۲۵٪ (بیست و پنج) درصد مبلغ کل قرارداد در قبال دریافت ضمانت‌نامه بانکی معتبر

مدت قرارداد: ۱۸ (هجده) ماه شمسی

تاریخ جلسه توجیهی: جلسه توجیهی در ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ در محل پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس برگزار می‌گردد. متقاضیان با در دست داشتن معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر به پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس واقع در بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار نفت، میدان نفت مراجعه نمایند.

مهلت تسلیم بسته پیشنهادی مناقصه: شامل پاکت "ب" (پیشنهاد فنی)، و پاکت "د" (ارزیابی کیفی) تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

محل تسلیم بسته پیشنهادی مناقصه و محل تحویل کالا/پروژه: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار صنعت نفت، میدان نفت، شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس، امور حقوقی، حاکمیت شرکتی و قراردادها

تلفن: ۰۷۶-۳۱۳۱۳۷۰۸، دورنگار: ۰۷۶-۳۱۳۱۳۱۳۱، کدپستی: ۷۹۳۱۱۸۱۱۸۳، ایمیل: Legal@pgsoc.ir

روابط عمومی و بین‌الملل شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس

نبض تهران با برق می‌زند — بهینه مصرف کنیم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای — نوبت اول

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد اجرای عملیات بازدید، تعمیر و نگهداری شبکه روشنایی معابر خود را به پیمانکار واجد شرایط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید.

شرح مختصری از کار:

شماره مناقصه سامانه ستاد	۲۰۰۵۰۹۵۲۳۹۰۰۰۰۰۳
شماره مرجع مناقصه	۱۴۰۵۲۲۱۰۲۳۳
موضوع مناقصه	اجرای عملیات بازدید، تعمیر و نگهداری شبکه روشنایی معابر
محدوده عملیاتی	منطقه برق سهروردی
برآورد انجام کار(ریال)	.....
مبلغ ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار (ریال)	۳,۶۶۱,۱۵۶,۳۷۲ ریال
مهلت فروش اسناد	از روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ لغایت شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲
تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۰۸:۳۰ یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۱
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه	ساعت ۱۰:۰۰ دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
ارزیابی کیفی	دارد
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران - انتهای بادگار امام - خ زارع - میمنت - نبش طوس شرقی - منطقه برق سهروردی (ساختمان شماره ۲)- دبیرخانه منطقه برق سهروردی و محل بازگشایی سالن جلسات منطقه

نوع سپرده فرایند ارجاع کار: به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا بلوکه از حساب مطالبات تأیید شده نزد شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
-به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبلغ فروش اسناد:
- جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir اقدام به خرید اسناد نمایند.ضمناً کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها و اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:
- داشتن گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری دررشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور الزامی می‌باشد.
_ سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی‌های کسب اطلاعات بیشتر:
- سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
- سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
- سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www.tbtb.ir
- کانال اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام رسان بله به نشانی: ble.ir/join/EUhIJVVuZvC

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ(سهامی خاص)

CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2

شرکت پتروشیمی بوعلی سینا (سهامی عام)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت پتروشیمی بوعلی سینا (سهامی عام)

شماره ثبت ۶۲۷۲ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۷۲۳۲۴۵ محل ثبت: بندر ماهشهر

سرمایه: ۲۰,۰۹۰,۰۰۰ میلیون ریال

بدین‌وسیله به‌اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت پتروشیمی بوعلی سینا (سهامی عام)، وکیل یا قائم‌مقام قانونی صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان آنها می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه این شرکت در ساعت ۱۱:۳۰ صبح روز چهارشنبه به‌تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ در استان تهران، شهر تهران به آدرس خیابان نجات‌الهی، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ، حوزه هنری انقلاب اسلامی، تالار اندیشه برگزار می‌گردد، حضور به‌هم رسانید.

دستور جلسه:
۱- قرائت گزارش هیأت‌مدیره و حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۲- بررسی و تصویب صورت‌های مالی عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۳- انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل برای سال ۱۴۰۵ و تعیین میزان حق الزحمه ایشان
۴- تعیین روزنامه/ روزنامه‌های کثیر الانتشار جهت نشر آگهی‌های شرکت
۵- تقسیم سود قابل تخصیص
۶- تعیین حق حضور اعضا غیر موظف هیأت‌مدیره برای سال مالی منتهی ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۷- تعیین پاداش اعضا هیأت‌مدیره
۸- انتخاب اعضا هیأت‌مدیره
۹- سایر مواردی که به موجب قانون تجارت در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه است.

در اجرای ابلاغیه شماره ۱۲۲/۱۲۸۴۴۱ به تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار، از سهامداران محترمی که امکان حضور فیزیکی در مجمع را ندارند تقاضا می‌گردد جهت مشاهده هم‌زمان مجمع به‌صورت آنلاین از طریق لینک https://Mymajma.com با ما در ارتباط باشند. سهامداران محترم می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ با مراجعه به نارنمای مذکور سؤالات خود را مطرح نمایند.

هیأت‌مدیره شرکت پتروشیمی بوعلی سینا (سهامی عام)

به تماشای جهان

روایت روانشناسانه بحران‌های هویتی در چشم‌های اینشتین نوشته ساناز اسدی

داستان ایرانی

بهار خسروی
گروه کتاب

ادبیات فقط حول محور جهان بیرونی نمی‌چرخد، بلکه همچون آیینه‌ای می‌ماند که به پیچیده‌ترین و ناشناخته‌ترین بخش‌های درونی انسان، یعنی ذهن و روان او هم نفوذ می‌کند. اکثر داستان‌ها با تکیه بر اتفاقات پشت سر هم و مشکلات بیرونی به پیش می‌روند، اما در میان آنها آثاری هستند که خواننده را با روایتی درونی و تأمل‌برانگیز به یک خلوت عمیق می‌کشانند و در سکوتی سرشار از ناگفته‌ها و اسرار درونی به حال خود رها می‌کنند. این کتاب‌ها دیگر تصاویری پرهیاهو و شکل گرفته بر صفحات کاغذ نیستند، عمق پیدا می‌کنند و تا مدت‌ها با خواننده همراه می‌شوند. محور آنها معمولاً بر دغدغه‌های فردی، مشکلات عاطفی و گرفتاری‌های روزمره زندگی تمرکز دارد. نویسنده به جای پرداختن به آنچه رخ داده، به تأثیری که رویدادها بر روح و روان شخصیت‌ها برجای گذاشته، می‌پردازد. این داستان‌ها خواننده را به فکر وادار می‌کنند و تنهایی‌ها، تردیدها، فقدان‌ها و کشمکش‌ها را به یاد او می‌آورند، دقیقاً همان دردهای ناگفته‌ای که در خلوت با آنها گلاویز می‌شوند. داستان‌های مبتنی بر روایت درونی و ذهنی صرفاً برای خواندن، وقت‌گذرانی و سرگرم شدن نیستند، آنها یک تجربه زیسته هستند و همانند یک دعوتنامه مخاطب را به توقف، درنگ، تأمل و نگریستن به درون خویش دعوت می‌کنند. مخاطب با خواندن چنین داستان‌هایی به تدریج در دنیای درونی شخصیت‌ها نفوذ کرده و با آنها همذات‌پنداری می‌کند، گاهی هم خود را در کنار تردیدها، تنهایی‌ها، انزوا، سکوت و امیدهای کوچک و شکننده آنها می‌بیند. این نوع ادبیات ماجراهایی را بازگو می‌کند که در زندگی روزمره و واقعی تجربه می‌شوند و به همین دلیل بیش از هر روایت داستانی دیگری در ذهن مخاطب به یادگار می‌مانند.

کتاب «چشم‌های اینشتین» نوشته ساناز اسدی که نشر چشمه آن را منتشر کرده، جزو آثار داستانی و معاصر فارسی محسوب می‌شود که با نثری احساسی، شخصیت‌محور و روانشناسانه، فضای انسانی و اجتماعی و با اسمی کنجکاو برانگیز، خواننده را به یک روایت درونی و تأمل‌برانگیز دعوت می‌کند. این کتاب، داستان خانواده‌ای را بازگو می‌کند که در سرایدارخانه مدرسه دخترانه‌ای در قائمشهر زندگی می‌کنند. شهری که به کارخانه نساجی و تیم فوتبالش شناخته می‌شود. ثریا، مادر خانواده، در کارخانه رو به زوال نساجی مشغول به کار است. پیش از او همسرش آقا موسی آنجا کار می‌کرد. این روزها اخبار تعطیلی کارخانه در کوچه‌های شهر دهن به دهن می‌چرخد. تیم فوتبال شهر هم بازی پشت بازی دارد می‌بازد و پسرها و آقا موسی، مثل باقی تماشاگران خسته تیم، هر هفته دست از پا درازتر ورزشگاه وطنی را با بار سنگین شرم و غصه ترک می‌کنند و برمی‌گردند به اتاق‌های‌شان. داستان در فضایی بسته و پرتنش می‌گذرد و مرز میان زندگی خصوصی این خانواده با فضای عمومی دائماً در تلاطم است، آنها در واقع در قلب اجتماع هستند اما زندگی پنهان یا نامرئی دارند.

یک ماجراجویی مخفیانه

شخصیت اصلی داستان، نوجوانی کنجکاو و ماجراجو در آستانه سن بلوغ است. او جهانی را به تماشا نشسته که به آن تعلق ندارد و دائماً از آن منع می‌شود.

او خود در خانواده از فرصت زندگی همانند همسن‌های خود و تجربه‌های خوش دوران نوجوانی به دور مانده است و او از پشت دیوار و از خلال یک سوراخ، مخفیانه دانش‌آموزان مدرسه را تماشا می‌کند. این نگاه گاهی با لذت، شرم و گناه همراه می‌شود و همین وی را

چشم‌های اینشتین
- نویسنده: ساناز اسدی
- انتشارات: چشمه
- تعداد صفحات: ۱۶۸ صفحه
- قیمت: ۲۵۰۰۰۰ تومان

منزوی، تنها و مضطرب کرده است. خانه و خانواده شخصیت اصلی داستان همانند سایه یا شبح روزگار می‌گذرانند و او یاد گرفته چگونه نامرئی باشد تا از خشم خانواده و دیگران در امان بماند. دیده شدن و جلب توجه در نهاد هر نوجوانی وجود دارد اما او سعی در دیده نشدن و نامرئی بودن دارد که با طبیعت وجودی‌اش و سن حساسش در تضاد است. کتاب با روایتی ساده نشان می‌دهد فضا و محیط در رشد شخصیت نوجوانان تأثیر مهمی برجای می‌گذارد و می‌تواند آنها را به سمت انزوا، تنهایی، استرس و حتی افسردگی بکشاند. نویسنده به خوبی توانسته صدای یک نوجوان را به صفحات کتاب منتقل کند؛ صدایی که حال و هوای خاص، ماجراجویی، کنجکاوی، آشفتگی و نوعی فاصله‌گذاری با جهان اطراف خود را فریاد می‌زند. او در توصیف فضاها دقیق است و به جای تمرکز بر اتفاقات پیچیده و پر تنش، روی مکث‌ها، بوها، اشیای درون خانه و جزئیات معمول زندگی روزمره تمرکز می‌کند. این جزئیات در متن داستان معنا می‌یابند و نمادهایی را می‌سازند که از وضعیت روانی شخصیت‌ها یا جبر محیطی آنها نشأت می‌گیرند.

نظم زندگی روتین شخصیت اصلی داستان و خانواده‌اش با ورود نابه‌هنگام دختری به نام «گل» به‌هم می‌ریزد. دختر داستان در اینجا بدلایلی به خانه آنها پناه می‌آورد. ورود او مرز امن، پنهان و نامرئی و قانون‌های وضع شده میان مدرسه و خانه را می‌شکند. شخصیت اصلی داستان پس از این اتفاق ناخواسته، پایش به ماجرایی باز می‌شود که باید با دنیای واقعی، میل، ترس و مسئولیت روبه‌رو شود و دیگر نمی‌تواند یک ناظر باقی بماند و فقط به تماشا بنشیند. روند بلوغ ذهنی و عاطفی او در صفحه به صفحه کتاب پیش چشمان مخاطب کنجکاو شکل می‌گیرد.

او به تدریج مجبور می‌شود از دنیای فانتزی و تماشای مخفیانه دنیای بیرون از محدوده امن‌اش خارج شود و با پیچیدگی روابط انسانی، تجربه‌های تازه و چالش‌های بزرگ‌تری آن هم از جنس بزرگسالی رو در رو یا حتی گلاویز شود. در نهایت شخصیت اصلی داستان دیگر یک نوجوان منزوی، خجالتی و ترسو نمی‌ماند و به شخصیتی با هویت مستقل تبدیل می‌شود. او این استقلال را در مواجهه با بزرگ‌ترها، قوانین مدرسه و دیگران به دست می‌آورد.

شخصیت‌پردازی نویسنده چنان دقیق و قابل باور است که به دل خواننده می‌نشیند و با جریان داستان همراه می‌شود و با مشکلات و دغدغه آنها همذات‌پنداری می‌کند. شخصیت‌های «چشم‌های اینشتین» همانند قهرمان داستان‌های کلاسیک نیستند و با آنها از زمین تا آسمان فاصله دارند. آنها همانند زندگی بیرون از کتاب‌ها با دردهای معمولی و گسست‌های عاطفی رو به رو هستند و دنیا را از زاویه‌ای دیگر تماشا می‌کنند. رابطه میان اعضای خانواده، بیشتر بر پایه فاصله و اختلال عاطفی و رازهای ناگفته پیش می‌رود.

نویسنده با انتخاب عنوان خاص خود که به نابغه‌ای چون اینشتین اشاره دارد، برای مخاطب کنجکاوی به همراه دارد، همچنین تضادی میان نگاه علمی اینشتین و نگاه انسانی و احساسی شخصیت اصلی داستان به وجود آورده است. اینشتین نماد علم و دیدن عمیق جهان است و او در ابتدا فقط با غریزه به تماشای جهان خارج از نقطه امن خود می‌نشیند، اما به‌تدریج نگاه او آمیخته به آگاهی، دانش و بینش می‌شود. اینشتین نماد علم و حقیقت محسوب می‌شود، دانشمندی که با نگاه عمیق به جهان، به ژرفای واقعیت می رود، اما شخصیت اصلی داستان به دنبال کشف قانون‌های جهان کوچک خودش است. او در طول داستان به این بلوغ می‌رسد که نگاه کردن به معنای آگاه شدن، فهمیدن دردها، درک ترس‌ها و پنهان‌کاری‌های دیگران است.

کشف واقعیت‌های پنهان

کتاب «چشم‌های اینشتین» قرار نیست خواننده را هر لحظه با اتفاقات عجیب و غریب و غیرمنتظره مرسوم دنیای قصه‌ها غافلگیر کند و به پیش برود، اما این توانایی را دارد که نگاه او را به جزئیات زندگی تغییر بدهد. در واقع نویسنده در فضاسازی به خوبی عمل کرده و برای ساختن دنیای ذهنی شخصیت‌ها از جزئیات مناسب و به جایی بهره گرفته است. کتاب با محور قرار دادن یک موقعیت ساده به موضوعات عمیق‌تری همچون هویت، شناخت، بلوغ و تنش میان خواستن و نخواستن می‌پردازد. حس گیر افتادن شخصیت اصلی به خوبی از قلم نویسنده به خواننده منتقل می‌شود. مجموع این ویژگی‌ها به کتاب جنبه‌ای روانشناسانه بخشیده است.

همچنین وصف‌هایی از معماری مدرسه و خانه سرایداری، فضایی را در ذهن خواننده خلق می‌کند که مرزهای محدودکننده میان بودن و نبودن، دیدن و دیده شدن برای او قابل لمس می‌شود. توجه اسدی به اشیا، فضا و رفتارهای کوچک، فضای داستان را ملموس و زنده می‌کند و این نقطه قوت کتاب به حساب می‌آید. نویسنده از کنار مسائل به ظاهر کوچک به سادگی عبور نمی‌کند و از دل یک زندگی معمولی و ساده، تضادهای بزرگی همانند خیر و شر، اخلاق و میل، بودن و دیده شدن یا نامرئی بودن را بیرون می‌کشد. البته ناگفته نماند که در بخش‌هایی از اثر، فضای ذهنی شخصیت‌ها بیشتر می‌شود و سرعت پیشبرد داستان را کم می‌کند.

کتاب به دلیل فضاسازی مناسب و خاص خود، نمادهایی را به تصویر می‌کشد که هرکدام به لایه‌های درونی داستان و شخصیت‌های آن اشاره دارند.

> کتاب «چشم‌های اینشتین» جزو آثار داستانی و معاصر فارسی محسوب می‌شود که با نثری احساسی، شخصیت‌محور و روانشناسانه، فضای انسانی و اجتماعی و با اسمی کنجکاو برانگیز خواننده را به یک روایت ذهنی، درونی و تأمل‌برانگیز دعوت می‌کند. این کتاب قرار نیست خواننده را هر لحظه با اتفاقات عجیب و غریب و غیرمنتظره مرسوم دنیای قصه‌ها غافلگیر کند و به پیش برود، اما این توانایی را دارد که نگاه او را به جزئیات زندگی تغییر بدهد

نفوذ نویسنده در دل قصه‌ها

ساناز اسدی، سال ۱۳۶۵ در قائمشهر به دنیا آمد و فارغ‌التحصیل رشته تئاتر از دانشگاه هنر تهران، نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس است. نمایشنامه‌های «کلکسیون»، «خروج اضطراری» و «سایر بازماندگان» از آثار او محسوب می‌شوند که به اجرای عمومی نیز در آمده‌اند. نمایشنامه «کلکسیون»، برنده جایزه ویژه اکبر رادی در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشجویان شده است.

«نیازمندی‌ها» اولین مجموعه داستان ساناز اسدی است که سال ۱۳۹۵ توسط نشر نیماژ منتشر شد. این کتاب شامل ۷ داستان با شخصیت‌پردازی دقیق و بجا است؛ انسان‌هایی وامانده در روزگار معاصر که هرکدام اتفاقی را از سر گذرانده‌اند و افرادی فراری از گذشته خود که سعی در فراموشی آن دارند. پایان‌بندی‌های دقیق و مؤثر داستان‌ها مخاطب را به چالش می‌کشاند تا داستان بعد از اتمام هم در ذهن خواننده ادامه پیدا کند. آنچه قهرمان‌های داستان‌ها را در وضعیت‌های به وجودآمده قرار داده، نتیجه انتخاب‌های‌شان نیست، بلکه جبر و تحمیل شده به آنهاست. این اثر در رابطه مستقیم با تجربه زیسته جغرافیایی نویسنده در شمال ایران و شهرها و مردمان

حاشیه ساحلی دریای خزر است. نوولای «سخت پوست» دومین اثر داستانی او محسوب می‌شود که سال ۱۴۰۱ نشر چشمه آن را منتشر کرد. این کتاب زندگی یک خانواده چهارنفره را روایت

می‌کند که به خاطر بی‌کفایتی پدر در تأمین مخارج‌شان، اوضاع اقتصادی نابه‌سامانی دارند. «سخت پوست» اثری درباره رفت و بازگشت‌های مکرر پدر، بارانی که بند نمی‌آید و عکس‌هایی است که از حافظه نمی‌رود. اسدی با ضرباهنگی درست و فصل‌هایی کوتاه و با استفاده از قاب‌هایی که به قالب عکس نزدیک‌اند، روایتی خواندنی و شاعرانه از فقدان و خاطره می‌سازد که برای مخاطب فرصتی فراهم می‌آورد تا قهرمان خود را تجسم کند. یکی از ویژگی‌های قابل‌توجه این کتاب به ظرافت و دقتی مربوط می‌شود که نویسنده در بازنمایی شخصیت‌ها و درون‌شان داشته است. همچنین فلش‌بک‌های راوی به گذشته و رفت وبرگشت‌هایی که میان زمان گذشته و حال وجود دارند، از جذابیت‌های این اثر به حساب می‌آید.

پرتره‌ای از اضطراب

درباره کتاب گالری امیال بشری با تمرکز بر داستان خیابان روانمهر

نسرین کیایی
منتقد ادبی

عنوان مجموعه داستان «گالری امیال بشری» نوشته محسن فرجی به بهترین شکل، ماهیت آن را تبیین می‌کند؛ داستان‌های این مجموعه، همچون قاب‌هایی در یک گالری، مجموعه‌ای از تلاطم‌های درونی، ترس‌ها و آرزوهای مهارنشدنی انسان معاصر هستند که هرکدام به شکلی در تعامل با واقعیت جاری قرار گرفته‌اند. اگر مجموعه را همچون یک «گالری» فرض کنیم، راوی‌های داستان‌ها در جایگاه متصدیانی هستند که سعی دارند این امیال و خاطرات را روایت کنند، اما نکته اینجاست که این گالری، یک بایگانی دقیق و مستند نیست؛ بلکه «ذهن غیرقابل‌اعتماد» راوی‌ها، تصاویر گذشته را بازآفرینی می‌کند. این بازتولید گذشته، تماشای امیال و ترس‌های قدیمی را با شک و تردید همراه می‌کند و خواننده را مدام در تماشای نسخه‌هایی از حقیقت نگه می‌دارد که هر لحظه ممکن است، تغییر کنند.

داستان «خیابان روانمهر» از داستان‌های «گالری امیال بشری»، در جغرافیای مشخصی برپا شده است: خیابان‌های تهران؛ شهری که در این مجموعه نه یک دکور، که کاتالیزوری برای بروز این امیال است. خیابان‌ها، میدان‌ها و اسامی مکان‌ها در مرکز شهر، به مثابه قاب‌های این گالری عمل می‌کنند که خاطرات، حسرت‌ها و دلهره‌های شخصیت‌ها را در خود نگه داشته‌اند. تهران، شاهد زنده این امیال بشری است؛ شهری که گذشته را در خود دفن نمی‌کند، بلکه آن را در هر نبش خیابان پیش روی راوی می‌گذارد. در این میان، خانواده پربسامدترین سوژه این گالری است؛ جایی که امیال بشری نه در فضای خالی، بلکه در روابط حساس خانوادگی متبلور می‌شوند. ترس از دست دادن، شک به نجابت و هراس پدرانه از تکرار سرنوشت گذشته برای فرزند، التهاب‌های اجتماعی همگی نشان‌دهنده این است که امیال چطور می‌توانند به اضطراب‌های مدرن بدل شوند. شاید مهم‌ترین ویژگی این گالری، اشتیاق راوی برای یافتن نقطه‌ای امن برای ایستادن و تماشا کردن باشد؛ تمام تکاپوی راوی‌ها برای یافتن لحظه‌ای از آرامش، در واقع تلاشی است برای رهایی از فشار این امیال سرکش. آنها می‌خواهند در این گالری شلوغ از خاطرات و هراس‌ها، گوشه‌ای دنج بیابند تا لحظه‌ای از اضطراب جهان فارغ شوند. در واقع، «گالری امیال بشری» مجموعه‌ای است که آیینه‌وار، تضادهای درونی انسان امروز را پیش روی او می‌گیرد و به ما یادآوری می‌کند که ما نیز همچون راوی‌های این داستان‌ها، مجموعه‌ای از حافظه‌های غیرقابل‌اعتماد و امیال بی‌پایان هستیم که در جغرافیای پرفشار شهر، برای معنا بخشیدن به زندگی و یافتن آرامشی گمشده تلاش می‌کنیم و دعوتی است به تماشای حقیقت عریان انسانی که در میان گذشته‌ای که رهایش نمی‌کند و آینده‌ای که از آن می‌ترسد، معلق مانده است.

در میان این قاب‌ها، داستان «خیابان روانمهر» به‌خوبی بازتاب‌دهنده این فضای کلی است؛ جایی که راوی درگذار از خیابان‌های مرکز شهر، میان «عشق گذشته» و «هراس پدرانه از تکرار گذشته» گرفتار شده است. روانمهر در اینجا تنها یک نشانی جغرافیایی نیست، بلکه معبری است که در آن، «بی‌پروایی» زندگی سال‌های دور همسرش، به آیینه‌ای برای ترس‌های کنونی راوی تبدیل می‌شود. اینکه چگونه نجابت و خاطره، در ذهن راوی به پرسشی بی‌پایان بدل می‌شوند و «تهران» با خیابان‌هایش، مدام به او یادآوری می‌کند که گذشته پدیده‌ای نیست که بتوان آن را پشت سر گذاشت، بلکه حضوری است که بر هر لحظه از اکنون سایه می‌اندازد.

گالری امیال بشری
پنج داستان کوتاه
- نویسنده: محسن فرجی
- انتشارات: خزه
- تعداد صفحات: ۱۲۸ صفحه
- قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

«خیابان روانمهر»، تصویری عریان از اضطراب پایدار کسی است که می‌کوشد در آوار خاطرات و واقعیت جاری، تعادلی شکننده برقرار کند. در این میان، تهران و بویژه خیابان‌های مرکز شهر، حضوری ملموس دارند و همچون شاهدی بر روایت، در پس‌زمینه جان گرفته‌اند. راوی در عین حال که در مقام همسر، در پی یافتن مجالی برای صلح با گذشته شریک زندگی‌اش است، در لایه‌ای عمیق‌تر، با هراسی پدرانه دست و پنجه نرم می‌کند که گویی پرهیبی از تجربیات تلخ گذشته روی آینده فرزندش است. ردپای زندگی جسورانه همسر راوی در گذشته، تا اکنون می‌رسد و «ملال و خستگی» را برای مرد داستان رقم می‌زند.

تضاد میان آن لحظه کوتاه آرامش، که در آن کینه‌ها و حسرت‌ها چنان محو شده بودند که «انگار از اول نبوده‌اند»، و واقعیت خشن زیسته همسرش در گذشته و در ارتباط با مرد ناشر، فضایی خفقان‌آور می‌سازد. در این فضا، خیابان‌های اطراف انقلاب و روانمهر، که سراسر کتابفروشی و دفتر نشر است، نه فقط معبرهایی برای عبور، که گره‌گاه خاطراتی هستند که مدام در ذهن راوی بازآفرینی می‌شوند. در واقع، آن «بی‌پروایی» که راوی در گذشته همسرش می‌بیند و با بدبینی و کنجکاوی به آن می‌نگرد، اکنون به آیینه‌ای برای ترس‌های پدرانه بدل شده است؛ ترسی از اینکه نکند دخترش، در پی تجربه‌های مشابه، در چنبره همان آسیب‌هایی بیفتد که همسرش روزگاری در قلب همین خیابان‌های مرکز شهر تجربه کرده است.

آنچه این وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند، پیوندی است که ذهن راوی میان «عشق گذشته» و «ترس پیش رو» برقرار می‌کند. به همسرش نگاه می‌کند و حس می‌کند «چقدر دوستش دارد»، بلافاصله با پرسش‌هایی آزاردهنده به فضای عدم قطعیت بازمی‌گردد. وقتی دخترش قصد سفر دارد، همان نشانه‌های ظریف بی‌پروایی در ذهن راوی به فاجعه‌ای بدل می‌شود که گویی در تاروپود خانواده‌شان تنیده شده است. پدر، میان میل به آزاد گذاشتن فرزند و هراس از جهان پیچیده‌ای که خوب می‌شناسد، معلق مانده است؛ تعلیقی که ریشه در اشتیاق او برای مراقبت از کسی دارد که دوستش دارد. او به دنبال راهی برای محافظت است و همین دغدغه، عشقی را که به همسرش حس می‌کرده است، با چاشنی دلهره و نشخوار فکری درمی‌آمیزد و پرسش‌های ذهنی بی‌پایان می‌شوند. در تمام این مسیر، تهران با خیابان‌های خاطره‌انگیزش، مدام به راوی یادآوری می‌کند که گذشته، پدیده‌ای است که در گوشه و کنار این شهر حضور دارد و برآینده سایه می‌اندازد.

irannewspaper.ir

یکشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۷۱
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۴۳ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۸ • اذان صبح فردا ۰۳/۱۵ • طلوع آفتاب فردا ۰۴/۵۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
عفّت، نفس را مصون داشته و آن را از پستی‌ها دور نگه می‌دارد.

غرر الحکم: ح۱۹۸۹

گفت‌وگو با نصرالله رادش به بهانه برگزاری نمایشگاه نقاشی «بی کله‌ها»

نقاش نیستم، با تصویرهایم بازی می‌کنم

گفت‌وگو

سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

نصرالله رادش، بازیگری که بیش از هر چیز با نقش‌های طنز در ذهن مخاطبان نقش بسته، نمایشگاه نقاشی خود را با عنوان «بی کله‌ها» در گالری ثالث برپا کرده است.

او در بیانیه این نمایشگاه نوشته است: «با آنکه وجود داشتند، با آنکه می‌دیدمشان و با آنکه هر روز به نحوی با بخشی از آنها سروکار داشتم، اما مدام این پرسش در سرم سنگینی می‌کرد که آیا امکان‌پذیر است با داشتن فقط شش جزء از اجزای اصلی چهره انسان، این همه ترکیب متفاوت و این همه چهره گوناگون انسانی ساخته شود؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، ابتدا با خمیرنان بربری و بعدها به روش‌های دیگر وارد عمل شدم. روزبه‌روز بیشتر به کوچک بودن قدرت خود در برابر قدرت خالقم پی بردم و در تمام این سی‌وهفت سال فقط این جمله در ذهنم نقش بست که مضحک‌ترین و احمقانه‌ترین تصویر عالم، تکبر و غرور آدم‌هاست.»

رادش در گفت‌وگو با «ایران» درباره برپایی نمایشگاه «بی کله‌ها» به پرسش‌ها این‌گونه پاسخ داد.

نمایشگاه «بی کله‌ها» ادامه نمایشگاه مجسمه‌های شما با عنوان «صورتک» است که چهار سال پیش برگزار شد؟

شروع کار مجسمه‌سازی من با خمیرنان بربری بود؛ کاری که از سر سفره و در دوران دانشجویی آغاز شد. این کار را تفننی انجام می‌دادم و با اصرار دوستانم ادامه پیدا کرد. در مجموعه «صورتک»، متریال عوض شد. خمیر نان بربری ماندگاری زیادی ندارد، اما گل سفالگری که در کوره پخته شود یا خمیر گل چینی، ماندگاری بیشتری دارد. بعد از آن تصمیم گرفتم منسجم‌تر کار کنم تا بتوانم نمایشگاه برگزار کنم.

آثاری که روی بوم آورده‌اید، با دنیای بازیگری‌تان مشابهتی دارد؟

خودم ارتباطی نمی‌بینم، چون واقعاً نمی‌دانم طرح‌های این نقاشی‌ها از کجا آمده‌اند. یک نفر بود که حجم‌هایی می‌ساخت و من خیلی از آنها خوشم آمد. او اصلاً مجسمه‌ساز نبود و می‌گفت: «دیگر اینها را نمی‌سازم، چون همه‌شان وارد مغزم می‌شوند. حالا که آنها را ساختم، آرام شدم و سراغ کار دیگری رفتم.» منظورم از گفتن این داستان این است که بگویم این تصاویر برای آزار دادن سراغم نمی‌آیند. فکر می‌کنم در بسیاری از این کارها، کسی که آنها را خلق می‌کند هم نمی‌داند از کجا می‌آیند، اما ناچار است برایشان قصه‌ای بسازد.

یعنی این بداهه‌پردازی را بدون هیچ تصویرسازی ذهنی انجام دادید؟

واقعیت این است چه زمانی که با گل مجسمه می‌ساختم و چه زمانی که این طرح‌ها را کشیدم، هیچ‌چیزی در ذهنم نبود.

به نظر می‌رسد تصویر کردن بدون ذهنیت، نوعی جسارت باشد؟

شما اسمش را جسارت می‌گذارید. من طرح‌های زیادی کشیدم تا آثاری که روی دیوار رفتند شبیه هم نباشند. زحمت زیادی کشیدم؛ این ۳۰ تابلو حاصل کشیدن ۱۳۰ طرح است که ۱۰۰ طرح را بعد از کشیدن، دور ریختم. حتی زمانی که چهره‌ای را می‌کشیدم، اگر از تناسبش خوشم نمی‌آمد، از همان الهام می‌گرفتم و به نوعی از آن برای کشیدن طرح بعدی استفاده می‌کردم.

رنگ‌های شاد نقاشی‌ها و قاب‌های مشکی دور چهره‌ها چه مفهومی دارند؟

خیلی فلسفه‌ای پشت آن نیست؛ فقط می‌خواستم کار جلوه داشته باشد. رنگ‌های شاد را دوست دارم و معتقدم هنر و تمام کارهای هنری باید حال آدم را خوب کنند. به نظرمن نشان دادن درد و رنج، به‌تنهایی هنر نیست. برای همین تمام تلاشم را کردم تا به واسطه رنگ‌ها، کارهایم شاد باشند. وقتی نقاشی‌ها را کشیدم، از همه؛ از بچه‌ها تا بزرگسالان، پرسیدم که این چهره‌ها ترسناک نیستند؟ حس وحشت منتقل نمی‌کنند؟ من دلم می‌خواست این کارها به هیچ قیمتی حال کسی را بد نکنند.

یعنی این نمایشگاه امتداد همان روحیه طنزی است که مردم از شما در آثار تلویزیونی به خاطر دارند؟

نه. همان‌طور که گفتم، اصلاً نمی‌دانم منشأ این طرح‌ها چیست. اینها فقط فرم هستند و خودم هم نمی‌دانم کدام شاد است و کدام نیست، چون هر کسی برداشت خودش را دارد. ممکن است یک نفر با دیدن چهره‌ای بگوید «این آدم بدجنسی است» و نفر دیگری همان چهره را مهربان بداند. به همین دلیل به این نتیجه رسیدم که لازم نیست آدم زور بزند تا چهره‌ها حرف بزنند؛ چون تفسیرها متفاوت است.

> من در حوزه هنرهای تجسمی هیچ ادعایی ندارم. نمی‌گویم نقاش هستم، حتی ترکیب رنگ‌ها را هم به صورت تخصصی بلد نیستم. این نقاشی‌ها کارهای دلی هستند

حالا که وارد حوزه هنرهای تجسمی شده‌اید، در مقایسه با بازیگری، کدام سخت‌تر است؟

مقایسه نقاشی با بازیگری خیلی سخت است، چون دو حوزه کاملاً متفاوتند. من واقعاً خودم را نقاش نمی‌دانم؛ فقط با این تصاویر بازی می‌کنم و برایم نوعی تفریح است. هیچ ادعایی درباره این هنر ندارم و نمی‌خواهم به صورت حرفه‌ای و گسترده این مسیر را ادامه دهم. در همین حد برایم کافی است.

یعنی دیگر نمی‌خواهید در حوزه هنرهای تجسمی فعالیت کنید؟

چرا، دوست دارم. تلاشم این است که نمایشگاه بعدی‌ام مجموعه‌ای از صورتک‌های حجمی باشد که در کوره پخته شده‌اند و به شکل سرساخته شوند.

برخی معتقدند حضور بازیگران در فضای هنرهای تجسمی بیشتر به دلیل استفاده از شهرت برای جذب مخاطب است. این نقد را وارد می‌دانید؟

به نظرم اختصاصی کردن هنر کار درستی نیست. هر کسی، با هر جایگاهی، باید کار خودش را انجام دهد و نباید برای هنر مرزبندی کرد. مثلاً می‌گویند مجری‌ها نباید خواننده شوند؛ به نظر من این نگاه چندان جالب نیست. من در حوزه هنرهای تجسمی هیچ ادعایی ندارم. نمی‌گویم نقاش هستم، حتی ترکیب رنگ‌ها را هم به صورت تخصصی بلد نیستم. این نقاشی‌ها کارهای دلی هستند. دوستانم آنها را دیدند و گفتند حال خوبی دارند و تشویقم کردند نمایشگاه برگزار کنم وگرنه سال‌هاست نقاشی می‌کنم. زمانی بیشتر برای برگزاری نمایشگاه ترغیب شدم که طرح‌هایم رنگی شدند و دیدم رنگ‌ها جلوه خوبی به آنها داده‌اند.

با توجه به اینکه زاده جنوب هستید و اکنون بیشتر حملات دشمن متوجه شهرهای جنوبی است، پیامی برای همشهری‌هایتان دارید؟

روزگار این روزها خیلی تلخ است و حال و روز ما که در تهران هستیم هم چندان خوب نیست. حس می‌کنم حرف من تأثیر چندانی ندارد. فقط امیدوارم زندگی مردم جنوب مثل نقاشی‌هایم رنگارنگ شود؛ همین.

> روزگار این روزها خیلی تلخ است، امیدوارم زندگی مردم جنوب مثل نقاشی‌هایم رنگارنگ شود

• **نمایشگاه نقاشی‌های نصرالله رادش تا ۳۰ تیرماه، روزهای جمعه از ساعت ۱۶ تا ۲۲ و در سایر روزها از ساعت ۱۰ تا ۲۱، پذیرای بازدیدکنندگان در گالری ثالث است.**

از صحنه تا بوم؛ استمرار یک هنرمند در جست‌وجوی خویش

رضا صائمی، دبیر گروه فرهنگی / نمایشگاه «بی کله‌ها» را نمی‌توان صرفاً اولین تجربه نقاشی نصرالله رادش دانست. این نمایشگاه، حلقه‌ای دیگر از زنجیره جست‌وجوی هنرمندی است که سال‌هاست می‌کوشد خود را به یک رسانه محدود نکند. او که برای مخاطبان با بازی‌های کمدی و شخصیت‌های به‌یادماندنی‌اش شناخته می‌شود، سال‌ها پیش با نمایشگاه مجسمه‌های «صورتک» نشان داد که میل به خلق، برایش فراتر از قاب تصویر و صحنه است. حالا نیز با نقاشی، این مسیر را ادامه می‌دهد. مسیری که بیش از تغییر مدیوم، حکایت از تداوم یک زیست هنری دارد. در تاریخ هنر، کم نبوده‌اند هنرمندانی که از یک عرصه به عرصه‌ای دیگر قدم گذاشته‌اند، نه برای آزمودن شانس خود، بلکه برای یافتن زبانی تازه جهت بیان آنچه در قالب پیشین نمی‌گنجیده است. شاید بتوان تجربه رادش را نیز از همین منظر خواند. او نمی‌خواهد تنها بازیگری باشد که نقاشی می‌کند، بلکه تلاش دارد هنرمندی باشد که هر بار خود را در قالبی تازه بازآفرینی می‌کند.

این میل به بازآفرینی، ارزشمندترین وجه کار اوست. بسیاری از بازیگران، اسیر تصویری می‌شوند که شهرت برایشان ساخته است و تا پایان همان نقش را تکرار می‌کنند. اما رادش راه دیگری را انتخاب کرده است، راهی که امنیت تکرار را رها می‌کند و به استقبال تجربه می‌رود. این انتخاب، بیش از آنکه به نتیجه وابسته باشد، به جسارت هنرمند برای خروج از منطقه امن خود مربوط است. شاید به همین دلیل است که میان بازیگری، مجسمه‌سازی و نقاشی او می‌توان نخ نامرئی مشترکی پیدا کرد؛ علاقه به چهره انسان. خودش گفته حافظه‌اش در به خاطر سپردن وقایع چندان یاری‌اش نمی‌کند، اما چهره‌ها را هرگز فراموش نمی‌کند.

همین حافظه بصری، در بازیگری به خلق شخصیت انجامیده، در مجسمه‌ها به صورتک و اکنون در نقاشی‌ها به تصاویری که بیش از شباهت ظاهری، حامل حال‌وهوای انسان امروزند. «بی کله‌ها» را می‌توان روایتی از همین مسیر دانست، نمایشگاهی که بیش از آنکه بخواهد مهارت تکنیکی یک نقاش را به رخ بکشد، از عطش یک هنرمند برای زنده نگه داشتن رابطه‌اش با هنر خبر می‌دهد. به نظر می‌رسد هنر برای رادش نه حرفه‌ای موازی، بلکه شیوه‌ای برای استمرار زیستن است؛ تلاشی برای آنکه در گذر زمان، خود را دوباره کشف کند و از نو بیافریند. شاید مهم‌ترین ارزش این نمایشگاه نیز همین باشد؛ اینکه یادآوری می‌کند هنرمند واقعی، بیش از آنکه در پی تثبیت تصویر گذشته خود باشد، همواره در جست‌وجوی امکان‌های تازه برای خلق و احیای خویشتن است.

آگهی دعوت سهامداران

بانک صادرات ایران

به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت بانک صادرات ایران (سهامی عام)
به شماره ثبت: ۳۸۳۳ و شناسه ملی: ۱۰۸۶۱۷۳۶۰۶۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱

از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم مقام قانونی صاحبان سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی جهت حضور در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت بانک صادرات ایران (سهامی عام) به شماره ثبت ۳۸۳۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۷۳۶۰۶۲ که به منظور بررسی عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ رأس ساعت ۱۱ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ بصورت حضوری در محل تالار سوره حوزه هنری انقلاب اسلامی به نشانی: تهران، انتهای خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ برگزار می‌گردد، دعوت به عمل می‌آید. سهامداران محترم می‌توانند به منظور اخذ برگه ورود و حضور در جلسه مجمع مذکور روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ در ساعات اداری با ارائه مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی/ وکالت/ ولایت/ قیمومت و کارت شناسایی معتبر به حوزه سهامداران بانک صادرات ایران به نشانی: تهران، خیابان سمیه، مابین خیابان بهار و مفتح، ساختمان سپهر، شماره ۸۵، طبقه اول مراجعه فرمایند. لذا سهامدارانی حق ورود به جلسه را دارند که برگ ورود به جلسه دریافت کرده باشند. شایان ذکر است سهامداران محترم می‌توانند از طریق لینک https://live.bsi.ir نسبت به احراز هویت و مشاهده برخط (آنلاین) جلسه مجمع اقدام نمایند.

دستور جلسه:
۱. استماع گزارش هیأت مدیره، حسابرس و بازرس قانونی درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹.
۲. تصویب صورت‌های مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹.
۳. انتخاب حسابرس و بازرس قانونی و تعیین حق الزحمه ایشان.
۴. انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های مربوط به بانک برای سال ۱۴۰۵.
۵. تعیین حق الزحمه و جبران خدمات اعضای هیأت مدیره بانک.
۶. تصمیم‌گیری در خصوص احتساب سایر اندوخته‌ها برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹، موضوع ماده ۱۰۹ اساسنامه بانک.
۷. سایر مواردی که قابل طرح در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

هیأت‌مدیره بانک صادرات ایران (سهامی عام)
www.bsi.ir

آگهی حمل و امحاء حداقل ۲۰۰۰ تا حداکثر ۵۰۰۰ تن پسماند ویژه (کاستیک)

شماره مناقصه: ILPC-T-05-011

نوبت اول

شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات، در نظر دارد **حمل و امحاء حداقل ۲۰۰۰ تا حداکثر ۵۰۰۰ تن پسماند ویژه (کاستیک) ILPC-T-05-011** مطابق مشخصات درج شده در اسناد مناقصه را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای انجام نماید.

لذا بدین‌وسیله از شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد در صورت تمایل به شرکت در این مناقصه، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ به تارنمای شرکت پتروشیمی ایلام به نشانی www.ilampetro.ir / بخش کمیسیون معاملات /زیر بخش مناقصات مراجعه و نسبت به دریافت اسناد اقدام و حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ پاکات الف- ب- ج را به یکی از دو آدرس ذیل تحویل دهند: **(درج شماره تماس موبایل، آدرس ایمیل و شماره مناقصه بر روی پاکات با مهر شرکت الزامی می‌باشد.)**

- تهران ، میدان شیخ بهایی، پلاک ۱۸، ساختمان رایان ونک، طبقه پنجم، واحد ۵۰۸ - واحد کمیسیون معاملات
- ایلام - چوار، نرسیده به روستای آبزا، مجتمع پتروشیمی ایلام- دبیر خانه کمیسیون معاملات

مناقصه‌گران باید توانایی ارائه تضامین معتبر بانکی یا فیش واریزی به مبلغ ۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (هفت میلیارد ریال) داشته باشند که در زمان وصول پاکات (الف - ب - ج) اخذ می‌گردد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه آمده است. درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مناقصه‌گران می توانند با شماره همراه ۰۹۹۱۲۰۵۳۷۵۶ یا شماره تلفن: ۳۸۳۹۰۰۰۰ - ۰۸۴ داخلی ۴۲۱۵ - ۲۲۱۳ تماس حاصل فرمایند.

آدرس: ایلام - چوار- نرسیده به روستای آبزا- مجتمع پتروشیمی ایلام
تارنمای شرکت: www.ilampetro.ir / بخش کمیسیون معاملات / زیر بخش مناقصات
تلفن: ۳۸۳۹۰۰۰۰-۰۸۴ **داخلی:** ۴۲۱۵-۲۲۱۳ **تلفکس:** ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸ **کدپستی:** ۶۹۳۶۱۵۹۷۰۰

روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام (سهامی خاص)

شرکت پتروشیمی جم
جهانی متمایز متمایز

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی

نوبت اول

(مناقصه شماره ۴۰۴۰۷۵۱)

موضوع: تأمین CABLE TRAY AND ACCESSORIES

شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) در نظر دارد تأمین CABLE TRAY AND ACCESSORIES را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی، به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. فلذا از شرکت‌هایی که آمادگی و توانایی انجام موضوع مناقصه را داشته و دارای سوابق و تجربیات مؤثر و مرتبط می‌باشند دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی به تارنمای (وب‌سایت) پتروشیمی جم به آدرس WWW.JPCOMPLEX.IR مراجعه و اسناد مناقصه را از طریق این تارنما (وب‌سایت) دریافت (دانلود) نمایند. درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۶۵۴۵۴۵-۰۲۱ داخلی ۴۱۹ و ۴۳۴ تماس حاصل نمایند.

الف- شرح مختصر کار:
تأمین CABLE TRAY AND ACCESSORIES

ب- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دو میلیارد و پانصد میلیون ریال) در قالب ضمانت‌نامه معتبر بانکی و یا درصورت عدم امکان ارائه ضمانت‌نامه معتبر بانکی مناقصه‌گران خارجی می‌توانند مبلغ ۳۵۰۰ یورو به‌شماره حسابی که توسط پتروشیمی جم معرفی می‌گردد بلوکه نمایند.

مواعد زمانی مناقصه:
تاریخ درج آگهی: یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ و سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۳
آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از وب‌سایت پتروشیمی جم: ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳
آخرین مهلت ارسال اسناد ارزیابی کیفی (پاکت د): ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰
تاریخ ارسال پیشنهادات (پاکات الف، ب و ج): پس از مرحله ارزیابی کیفی، به شرکت‌هایی که حائز حداقل امتیاز کیفی لازم می‌باشند، جهت ارسال پاکات الف، ب و ج اطلاع‌رسانی خواهد شد.

ج- برخی نکات مهم:
شرکت‌های واجد شرایط می‌بایست ضمن مطالعه پیش نویس قرارداد و سایر اسناد مناقصه، ابتدا اسناد ارزیابی کیفی را مطابق دستورالعمل مندرج در آن بررسی و تکمیل و به‌همراه مستندات مربوطه در پاکت «د» (مستندات ارزیابی کیفی) تحویل دبیرخانه مرکزی شرکت پتروشیمی جم واقع در دفتر تهران تحویل و رسید دریافت شود.
شایان ذکر است که ارائه شماره تلفن و نشانی پست الکترونیک متقاضی شرکت در مناقصه، برای تداوم اطلاع‌رسانی‌ها الزامی است.
توضیح: درصورت هرگونه نقص در ارائه مستندات و یا عدم تکمیل موارد فوق، ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضی قابل بررسی نمی‌باشد و ارائه مدارک مورد اشاره و عدم تأیید صلاحیت، هیچ‌گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
پس از ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضیان و مشخص شدن فهرست کوتاه مناقصه‌گران، از شرکت‌های تأیید شده در مرحله ارزیابی کیفی، جهت ارائه سایر پاکات الف (تضمین شرکت در مناقصه)، ب (اسناد و مدارک فنی) و ج (پیشنهاد مالی) دعوت خواهد شد. حداقل امتیاز کیفی لازم ۵۰ می‌باشد.
- سایر جزئیات و اطلاعات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
- شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) در بررسی مستندات و نیز در رد یا قبول هریک یا تمام مستندات ارائه شده توسط شرکت‌ها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.

آدرس مناقصه‌گزار (دفتر مرکزی) جهت تحویل پیشنهادات:
- تهران، خیابان شهید عباسپور، خیابان نظامی گنجوی، شماره ۲۷، دبیرخانه مرکزی شرکت پتروشیمی جم (طبقه همکف)
- تلفن تماس: ۸۸۶۵۶۴۸۲-۰۲۱ - شماره فکس: ۸۸۶۵۶۴۸۹-۰۲۱

روابط عمومی شرکت پتروشیمی جم